

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسة هانئى - فقه الثقلمن

پاسخ به مسائل شرعی  
دفتر حضرت آیه الله العظمی صانعی مدظله العالی

دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹

۷۸۳۱۶۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۰

نمابر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر تهران - تلفن: ۴ الی ۶۶۵۶۴۰۰۱  
نشانی: خیابان کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲  
نمابر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۰۵۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰  
نمابر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۰۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴  
نمابر: ۲۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰  
نمابر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

پاسخگویی به مسائل حج

تلفن: ۷۸۳۱۶۶۰ - ۲  
همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

اینترنت: [www.saanei.org](http://www.saanei.org)

Istifta @ saanei.org

Saanei @ saanei.org

۳۰۰۰۷۹۶۰

پاسخ به استفتانات

تماس با دفتر معظم له

شماره پیام کوتاه:

# احکام عمرہ مفردہ

مطابق با فتاویٰ مرجع عالیقدر

حضرت آیت اللہ العظمیٰ حاج شیخ یوسف صالحی رحمۃ اللہ علیہ

صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -  
احکام عمره مفرده / مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی  
حاج شیخ یوسف صانعی. - قم: میثم تمار، ۱۳۸۴.  
۲۷۲ ص.  
ISBN 964-5598-57-5

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. حج. ۲. حج عمره. ۳. فقه جعفری -- رساله عملیه. الف. عنوان.

۲۹۷/۳۵۷

BP ۱۸۸ / ۸ / ص

۷۸-۹۹۹۱ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات میثم تمار

## احکام عمره مفرده

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر  
حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی

ناشر: انتشارات میثم تمار • لیتوگرافی: نویس  
چاپ: اعتماد • نوبت چاپ: سوم / بهار ۱۳۸۷  
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه • بها: ۱۳۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم - خیابان شهید محمد منتظری، کوچه هشتم، پلاک ۸  
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفن: ۷۷۳۲۹۸۲ - فکس: ۷۷۳۵۰۸۰ (۰۲۵۱)  
همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸  
فروشگاه اینترنتی کتاب: [www.p-khorshid.ir](http://www.p-khorshid.ir)

## فهرست مطالب

۱۱	..... مستحبات و آداب سفر
۱۷	..... بخش اول: احکام عمره مفرده
۱۹	..... مسائل عمره مفرده
۲۲	..... مسائل نیابت
۲۶	..... مسائل کودکان
۳۰	..... واجبات عمره مفرده
۳۰	..... اول: احرام
۳۳	..... احکام میقاتها
۳۶	..... واجبات احرام
۴۵	..... مستحبات احرام
۴۵	..... مستحبات پیش از احرام
۴۶	..... مستحبات هنگام احرام
۴۷	..... مستحبات تلبیه
۴۸	..... مکروهات احرام
۴۹	..... حدود حرم

۵۰	.....	مستحبات ورود به حرم
۵۱	.....	مستحبات دخول به مکه معظمه
۵۲	.....	آداب و مستحبات مکه معظمه
۵۸	.....	مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام
۶۴	.....	محرمات احرام
۶۴	.....	اقسام محرمات احرام
۶۴	.....	محرمات مشترک بین مرد و زن
۶۶	.....	محرمات مختص مردان
۶۶	.....	محرمات مختص زنان
۶۷	.....	احکام محرمات احرام
۶۷	.....	الف. محرمات مشترک بین مرد و زن
۶۷	.....	۱. شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد
۶۸	.....	۲. هر نوع کامجویی جنسی زن و مرد از یکدیگر
۷۰	.....	۳. عقد کردن
۷۱	.....	۴. استمناء
۷۱	.....	۵. استعمال بوی خوش
۷۴	.....	۶. سرمه کشیدن
۷۵	.....	۷. نگاه کردن در آینه
۷۶	.....	۸. فسوق
۷۶	.....	۹. جدال
۷۷	.....	۱۰. کشتن حشرات ساکن در بدن
۷۸	.....	۱۱. انگشتر به دست کردن به قصد زینت
۷۹	.....	۱۲. روغن مالیدن به بدن
۸۰	.....	۱۳. ازاله مو از بدن خود یا شخص دیگر

۱۴. بیرون آوردن خون از بدن خود.....	۸۱
۱۵. کشیدن دندان خود.....	۸۲
۱۶. ناخن گرفتن.....	۸۳
۱۷. کندن و بریدن درخت و یا گیاهی که در حرم روییده باشد.....	۸۴
۱۸. سلاح برداشتن.....	۸۵
ب. محرمات مخصوص مردان.....	۸۵
۱۹. پوشیدن لباس دوخته.....	۸۵
۲۰. پوشیدن جوراب، چکمه و کفش.....	۸۷
۲۱. پوشانیدن سر.....	۸۸
۲۲. سایه قرار دادن بالای سر.....	۹۱
ج. محرمات مخصوص زنان.....	۹۴
۲۳. پوشانیدن صورت.....	۹۴
۲۴. پوشیدن زیور آلات (به قصد زینت).....	۹۶
دوم: طواف.....	۹۷
شرایط طواف.....	۹۸
۱. نیت.....	۹۸
۲. طهارت از حدّث اکبر و حدّث اصغر.....	۱۰۰
۳. طهارت بدن و لباس از نجاست.....	۱۰۶
۴. ختنه کردن.....	۱۰۸
۵. پوشاندن عورت.....	۱۰۹
واجبات طواف.....	۱۰۹
۱. طواف از حجرالاسود شروع و به حجرالاسود نیز ختم شود.....	۱۰۹
۲. در تمام اشواط، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.....	۱۱۱
۳. داخل کردن حجر اسماعیل <small>علیه السلام</small> در طواف.....	۱۱۳

۴. طواف بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام ..... ۱۱۴
۵. بیرون بودن از خانه کعبه و آنچه از آن محسوب می شود. .... ۱۱۴
۶. طواف باید هفت شوط کامل باشد. .... ۱۱۵
- احکام قطع طواف ..... ۱۱۹
- احکام شکک در طواف ..... ۱۲۱
- مسائل متفرقه طواف ..... ۱۲۳
- آداب و مستحبات طواف. .... ۱۲۹
- مکروهات طواف ..... ۱۳۵
- سوم: نماز طواف ..... ۱۳۶
- آداب و مستحبات نماز طواف. .... ۱۴۱
- چهارم: سعی بین صفا و مروه ..... ۱۴۴
- کم و زیاد انجام دادن سعی ..... ۱۵۰
- احکام شکک در سعی ..... ۱۵۱
- مسائل متفرقه سعی ..... ۱۵۳
- مستحبات سعی ..... ۱۵۵
- پنجم: تقصیر یا حلق ..... ۱۶۲
- ششم و هفتم: طواف نساء و نماز آن ..... ۱۶۵
- احکام محصور و مصدود. .... ۱۶۸
- مسائل متفرقه ..... ۱۷۱
- بخش دوم: اعمال و آداب مدینه منوره ..... ۱۸۱
- اعمال و آداب مدینه منوره ..... ۱۸۳
- زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و کیفیت آن ..... ۱۸۶
- آداب زیارت ..... ۱۸۷
- اذن دخول جهت زیارت ..... ۱۹۰

۱۹۱	..... زیارت حضرت رسول ﷺ
۱۹۵	..... نماز زیارت و دعای بعد از آن
۱۹۵	..... بعضی از مستحبات مسجدالنبی
۱۹۵	..... دعا در روضه شریفه
۱۹۷	..... دعا و نماز نزد ستون توبه
۱۹۹	..... استحباب روزه و دعا در مدینه منوره و مسجدالنبی
۲۰۰	..... نماز و دعا نزد مقام جبرئیل
۲۰۲	..... زیارت حضرت فاطمه زهرا
۲۰۴	..... زیارت اول حضرت فاطمه زهرا
۲۰۸	..... زیارت دوم حضرت فاطمه زهرا
۲۰۹	..... زیارت ائمه بقیع
۲۱۲	..... زیارت امام حسن مجتبی
۲۱۴	..... زیارت امام زین العابدین
۲۱۶	..... زیارت امام محمد باقر
۲۱۸	..... زیارت امام صادق
۲۱۹	..... زیارت عباس بن عبدالمطلب
۲۲۰	..... زیارت فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین
۲۲۲	..... زیارت دختران حضرت رسول ﷺ
۲۲۳	..... زیارت همسران رسول خدا ﷺ
۲۲۴	..... زیارت جناب عقیل و جناب عبدالله فرزند جعفر طیار
۲۲۵	..... زیارت ابراهیم، فرزند رسول اکرم ﷺ
۲۲۸	..... زیارت شهدای واقعه حزه و شهدای اُحد در بقیع
۲۲۹	..... زیارت اسماعیل فرزند امام صادق
۲۳۰	..... زیارت حلیمه سعدیه

- ۲۳۰..... زیارت عمّه‌های رسول اکرم ﷺ  
 ۲۳۱..... زیارت امّ البنین مادر حضرت ابوالفضل ﷺ  
 ۲۳۲..... زیارت اهل قبور.....  
 ۲۳۳..... زیارت حضرت عبدالله ﷺ پدر گرامی حضرت رسول اکرم ﷺ  
 ۲۳۴..... زیارت دوم حضرت عبدالله بن عبدالمطلب.....  
 ۲۳۵..... فضیلت زیارت حضرت حمزه و سایر شهدای اُحُد.....  
 ۲۳۸..... زیارت شهدای اُحُد.....  
 ۲۴۰..... زیارت وداع رسول اکرم ﷺ  
 ۲۴۲..... زیارت وداع ائمهٔ بقیع ﷺ.....  
 ۲۴۳..... زیارت حضرت خدیجه ﷺ.....  
 ۲۴۴..... زیارت حضرت ابوطالب ﷺ.....  
 ۲۴۵..... زیارت حضرت عبدمناف جدّ پیامبر اکرم ﷺ.....  
 ۲۴۵..... زیارت حضرت عبدالمطلب ﷺ، جدّ پیامبر اکرم ﷺ.....  
 ۲۴۶..... زیارت حضرت آمنه بنت وهب، مادر پیامبر اکرم ﷺ.....  
 ۲۴۷..... زیارت حضرت قاسم، فرزند رسول خدا ﷺ.....  
 ۲۴۷..... زیارت جامعهٔ کبیره.....  
 ۲۵۶..... زیارت امین الله.....  
 ۲۵۹..... دعای عالیّهٔ المضامین.....  
 ۲۶۴..... دعای کمیل.....

## مستحبات و آداب سفر

برای سفر، در کتب روایی آداب و مستحبات فراوانی ذکر شده، که در اینجا به مختصری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نوشتن وصیت‌نامه: امام صادق علیه السلام فرموده: «مَنْ رَكِبَ رَاحِلَةً فَلْيُوصِ». <sup>۱</sup> هر کس عازم سفر می‌شود، باید وصیت کند.
۲. در سفر حج و عمره نفقه حج و عمره شخص از حلال‌ترین و پاک‌ترین مال باشد؛ عن أبي الحسن موسى بن جعفر علیه السلام أنه قال: «إنا أهل بيت حجَّ ضرورتنا ومهور نساتنا وأكفاننا من ظهور أموالنا». <sup>۲</sup> امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: ما اهل بیت اولین حج ما، و مهرهای همسران ما و کفنه‌های ما از پاک‌ترین و حلال‌ترین اموال می‌باشد.
۳. از مستحبات سفر حج و عمره، تودیع با فرد حج‌گزار و

۱. الکافی، ۱۰/۵۴۲/۴؛ وسائل الشیعة، ۳۶۹/۱۱، أبواب آداب السفر، باب ۱/۱۳.

۲. الفقیه ۱: ۱۲۰، ح ۵۷۷؛ وسائل الشیعة ۱۱: ۱۴۴، أبواب وجوبه و شرائطه، باب ۵۲، ح ۲.

معتمر و طلب سلامتی برای او در سفر و رفتن به استقبال او هنگام مراجعت است.

۴. همراه داشتن مقداری از تربت مزار مقدس حسین بن علی علیه السلام که شفای هر دردی و باعث امان ماندن از هر خوفی است.<sup>۱</sup>

۵. بر خورداری از اخلاق حسنه در طول سفر.

۶. صدقه دادن قال ابو عبدالله علیه السلام:

«تصدَّقْ وَاخْرَجْ اَيَّ يَوْمٍ شِئْتَ»<sup>۲</sup>.

و خواندن این دعا:

«اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ

بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ»<sup>۳</sup>.

۷. خواندن دو رکعت نماز و گفتن این دعا:

«اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَوِدِعُكَ نَفْسِي وَ اَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ

وَ اٰخِرَتِي وَ اَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي».

۸. جمع کردن اهل و عیال و خواندن این دعا:

«اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْتَوِدِعُكَ الْغُدَاةَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ اَهْلِي وَ وُلْدِي

۱. وسائل الشیعة ۴۲۷:۱۱، أبواب آداب السفر، باب ۱/۴۴.

۲. الکافی ۴: ۲۸۳، وسائل الشیعة ۳۷۵:۱۱، أبواب آداب السفر، باب ۱/۱۵.

۳. الکافی ۴: ۲۸۴.

الشَّاهِدِ مِنَّا وَالْغَائِبِ أَللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا  
فِي جِوَارِكَ اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَنَا مِنْ عَافِيَتِكَ  
وَفَضْلِكَ»<sup>۱</sup>

۹. وقتی شخص عازم سفر است، سه مرتبه الله اکبر بگوید و

این دعا را بخواند:

«بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَ بِاللَّهِ أَدْخُلُ وَ عَلَى اللَّهِ أَتَوَكَّلُ» (سه مرتبه) و  
بگوید:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِي هَذَا بِخَيْرٍ وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ أَعُوذُ  
بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ كُلِّ  
ذَابَةٍ هُوَ أَخِذٌ بِنَاصِيئِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ خَلِّ  
سَبِيلَنَا وَ أَحْسِنْ سَيْرَنَا وَ اعْظِمْ غَايَتَنَا».

۱۰. وقتی از منزل خارج می شود، این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ أَمِنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لِأَحْوَالٍ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ  
لَهُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ  
اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي  
عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّةِ رَسُولِكَ ﷺ بِسْمِ اللَّهِ أَمِنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

۱. وسائل الشیعة ۱۱: ۳۸۰، أبواب آداب السفر، باب ۱۸، ح ۲.

مَا شَاءَ اللَّهُ لِأَحْوَالٍ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا عَادَتْ مِنْهُ  
مَلَائِكَةُ اللَّهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ  
لَمْ يَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ غَيْرِي وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ  
مِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالْأَنْسِ وَ مِنْ شَرِّ  
السَّبَاعِ وَالْهَوَامِ وَ مِنْ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا أَجْبِرْ نَفْسِي بِاللَّهِ وَ  
مِنْ كُلِّ شَرٍّ.

۱۱. دعای هنگام سوار شدن در وسیله نقلیه:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، سپس هفت بار  
«سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، هفت بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید و هفت  
بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید.

۱۲. دعای هنگام مستقر شدن در وسیله نقلیه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا وَ حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ  
الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلاً» ﴿سُبْحَانَ الَّذِي  
سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ﴾  
وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا وَ مَنْ عَلَيْنَا  
بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ﷺ».<sup>۱</sup>

۱. وسائل الشیعة ۱۱: ۳۹۰، أبواب آداب الشعر، باب ۲۰، ح ۶ و ۷.

١٣. دعای کلمات فرج هنگام اراده حج و عمره:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ  
اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا  
فَوْقَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

سیس بگوید:

«اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ  
بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَعَجَلْتَنِي بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي  
هَذَا ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا  
وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ هَوِّنْ  
عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَأَطْوِلْنَا الْأَرْضَ وَسَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ  
رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا  
عَذَابَ النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ  
الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمُنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ  
عَضْدِي وَنَاصِرِي بِكَ أَحَلُّ وَبِكَ أَسِيرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي  
سَفَرِي هَذَا السُّرُورَ وَالْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي  
بُعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ وَأَصْبِحْ عِنْدِي فِيهِ وَأَخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ  
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَهَذَا  
حُمْلَانُكَ وَالْوَجْهُ وَجْهُكَ وَالسَّفَرُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَطَّلَعْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ

يَطَّلِعُ عَلَيْهِ أَحَدٌ غَيْرِكَ فَاجْعَلْ سَفَرِي هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنْ  
 الذُّنُوبِ وَكُنْ عَوْنًا لِي عَلَيْهِ وَاكْفِنِي وَعَثَّةَ وَمَشَقَّتَهُ وَلَقِّنِي مِنَ  
 الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ رِضَاكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَبِكَ وَلَكَ»<sup>۱</sup>.

۱۴. زائر خانه خدا قبل از سفر باید از گناهان و زشتیها توبه حقیقی کند و حج و عمره بدون طهارت و پاکی از آلودگیها بی ارزش است. توبه نشانه پاکی است و توبه کننده زندگی تازه ای را با طهارت آغاز می کند: «ان الله يحب التوابين، ويحب المتطهرين»<sup>۲</sup>.  
 توبه در اسلام برنامه ای برای تغییر و تحوّل در انسان است و یک سلاح بزرگ اخلاقی است. توبه، اعتراف به گناه است، و کسی که حاضر نیست به اشتباه و گناه خود اعتراف کند در واقع همان گناه و فساد را ادامه می دهد.

۱۵. یاد گرفتن احکام عمره: یکی دیگر از اموری که بر معتمرین محترم لازم و ضروری است فراگیری مسائل عمره است مراتب معنوی خانه خدا که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی عمره به طور صحیح و شایسته عمل شود و مؤمنین اوقات خود را صرف تعلیم مناسک عمره نمایند.

۱. وسائل الشیعة ۱۱: ۳۸۲، أبواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۵.

۲. بقره، آیه ۲۲۲.

بخش اول

احکام کسر و مفروضه

سفید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
عمل بر سائلا احكام عمره مفرد كه توسط جمعی از فضلاي محترم جمع آوری  
و تنظیم شده است، مجری و نبره ذمه است ان شاء الله تعالی.

بیج الاول ۱۴۲۶



## مسائل عمره مفرد

«عمره» در لغت به معنای زیارت است<sup>۱</sup> و در اصطلاح فقه،

زیارت خانه خداست با آداب و ویژه آن.

عمره بر دو قسم است: «تمتع» و «مفرد» و هر کدام از آنها یا

«واجب» است و یا «مستحب». «عمره مفرد» نوعی از عمره

است که به تنهایی و جدای از حج انجام می شود؛ در مقابل «عمره

تمتع» که به همراه حج تمتع می باشد.

۱. واعتمر الزُّجُل: زار البيت. والمعتمر: الزائر، ومن هنا سميت العمرة عمره لأنها زيارة

البيت. (مجمع البحرين، ج ۳، ص ۴۱۳).

«عمره مفرده» از جمله عباداتی است که روایات فراوانی در فضیلت آن وارد شده و در برخی روایات از آن به «حج اصغر» تعبیر گردیده است،<sup>۱</sup> و می‌توان آن را در تمام ایام سال به جا آورد، و به جا آوردن آن در ماه رجب دارای فضیلت بیشتری است.<sup>۲</sup>

﴿مسئله ۱﴾ عمره مفرده، مانند حج بر کسی که شرایط و جوب آن از جمله استطاعت را داشته باشد، یک مرتبه در طول عمر واجب می‌شود.

﴿مسئله ۲﴾ کسی که استطاعت انجام عمره مفرده از وطن خود را دارد و استطاعت حج را ندارد، واجب است عمره مفرده به جا آورد، هر چند از اهالی مکه و توابع آن نباشد.

﴿مسئله ۳﴾ کسی که برای حج تمتع مستطیع نیست و از راه

۱. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «یوم الحج الأكبر یوم النحر، والحج الأصغر العمره» (وسائل الشیعة ۱۴: ۲۹۸، أبواب العمره، ب، ۱، ح ۱۰ و ۱۱).

۲. عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «المعتمر یعتمر فی أي شهور السنة شاء، وأفضل العمره عمره رجب» (الکافی ۴: ۵۳۶، ح ۶؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۰۳، أبواب العمره، ب، ۳، ح ۱۳).

عن ابی عبدالله علیه السلام أنه سُئل: أي العمره أفضل عمره فی رجب أو عمره فی شهر رمضان؟ فقال: لا، بل عمره فی رجب أفضل. (الفقیه ۲: ۲۷۹، ح ۱۳۴۷؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۰۱، أبواب العمره، ب، ۳، ح ۳).

دور به نیابت از دیگری به حج می‌رود، اگر سال اول او باشد، واجب است پس از انجام عمل نیابتی، یک عمره مفرده برای خودش به جا آورد.

﴿مسئله ۴﴾ کسی که می‌خواهد وارد مکه شود، واجب است با احرام وارد شود؛ و اگر وقت حج نیست، واجب است برای عمره مفرده محرم شود و بقیه اعمال آن را به جا آورد. لیکن کسانی که شغلشان اقتضای آن را دارد که زیاد به مکه می‌روند و خارج می‌شوند مانند رانندگان، از این حکم استثنا شده‌اند.

﴿مسئله ۵﴾ کسی که با احرام عمره مفرده وارد مکه شود اگر احرامش در ماههای حج باشد، جایز است آن را عمره تمتع قرار داده و دنبال آن حج تمتع به جا آورد.

﴿مسئله ۶﴾ عمره همچنان که با استطاعت واجب می‌شود، به وسیله نذر، عهد و قسم و اجیر شدن و مانند اینها نیز واجب می‌گردد؛ لیکن آنچه در این موارد واجب است وفای به نذر و عهد و قسم و عمل به اجاره است، و عمره در آنها به حکم قبلی خود از وجوب یا استحباب باقی است.

﴿مسئله ۷﴾ کسی که می‌خواهد حج تمتع انجام دهد، می‌تواند قبل از عمره تمتع یا بعد از حج تمتع عمره مفرده به جا

آورد، ولی انجام آن در بین عمره تمتع و حج تمتع جایز نیست.

﴿مسئله ۸﴾ برای کسی که عمره مفرده به جا آورده و از حرم خارج شده اگر بخواهد دوباره بازگردد، در صورتی که خروجش از مکه یک ماه نگذشته باشد، احرام مجدد واجب نیست؛ بنابراین، اگر شخصی مثلاً در بیست و نهم رجب عمره مفرده انجام داده و اول یا دوم ماه شعبان به زیارت دوره‌ای برای عرفات می‌رود، تجدید احرام واجب نیست، چون از زمان خروجش از مکه یک ماه نگذشته است، ولی اگر یک ماه از خروجش بگذرد برای ورود به مکه نیاز به احرام مجدد دارد.

﴿مسئله ۹﴾ تکرار عمره مفرده مستحب است و بنا بر اقوی، بین دو عمره فاصله معتبر نیست بنابراین، هر روز می‌توان عمره مفرده به جا آورد.

### مسائل نیابت

﴿مسئله ۱۰﴾ در عمره مفرده واجب، نیابت یک نفر از چند نفر جایز نیست، ولی عمره مفرده استجبایی یا طواف استجبایی را می‌توان به نیابت از چند نفر انجام داد.

﴿مسئله ۱۱﴾ مستحب است انسان به نیابت از ائمه

معصومین علیهم السلام و همچنین به نیابت پدر و مادر و خویشان و برادران دینی خود در صورتی که غائب یا معذور باشند طواف کند، و یا پس از انجام عمل، ثواب آن را به آنان اهدا نماید.

﴿مسئله ۱۲﴾ کسی که برای حج تمتع اجیر شده می تواند برای طواف یا سعی یا عمره مفرده، بعد از عمل حج، اجیر دیگری شود، همچنان که می تواند برای خودش طواف مستحبی و عمره مفرده به جا آورد.

﴿مسئله ۱۳﴾ اگر کسی اجیر شود که به نیابت از دیگری عمره مفرده به جا آورد و بعد از انجام مقداری از اعمال ناچار شود که به وطنش برگردد، نمی تواند در بقیه اعمال، شخص دیگری را نایب بگیرد، مگر با اجازه مستأجر.

﴿مسئله ۱۴﴾ اگر کسی برای عمره مفرده اجیر شود، باید اعمال عمره را مطابق وظیفه خودش، که از راه اجتهاد یا تقلید صحیح احراز کرده انجام دهد؛ ولی اگر علاوه بر واجبات اعمال مخصوصی را که مطابق با احتیاط یا مطابق نظر منوب عنه است در ضمن عقد اجاره به عهده او گذاشته اند، باید آنها را نیز انجام دهد.

﴿مسئله ۱۵﴾ در نیابت، مماثلۀ نایب و منوب عنه شرط نیست؛

بنابراین، مرد می‌تواند به جای زن نیابت کند و بالعکس.  
 ﴿مسئله ۱۶﴾ اگر نایب کاری کند که موجب کفارہ شود، باید از مال خود تدارک نماید.

﴿مسئله ۱۷﴾ اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم شود و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکه باشد، حائض باشد، در این صورت باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره (سعی و تقصیر) را به ترتیب خودش به جا آورد؛ و برای طواف نساء و نماز آن مجدداً نایب بگیرد و اگر به وطن آمده است برگردد، و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد.

﴿مسئله ۱۸﴾ شخص بیماری که احتمال می‌دهد نتواند حتی به صورت سواره اعمال عمره مفرده را انجام دهد، همچنین زنی که احتمال می‌دهد حائض شود و نتواند وارد مسجدالحرام گردد، می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی محرم شود و برای اعمالی که نمی‌تواند خودش انجام دهد، نایب بگیرد.

﴿س ۱۹﴾ آیا برای نایب در عمره مفرده، احرام به نذر قبل از میقات جایز است یا احرام از خود میقات لازم است؟  
 ج- در جواز احرام قبل از میقات فرقی بین نایب و غیر

نایب نیست، آری، اگر ظاهر اجاره، احرام از میقات باشد واجب است احرام از همان مواقیت باشد.

﴿س ۲۰﴾ آیا نیابت در عمره مفرده از طرف شخص زنده،

جایز است؟

ج- آری، نیابت در عمره مفرده و طواف مستحبی از طرف شخص زنده جایز است، لیکن به جا آوردن طواف از طرف کسی که در مکه می باشد و عذری از انجام طواف ندارد، جایز نمی باشد.

﴿س ۲۱﴾ شخصی که برای به جا آوردن عمره مفرده وارد

مکه شده، آیا می تواند به نیابت از دیگری حَـجَّةَ الاسلام به جا آورد؟

ج- مانعی ندارد، در این صورت احرام از ادنی الحل صحیح است، گرچه احوط، احرام از مواقیت معروفه است.

﴿س ۲۲﴾ کسی که معذور از طواف و نماز آن است، آیا

می تواند یک نفر را برای طواف و دیگری را برای نماز آن نایب بگیرد؟

ج- نمی تواند، چون عمل واحدی است.

﴿س ۲۳﴾ آیا نایب در طواف باید مُحرم و با لباس احرام

باشد؟

ج- واجب نیست که نایب در طواف مُحرم باشد، بلکه می تواند با لباس دوخته طواف و نماز را به جا آورد.

﴿س ۲۴﴾ آیا مُحرم می تواند پس از آنکه طواف و نماز خود

را انجام داد، بلافاصله طواف و نماز دیگری را نیابت کند و سپس سعی و تقصیر خود را انجام دهد؟

ج- می تواند و مانعی ندارد.

### مسائل کودکان

﴿مسئله ۲۵﴾ کیفیت اعمال کودک غیر ممیز به این صورت

است که ولی، لباس احرام بر او می پوشاند و نیت می کند که این طفل را برای عمره مفرده مُحرم می کنم، و اگر می تواند لیبیکها را به او تلقین کند و اگر نمی تواند خودش به جای او بگوید. همچنین اگر کودک بتواند راه برود، باید او را طواف بدهد و اگر نتواند او را حمل می کند و نماز طواف را از طرف او به جا می آورد و مانند طواف او را به سعی می برد و قدری از مو یا ناخن او را به عنوان تقصیر، کوتاه می کند، و طواف نساء و نماز آن را نیز مانند بقیه

اعمال در صورتی که خود طفل نتواند به جای او انجام می دهد.

﴿مسئله ۲۶﴾ کودک ممیز که خود محرم شده است، حکم بزرگ سالان را دارد و باید مانند آنها شرایط را رعایت نماید، چون خود طواف می کند و اعمال را انجام می دهد، نه آنکه طوافش می دهند و سعیش می برند.

﴿س ۲۷﴾ کودک ممیزی بدون امر ولی در میقات محرم شده و تنها سعی و تقصیر را انجام داده است، تکلیف او یا ولیش نسبت به بقیه اعمال چیست؟

ج- چون در احرام ممیز فی حد نفسه اذن ولی شرط نمی باشد بنا بر این احرامش صحیح و باید تمام اعمال را خودش اعاده نماید و در صورت عدم تمکن نایب از طرف او اعمال را به جا آورد.

﴿مسئله ۲۸﴾ طفل غیر ممیز در به جا آوردن اعمال خود تابع نظر مرجع تقلید ولی است، چون ولیش او را عمره می دهد.

﴿مسئله ۲۹﴾ هنگام محرم کردن طفل، لزومی ندارد ولی در حال احرام باشد و در حال مُحَلّ بودن هم می تواند طفل را محرم نماید.

﴿مسئله ۳۰﴾ اگر طفل ممیز یکی از محرمات احرام را

مرتکب شود، کفاره، علی‌الظاهر بر عهده خودش می‌باشد.  
 ﴿س ۳۱﴾ آیا طواف کودک غیر ممیز که لباسش پاک ولی بدنش نجس می‌باشد، صحیح است؟

ج- در کودک غیر ممیز طواف او مانعی ندارد، چون خود او طواف نمی‌کند بلکه او را طواف می‌دهند.

﴿س ۳۲﴾ اگر کودک ممیز یا غیر ممیزی که ختنه نشده، طواف به جا آورد، چه حکمی دارد؟ در صورتی که پس از طواف متوجه شود ختنه نشده، طواف انجام شده چه حکمی دارد؟

ج- طوافش صحیح نیست، چون ختنه شرط صحت در طواف می‌باشد و برای صحیح شدن طوافش باید ختنه نماید و در صورت عدم امکان، طوافش به همان نحو صحیح است و شرطیت ختنه برای طواف به جهت عدم امکان ساقط می‌باشد، و در صورتی که پس از طواف متوجه شود که ختنه نشده یا متوجه مسئله شود، طواف انجام شده صحیح می‌باشد «الناس في سعة مالا يعلمون».

﴿مسئله ۳۳﴾ اگر طفل غیر ممیز در اثنای طواف خودش را نجس کند ظاهراً مانع از صحت طواف طفل نیست، زیرا ادله

اعتبار شرایط در طواف به خاطر ممیّز نبودن از او انصراف دارد، مگر آنکه طواف دهنده بتواند در حَقّش حتی به نحو صورت ظاهری، مثل وضو دادن شرایط را انجام دهد که در این صورت رعایت آنها برای طواف دهنده لازم است.

﴿س ۳۴﴾ آیا طواف کسی که کودک غیر ممیّز را طواف داده و کودک خود را نجس نموده باطل است یا خیر؟

ج- چون محمول متنجّس در طواف معفو است، طواف ولی و یا هر کسی که طفل غیر ممیّز را حمل می‌کند، مانعی ندارد.

﴿س ۳۵﴾ اگر کودک غیر ممیّز را در حال خواب طواف یا سعی دهند یا بخشی از طواف و سعی را در خواب باشد، چه حکمی دارد؟

ج- مانعی ندارد، چون «یطاف بهم» علاوه بر قاعده صوری بودن طوافش که در جوابهای قبلی ذکر شده حجت بر صحّت و عدم مانعیت است.

## واجبات عمره مفرده

﴿مسئله ۳۶﴾ واجبات عمره مفرده به ترتیب عبارت‌اند از:  
احرام، طواف، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، حلق یا  
تقصیر، طواف نساء، نماز طواف نساء، که تفصیل هر یک در  
مسائل آینده بیان خواهد شد.

### اول: احرام

مکان احرام (میقات): برای احرام بستن، جاهای بخصوصی  
تعیین شده که به آنها میقات گفته می‌شود و باید احرام از یکی از

آن مکانها واقع شود. میقات عمره مفرده، برای کسانی که از شهرهای دور به قصد عمره مفرده به مکه می آیند، یکی از میقاتهای پنجگانه معروف است، که بدانها اشاره می شود:

۱. ذی الخلیفه؛ و آن مکانی است در نزدیکی مدینه منوره که در سر راه مکه واقع شده و معروف به مسجد شجره است، و آن میقات اهل مدینه و هر کسی است که بخواهد از راه مدینه منوره به عمره برود. آن دسته از زائرانی که قبل از اعمال عمره برای زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع علیهم السلام به مدینه می روند، آن گاه که روانه مکه می گردند، باید در این مکان مُحرم شوند.

۲. جُحُفَه؛ برای کسانی که از راه شام و مصر و مغرب عازم عمره هستند.

۳. وادی عقیق؛ برای کسانی که از راه نجد و عراق و از سمت مشرق عازم عمره هستند.

۴. یَلَمْلَم؛ برای کسانی که از راه یمن قصد عمره دارند.

۵. قرن المنازل؛ برای اهل طائف و کسانی که از آنجا عبور می کنند و قصد عمره دارند.

﴿مسئله ۳۷﴾ میقات عمره مفرده برای کسانی که در مکه تصمیم می گیرند عمره به جا آورند، اذنی الحَلّ است؛ یعنی

نزدیک‌ترین منطقه خارج از حرم به حرم (که تنعیم از همه نزدیکتر است) ولی کسانی که از شهرهای دور به قصد عمره مفرده حرکت کرده‌اند، میقات آنان یکی از مواقیت ذکر شده می‌باشد.

﴿مسئله ۳۸﴾ کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرف می‌شوند، نمی‌توانند بدون احرام از میقات بگذرند و در صورت عبور، واجب است به میقاتی که از آن عبور نموده‌اند برگردند و از آنجا محرم شوند، مگر آنکه وارد حرم شده باشند و برگشت به میقات مقدور نباشد، که در این صورت کفایت ادنی‌الحل خالی از قوت نیست، چون ادنی‌الحل در عمره مفرده نسبت به عابر از مواقیت، میقاتی است که امام و جلوی آن محسوب می‌شود.

﴿مسئله ۳۹﴾ شاغلین در جدّه، یا کسانی که از راه جدّه می‌خواهند برای عمره مفرده یا عمره تمتع به مکه بروند، می‌توانند از ادنی‌الحل - مثلاً مسجد تنعیم یا حدیبیه - مُحرم شوند، چون مواقیت معروفه، میقات کسانی است که از آنها عبور می‌نمایند و همین‌طور محاذات میقات نیز میقات برای عبور کننده از آن می‌باشد و چون جدّه میقات نیست و محاذاتش هم معلوم نیست، بنابراین، احرام از ادنی‌الحل برای آنها کفایت

می‌کند و لازم نیست تغییر مسیر داده و به جحفه بروند و محرم شوند و نیز می‌توانند با نذر از همان جده هم محرم شوند.

### احکام میقاتها

﴿مسئله ۴۰﴾ احرام که با تلبیه محقق می‌شود لازم نیست که از مسجد شجره باشد بلکه از خارج مسجد، تا حدودی که جزء ذوالحلیفه محسوب می‌شود، جایز و صحیح است. بنابراین احرام از بیرون مسجد و محل توقفهای ماشین و خیابانهای مجاور و نزدیک مسجد که جزء ذوالحلیفه است، قطعاً کافی است. پس شخص جنب یا حائض، می‌تواند در خارج از مسجد مُحرم شود، و لزومی ندارد که صبر کند تا پاک شود و لازم نیست تیمم کند تا داخل مسجد شود، و اگر عصباناً وارد مسجد شد و مُحرم شد، احرام او باطل است.

﴿مسئله ۴۱﴾ برای کسانی که از مدینه به طرف مکه می‌روند، جایز نیست احرام را از مسجد شجره و ذوالحلیفه تأخیر اندازند و کسانی که مریض هستند و معذور در ارتکاب بعضی از محرمات می‌باشند باید مُحرم شوند و تلبیه را بگویند، و ارتکاب محرمات احرام در زمان عذرشان مضرّ به احرام و تلبیه نمی‌باشد.

﴿مسئله ۴۲﴾ میقاتهایی که برای احرام معروف و معین شده، برای محرم شدن کفایت می‌کند و تحقیق و وسوسه، غیر لازم، بلکه مضر است؛ و شهادت توده مردم و همان معروفیت محل کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۴۳﴾ تقدیم احرام بر میقات جایز نیست و اگر کسی قبل از میقات تلبیه بگوید، اعتبار ندارد، هر چند از میقات عبور کند، بلکه باید در میقات تلبیه را تجدید کند؛ ولی اگر نذر کرده باشد که قبل از میقات احرام ببندد، جایز است، مگر آنکه بداند بعد از نذر مرتکب یکی از محرمات احرام مثل حرکت با ماشین سقف‌دار در روز می‌شود که در این صورت ترک آن احوط است.

﴿مسئله ۴۴﴾ کسی که در غیر از ماههای حج<sup>۱</sup> به مکه رفته و عمره مفرده به جا آورده و تا ماههای حج در مکه مانده، بنا بر احتیاط برای محرم شدن به عمره تمتع، باید به میقاتی که از آن عبور کرده برود و از آنجا محرم شود. هر چند اکتفا به آذنی الحلال برای این گونه افراد خالی از قوت نیست، چون مواقیت، میقات کسی است که از آنها یا از محاذی آن عبور می‌کند، نه آنکه موضوعیت داشته و شرط صحّت در همه احرامها باشد.

۱. ماههای حج عبارتند از: شوال، ذی القعدة، ذی الحجة.

﴿مسئله ۴۵﴾ اگر شخصی در عمره مفرده از میقات اول - یعنی میقاتی که از آن عبور می نماید - ، با علم به اینکه باید از آنجا محرم شود، عصیاناً و عمدتاً بدون احرام عبور کند، باید برگردد و از همان میقاتی که از آن گذشته و عبور کرده مُحرِم شود و احرامش از میقات دیگر باطل است، و حتی برای اینکه بخواهد وارد مکه شود نمی تواند از میقات دیگر محرم شود، مگر آنکه مضطرّ به ورود مکه باشد و نتواند به آن میقات برگردد، که در این صورت می تواند از ادنی الحّلّ محرم گردد یا با نذر محرم شده و وارد مکه شود. به هر حال کسی که می خواهد عمره مفرده یا عمره تمتّع یا حجّ افراد و قران بیاورد، میقاتش اولین میقاتی است که از آن عبور می کند یا اگر بر میقات نمی گذرد، اولین محاذات به میقات است و احرام از آن میقات شرط صحّت احرامش می باشد.

﴿مسئله ۴۶﴾ کسی که به احرام عمره مفرده در یکی از میقاتها محرم شده است، مانعی ندارد به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز به مکه بیاید؛ مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد، از همان راه یا راه دیگری به مکه برود.

﴿س ۴۷﴾ شخصی بدون قصد وارد شدن به مکه از میقات

عبور کرد تا به ادنی‌الحل رسید، اگر بعداً قصد اتیان عمره مفرده نماید، در این صورت، از کجا باید محرم شود؟  
 ج- می‌تواند از ادنی‌الحل محرم شود که از همه نزدیکتر مسجد تنعیم می‌باشد.

﴿س ۴۸﴾ شخصی از روی جهل به مسئله در فرودگاه جدّه برای عمره مفرده محرم شده و پس از به جا آوردن طواف و نماز و سعی متوجه شده که بایستی به یکی از مواقیب برود، تکلیف او در این صورت چیست؟

ج- چون احرام از میقات نبوده، محرم نشده، لیکن اگر بعد از تقصیر و تمام شدن عمره مفرده متوجه شده، عمره اش محکوم به صحت است، و اگر قبل از آن باشد، برای تحقق عمره چه واجب و چه مستحب، میقات بودن ادنی‌الحل برایش خالی از قوت نیست.

### واجبات احرام

﴿مسئله ۴۹﴾ واجبات احرام سه چیز است: ۱. نیت؛ ۲. پوشیدن لباس احرام برای مردان؛ ۳. تلبیه (یعنی گفتن لَبَّيْكَ).  
 ۱. نیت؛ نیت در همه عبادات یعنی قصد انجام آن عبادت به

انگیزه قربهٔ إلى الله و اطاعت از او می باشد، و همین که می خواهد عمره را برای خدا بیاورد و تلبیه را برای او بگوید، کفایت می کند و لازم نیست در وقت نیت، اعمال را به تفصیل بداند، بلکه قصد اجمالی کافی است. پس همین که بنای برگرفتن تلبیه را دارد و لباس تن خود را قربهٔ إلى الله بیرون می آورد و لباس احرام را قربهٔ إلى الله می پوشد این خود نیت است.

﴿مسئله ۵۰﴾ احرام عمره مفرده - یعنی گفتن تلبیه برای آن - از عبادات است و باید به قصد قربت و با اخلاص انجام گیرد. پس اگر آن را به قصد ریا به جا آورد، باطل است و حکم کسی را دارد که تلبیه برای احرام عمره اش نگفته باشد.

﴿مسئله ۵۱﴾ در نیت احرام، لازم نیست شخص قصد ترک همهٔ محرّمات احرام را از اول تا آخر داشته باشد، بلکه کسی که به قصد عمره مفرده تلبیه واجب را بگوید، محرم می شود، چه قصد احرام بکند یا نکند، و چه قصد ترک محرّمات را بکند یا نکند. پس کسی که می داند به بعضی از محرّمات، مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، و امثال آن ممکن است گرفتار شود - یعنی مثلاً باید با ماشین سقف دار در روز برود - احرام او صحیح است.

﴿مسئله ۵۲﴾ در نیت، نه خطور به قلب لازم است و نه به زبان

آوردن، بلکه مانند سایر عبادات داشتن همان انگیزه الهی و انجام وظیفه دینی، کافی است. و ناگفته نماند به زبان آوردن نیت در عمره مفرده مانند به زبان آوردن نیت در عمره تمتع و حج تمتع و حج افراد و قران، مستحب می‌باشد، بلکه گفته شده به زبان آوردن نیت در تک تک اعمال هم مستحب است.

۲. پوشیدن دو لباس احرام برای مردان؛ که یکی «لُنْگ» و دیگری «ردا» است؛ و به احتیاط واجب، شخص باید این دو جامه احرام را پیش از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشد.

﴿مسئله ۵۳﴾ در پوشیدن دو لباس احرام ترتیب خاصی لازم نیست، فقط شخص باید یکی را «لُنْگ» قرار دهد و دیگری را «ردا» و بدوش ببندازد، و لازم است جامه‌ای را که شخص لُنْگ قرار می‌دهد نازک نباشد به طوری که بدن نما باشد و احتیاط مستحب آن است که «ردا» هم بدن نما نباشد، و احتیاط مستحب آن است که «ردا» شانه‌ها را پوشانده و «لُنْگ» هم، ناف و زانو را بپوشاند.

﴿مسئله ۵۴﴾ پوشیدن بیش از دو لباس احرام، مانعی ندارد، پس شخص مُحرم می‌تواند به علت سردی هوا یا قصد دیگری، بیش از دو جامه احرام بپوشد.

﴿مسئله ۵۵﴾ بانوان می‌توانند در لباس خودشان محرم شوند، ولو دوخته باشد، و بیرون آوردن آنها و پوشیدن دو لباس غیر دوخته بر آنها واجب نیست.

﴿مسئله ۵۶﴾ شرط است در این دو لباس که نماز در آنها صحیح باشد، پس احرام در لباس حریر و لباسی که از اجزای حیوان حرام گوشت است و لباسی که نجس باشد - به نجاستی که در نماز از آن عفو نشده -، کفایت نمی‌کند؛ و احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن، از حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام لباس حریر نباشد.

﴿مسئله ۵۷﴾ در لباس احرام اباحه معتبر است. پس با لباس غضبی طواف صحیح نیست؛ و احتیاط واجب آن است که با لباس غضبی غیر ساتر نیز طواف نکنند، و احتیاط آن است که شرایط لباس نمازگزار را رعایت کند.

﴿مسئله ۵۸﴾ بنا بر احتیاط واجب، اگر در حال احرام، لباسهای احرام نجس شد، آنها را تطهیر یا تعویض نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام، اگر نجس شود، لیکن اگر کسی جامه احرام را تطهیر نکند، احرامش باطل نمی‌شود و کفاره هم ندارد.

﴿مسئله ۵۹﴾ جایز است محرم برای تطهیر یا شستشوی لباسهای احرام یا حمّام رفتن یا مانند اینها، لباسهای احرام را از تن در آورد.

﴿مسئله ۶۰﴾ گره زدن لباس احرام اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که محرم، لباسی را که لنگ قرار داده به دور گردن خود گره نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گره زد، احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی سنگ یا سکه یا چیز دیگر در لباس احرام گذاشتن و با نخ یا کش بستن جایز است.

﴿مسئله ۶۱﴾ هنگام محرم شدن، طهارت از حَدَث اصغر و اکبر، شرط نیست، پس جایز است فرد در حال جنابت و حیض و نفاس محرم شود.

﴿مسئله ۶۲﴾ پول لباس احرام و لباسهایی که افراد در عمره مفرده می پوشند، باید از پول تخمیس شده باشد، اما لباس احرامی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه، در صورت شک، دادن خمس آن لازم نیست، هر چند احتیاط در دادن خمس آن لباس، مطلوب است.

۳. تلبیه؛ یعنی گفتن «لَبَّيْكَ» و صورت تلبیه بنا بر اصح آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

اگر شخص به این مقدار اکتفا کند، محرم شده و احرامش صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پس از آنکه چهار لبیک را گفت، بگوید:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و ترجمه تلبیه چنین است: «اجابت و اطاعت می‌کنم تو را خدایا، اجابت می‌کنم تو را، اجابت می‌کنم تو را، برای تو شریکی نیست، اجابت می‌کنم تو را، به درستی که ستایش و نعمت و پادشاهی از آن توست، هیچ شریک نداری، اجابت می‌کنم تو را».

﴿مسئله ۶۳﴾ باید مقدار واجب از تلبیه را صحیح بگوید، و اگر کسی از روی عمد تلبیه را صحیح نگوید، مُحَرَّم نشده است، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، صحّت عمل او بعید نیست.

﴿مسئله ۶۴﴾ اگر کسی تلبیه را به قدر واجبی که ذکر شد نداند، باید آن را یاد بگیرد یا کسی به او در وقت گفتن تلقین کند، یعنی کلمه به کلمه بگوید و او مانندش را تلفظ کند؛ و اگر نتواند یاد بگیرد و با تلقین هم نتواند بگوید و یا وقت یاد گرفتن نداشته باشد، پس احتیاط آن است که به هر نحوی تواند بگوید و

ترجمه‌اش را هم بگوید و بهتر آن است که علاوه بر آن، نایب هم بگیرد.

﴿مسئله ۶۵﴾ اگر کسی تلبیه را فراموش کرد یا به واسطه ندانستن حکم مسئله، آن را نگفت و از میقات عبور کرد، واجب است در صورت امکان به میقات برگردد و در آن جا لَبَّيْكَ را بگوید، و اگر نمی‌تواند برگردد و داخل حرم نشده، همان‌جا تلبیه را بگوید، ولی اگر داخل حرم شده، در این صورت به خارج از حرم برگردد و لَبَّيْكَ را بگوید و اگر نمی‌تواند به خارج حرم برگردد از همان‌جا محرم شود، و اگر بعد از پایان اعمال بفهمد که تلبیه را فراموش کرده، عمره‌اش صحیح است و مجزی می‌باشد.

﴿مسئله ۶۶﴾ شخص آخرس (لال) باید با انگشت و زبان به هر نحو که می‌داند و می‌تواند به تلبیه اشاره کند، و احتیاط مستحب به گرفتن نایب هم می‌باشد.

﴿مسئله ۶۷﴾ اگر کسی تلبیه واجب را نگفت، چه به واسطه عذر و چه بدون عذر، اگر یکی از محرمات احرام را مرتکب شود گناه نکرده و کفاره هم ندارد، چون احرام او با تلبیه محقق می‌شود، همچنین است اگر تلبیه او به ریا و مانند آن

باطل شده باشد، چون احرام آن با تلبیه خالص و با قصد قربت محقق می شود.

﴿مسئله ۶۸﴾ مقدار واجب در تلبیه بیش از یک مرتبه نیست، ولی تکرار آن مستحب است هر مقدار که می تواند بگوید، و اگر از موافقت برای عمره مفرده محرم شود مستحب است تا هنگامی که وارد حرم می شود تلبیه را تکرار کند، و اگر از مکه خارج شود و از ادنی الحل (مانند تنعیم) محرم گردد، مستحب است تلبیه را تا هنگام دیدن کعبه تکرار کند و برای هفتاد مرتبه گفتن، ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تنها «لَبَّيْكَ» بگوید.

﴿س ۶۹﴾ آیا وصل کردن لباس احرام با سنجاق و سوزن و گره کردن آن، جایز است؟

ج- احوط، ترک این گونه اعمال است، لیکن اقوی جواز وصل همه آنهاست، چون دوخته شده نمی باشد، ولی نباید به نحوی باشد که شیهه لباس دوخته شده محسوب شود.

﴿س ۷۰﴾ در عمره مفرده زنی که در میقات حائض است و

می‌داند که در طول مدت اقامتش در مکه حائض خواهد بود، آیا می‌تواند تلبیه را بگوید و محرم شود یا خیر؟ و اگر نتواند محرم شود، آیا می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود یا خیر؟

ج- تلبیه را می‌گوید و محرم می‌شود و اگر در تمام مدتی که در مکه است، حائض باشد، برای طواف و نماز نایب بگیرد و بعد سعی و تقصیر را خودش به‌جا آورد و برای طواف نساء و نماز آن مجدداً نایب بگیرد، و بدون احرام نمی‌تواند وارد مکه گردد.

﴿س ۷۱﴾ کسی که توانایی تصحیح تلبیه را دارد اما سهل‌انگاری می‌کند و جاهل مقصر است، آیا با تلبیه غلط می‌تواند محرم شود؟

ج- جاهل مقصری که می‌داند تلبیه را درست نمی‌گوید و یا با غلط در کلمه یا اعراب تلبیه را می‌گوید، با چنین تلبیه‌ایی احرام حاصل نمی‌شود. آری، گفتن تلبیه بدون اشباع غلط نمی‌باشد، لیکن جاهل قاصر که متوجه غلط بودن تلبیه نمی‌باشد و فکر می‌کند که تلبیه‌اش درست است با همان تلبیه محرم می‌شود.

﴿س ۷۲﴾ بلندگفتن «تلبیه» برای خانمها چه صورتی دارد؟

ج- برای مردان تلبیه با صدای بلند استحباب دارد، اما در مورد زنان استحباب ندارد.

### مستحبات احرام

#### مستحبات پیش از احرام

۱. پیش از احرام خود را پاکیزه کند، ناخنهای خود را بگیرد، شارب خود را کوتاه کند و موی عانه و زیر بغل خود را بر طرف نماید.<sup>۱</sup>
۲. کسی که قصد عمره مفرده دارد، یک ماه پیش از رفتن، موی سر و ریش خود را اصلاح نکند.<sup>۲</sup>
۳. پیش از احرام، در میقات غسل کند، و اگر می‌ترسد در میقات آب پیدا نکند، جایز است پیش از رسیدن به میقات غسل کند، همچنان که بدون عذر هم می‌تواند قبل از رسیدن به میقات و در هتل غسل نماید، لیکن باید تا میقات و تلبیه گفتن و محرم شدن غسلش را حفظ نماید و با حدث اصغر آن را باطل ننماید، و

۱. الکافی ۴: ۳۲۶، ح ۲ و ۱، وسائل الشیعة ۱۲: ۳۲۲، أبواب الإحرام، باب ۶.

۲. وسائل الشیعة ۱۲: ۳۱۶، أبواب الاحرام، باب ۲، ح ۴.

اگر در میقات آب پیدا کرد، مستحب است آن را اعاده کند. غسل احرام از زن حائض و نفساء نیز صحیح است. و اگر مکلف در روز غسل نماید، تا آخر شب آینده کفایت می‌کند؛ همچنین اگر در شب غسل کند، تا آخر روز آینده کافی است؛ ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدّث اصغر مُحدّث شد، غسل را اعاده نماید.<sup>۱</sup>

### مستحبات هنگام احرام

۱. جامه‌های احرام از پنبه باشد و بهتر آن است که در پارچه سفید باشد.<sup>۲</sup>
۲. در صورت تمکن احرام بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن بعد از نماز واجب دیگری و اگر وقت نماز واجب نیست، بعد از خواندن شش رکعت نافله، و یا دو رکعت نماز نافله باشد، که در رکعت اول پس از حمد سوره «توحید» و در رکعت دوم سوره «کافرون» را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی به جا آورد و بر پیامبر ﷺ و آل او علیهم‌السلام صلوات بفرستد.<sup>۳</sup>

۱. وسائل الشیعة ۱۲:۳۲۲، أبواب الاحرام، باب ۶ و ۸ و ۱.

۲. الکافی ۴:۳۳۹، ح ۱.

۳. وسائل الشیعة ۱۲:۳۲۸، أبواب الاحرام، باب ۱۵ و ۱۸.

۳. هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوْدِي فِيهِ  
فَرَضِي وَعَبَدْتُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقَطَعْ بِي وَ  
وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي  
وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَمُنْجَايَ وَ ذُخْرِي وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ  
رَخَائِي»<sup>۱</sup>.

### مستحبات تلبیه

مستحب است بعد از گفتن مقدار واجب تلبیه بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى  
دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ  
أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْأَكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ  
تُبْدِي وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يُفْتَقَرُ إِلَيْكَ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَ مَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ إِلَهَ  
الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا التَّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ  
لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ

۱. الفقيه ۲: ۳۱۲.

وَإِنَّ عَبْدَكَ لَبَيْتُكَ، لَبَيْتُكَ يَا كَرِيمُ لَبَيْتُكَ».

و تلبیه را در حال احرام تکرار کند؛ خصوصاً در موارد زیر:<sup>۱</sup>

۱. وقت خواب، و وقت برخاستن از خواب.
۲. بعد از هر نماز واجب و مستحب.
۳. وقت برخورد یا رسیدن به سواره.
۴. هنگام بالا رفتن از بلندی یا سرازیر شدن از آن.
۵. وقت سوار شدن یا پیاده شدن.
۶. آخر شب.
۷. اوقات سحر.

### مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

۱. احرام بستن در جامه سیاه، و بهتر آن است که جامه‌ها سفید باشند.
۲. خوابیدن مُحرم بر روی رختخواب و بالش زرد رنگ و سیاه و رنگ قرمز تیره.<sup>۲</sup>

۱. وسائل الشیعة ۱۲: ۳۸۲، أبواب الاحرام، باب ۴۰، ح ۳ و ۲.

۲. وسائل الشیعة ۱۲: ۴۵۷، أبواب ترک الاحرام، باب ۲۸.

۳. احرام بستن در جامه راه‌راه.<sup>۱</sup>
۴. احرام در جامه چرکین؛ و اگر جامه در حال احرام، کثیف شود، شستن آن تا زمانی که در حال احرام است، کراهت دارد.<sup>۲</sup>
۵. استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا زمان احرام باقی بماند.<sup>۳</sup>
۶. حمام رفتن، و بهتر، بلکه احوط آن است که محرم بدن خود را با کیسه و مانند آن نساید.<sup>۴</sup>
۷. لُبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او را صدا بزند.<sup>۵</sup>

### حدود حرم

اما حرم حدود و مرزهای مشخصی دارد که به آنها ادنی‌الحل نیز گفته می‌شود، و مرز آن: ۱. از طرف شمال جایی است به نام «تنعیم»؛ ۲. از طرف شمال غربی جایی است بنام «حدیبیه یا شمیسی»؛ ۳. از طرف شمال شرقی جایی است به نام

۱. التهذیب ۵: ۷۱، ۲۲۵.

۲. وسائل الشیعة ۱۲: ۴۷۶، أبواب تروک الاحرام، باب ۲۸، ح ۱.

۳. الاستبصار ۲: ۱۸۱، ۶۰۱.

۴. وسائل الشیعة ۱۲: ۵۳۷، أبواب تروک الاحرام، باب ۷۶، ح ۳ و ۲ و ۱.

۵. وسائل الشیعة ۱۲: ۵۶۱، أبواب تروک الاحرام، باب ۹۱.

«ثنية جبل المقطع»؛ ۴. از طرف شرق مرز مقابل عرفه از دشت «نمره»؛ ۵. از طرف جنوب شرقی جایی است به نام «جعرانه»؛ ۶. از طرف جنوب غربی جایی است به نام «إضاءة لبن».

### مستحبات ورود به حرم

﴿مسئله ۷۳﴾ برای وارد شدن به حرم خدا چند چیز مستحب

است:

۱. همین که حاجی به حرم رسید، جهت ورود به حرم غسل نماید.

۲. برای تواضع و فروتنی نسبت به خدای متعال، پابرهنه شود و کفش خود را در دست گرفته، داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد و از امام صادق علیه السلام چنین آمده که هرکس به منظور تواضع برای خدا چنین کند، خداوند صد هزار سیئه از او محو می‌کند و صد هزار حسنه برای او می‌نویسد و صد هزار درجه به او می‌دهد و صد هزار حاجت از او روا می‌کند.<sup>۱</sup>

۳. وقتی که داخل حرم شد، مقداری از گیاه «اذخر» را بچود تا

۱. الکافی ۴: ۳۹۸؛ وسائل الشیعة ۱۳: ۱۹۵، أبواب مقدمات الطواف، باب ۱.

دهان او برای بوسیدن حجرالاسود خوشبو شود.<sup>۱</sup>

۴. وقت دخول به حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَ أَدْنُ فِي  
النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكُ رِجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ  
عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ  
جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعاً لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيباً لَكَ  
مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ  
الْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرِّزْقَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ  
إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا  
بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ  
النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ»<sup>۲</sup>

#### مستحبات دخول به مکه معظمه

برای ورود به مکه معظمه، آدابی است که مراعات آنها

مستحب است:

۱. الکافی ۴: ۳۹۸، ح ۴.

۲. الفقیه ۲: ۳۱۴.

۱. غسل، و تیت آن این است که در موقع غسل بگوید برای ورود به مکه معظمه غسل می‌کنم، قربةً الی الله.

۲. با آرامش و وقار و در حالت خضوع و خشوع وارد مکه شود.

۳. کسانی که از راه مدینه منوره به مکه معظمه می‌آیند، از جانب بالای مکه از عقبه مدینین وارد شوند و هنگام خروج از مکه از ذی طوی خارج شوند.<sup>۱</sup>

### آداب و مستحبات مکه معظمه

در مکه معظمه آدابی است، که لازم است زائران محترم رعایت فرمایند:

۱. زائر از آب زمزم بیاشامد، که شفای دردهاست و مستحب است در آن حال بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ».<sup>۲</sup>

۱. در حال حاضر (۱۴۲۶ ه.ق) ورود و خروج معتمرین از راههای دیگر هم می‌باشد.

۲. وسائل الشیعة ۱۳: ۲۴۶، أبواب مقدمات الطواف، باب ۲۱، ح ۱.

۲. ذکر خداوند جلّ و علا بسیار بگوید.
۳. قرآن قرائت کند. در روایت آمده است که هرکس یک ختم قرآن در مکه معظمه به جا آورد، نمی‌میرد، تا اینکه رسول خدا ﷺ را رؤیت کند و مأوی و منزلش را در بهشت ببیند.<sup>۱</sup>
۴. بسیار عبادت کند، مخصوصاً مانند طواف و نماز در مسجدالحرام و بهتر است که طواف زیادتر نماید.
۵. به خانه خدا بنگرد، که ثواب بسیار دارد.<sup>۲</sup>
۶. در هر شبانه روز، ده مرتبه طواف نماید، در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول در صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف.<sup>۳</sup>
۷. هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال، طواف نماید، و اگر این مقدار ممکن نشد، پنجاه و دو مرتبه طواف نماید، و اگر آن هم میسر نشد، هر مقداری که می‌تواند طواف کند.<sup>۴</sup>
۸. مستحب است شخص به نیابت از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و علما و صلحا و مؤمنین و خویشان و

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۲۸۸، أبواب مقدمات الطواف، باب ۴۵، ح ۷.  
 ۲. الکافی ۴: ۲۳۹، ح ۱؛ وسائل الشیعة ۱۳: ۲۶۲، أبواب مقدمات الطواف، ب ۲۹.  
 ۳. الکافی ۴: ۴۲۸، ح ۵.  
 ۴. الکافی ۴: ۴۲۹، ح ۱۴؛ وسائل الشیعة ۱۳: ۳۰۸، أبواب مقدمات الطواف، ب ۷، ح ۱.

دوستان طواف کند، و می‌تواند یک طواف به نیابت چند نفر به جا آورد. در روایت وارد شده که شخصی از امام موسی بن جعفر علیه السلام پرسید: من زمانی که عازم مکه می‌شوم، بسا اشخاصی که از من می‌خواهند به جای آنان طواف به جا آورم و قدرت اتیان طواف برای همه را ندارم. امام علیه السلام فرمود: پس از انجام اعمال خود، یک طواف و دو رکعت نماز به جا آور و بگو این طواف و نماز برای آنان باشد، در این صورت به هر کس بگویی به نیابت از تو طواف و نماز به جا آوردم، راست گفته‌ای.<sup>۱</sup>

۹. داخل خانه کعبه شود، خصوصاً کسی که سفر اول اوست،<sup>۲</sup> و مستحب است قبل از دخول، غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمْنِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۱۰. کسی که می‌خواهد از مکه خارج شود، مستحب است یک طواف به عنوان طواف وداع با نماز آن به جا آورد، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام

۱. وسائل الشیعة ۱۴: ۲۸۶، أبواب العود الی منی، باب ۱۷، ح ۱.

۲. الکافی ۴: ۵۲۹، ح ۶.

نماید، و چون به مستجار رسد، مستحباتی را که برای آن مکان ذکر می‌شود به جا آورد و آنچه می‌خواهد دعا نماید. پس از آن حجرالاسود را استلام نموده، شکم خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حجرالاسود و دست دیگر را به طرف در خانه کعبه گذاشته، حمد و ثنای الهی به جا آورد و بر پیغمبر ﷺ و آل او ﺻﻠﻮات بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ  
وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ  
رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي  
جَنَّتِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِنِي مُلِحًا مُنْجِحًا  
مُسْتَجَابًا بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ  
وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

و مستحب است وقت خروج از مسجدالحرام، از باب حنّاطین - که مقابل رکن شامی است - خارج شود و وقت بیرون رفتن یک درهم<sup>۱</sup> خرما بخرد و آن را به فقرا صدقه بدهد.

۱. یک درهم شرعی، هیجده نخود نقره می‌باشد که با قیمت فعلی (سنه ۱۴۲۴) پانصد تومان می‌باشد. «لازم به ذکر است که معیار در قیمت نقره، نقره آب شده محسوب می‌گردد نه نقره ساخته شده».

۱۱. زمانی که می‌خواهد از مکه خارج شود، به مقدار یک درهم خرما بخرد و آن را به فقرا صدقه بدهد.

۱۲. در هر یک از چهار زاویه کعبه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ فَالَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّئِي وَ تَعَيَّنِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقَرَّراً بِالظُّلْمِ وَالْأَسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَ تَقْلِبِي بِرِعَابِي وَ لَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ.»<sup>۱</sup>

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»

۱. الکافی ۴: ۵۲۸، ح ۳؛ وسائل الشیعة ۱۳: ۲۷۵، أبواب مقدمات الطواف، ب ۳۶، ح ۱.

بگویند، سپس بگویند:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ  
الضَّارُّ النَّافِعُ».

۱۳. از مستحبات مکه، زیارت مکانهای با شرافت آن است، مانند زیارت زادگاه رسول خدا ﷺ و زیارت خانه حضرت خدیجه رضی الله عنها که زادگاه حضرت فاطمه رضی الله عنها نیز هست.

۱۴. رفتن به کوه و غار حراء.<sup>۱</sup>

۱۵. رفتن به غار ثور.<sup>۲</sup>

۱. کوه حراء در شمال مکه قرار دارد و محل عبادت رسول خدا ﷺ قبل از بعثت بوده و در همین غار بود که نخستین بار بر رسول خدا ﷺ وحی نازل شد و آیات آغازین سوره علق «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* إِفْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»؛ «بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید، کسی که انسان را از خون بسته خلق کرد، بخوان و پروردگار تو گرامی است، آنکه قلم را تعلیم داد و به آدمی آنچه را که نمی دانست آموخت»، در همین مکان نازل شده است، روی این جهت این کوه از مکانهای مقدس مکه به شمار می رود.

۲. کوه و غار ثور در جنوب مکه (نقطه مقابل مدینه) واقع است، زمانی که مشرکان مکه نقشه کشیدند تا رسول خدا ﷺ را بکشند فرشته وحی نازل گردید و پیامبر را از نقشه های شوم مشرکان به وسیله این آیه (سوره انفال، آیه ۲۹) آگاه ساخت «وَإِذْ يَتَكَبَّرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيَبْلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَسْخَرُونَ وَيَسْتَكْبِرُونَ وَاللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ». «هنگامی که کافران بر ضد تو فکری می کنند، تا

←

۱۶. زیارت قبور حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابوطالب علیه السلام، حضرت عبدمناف و حضرت عبدالمطلب علیه السلام، از اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبر حضرت آمنه بنت وهب علیها السلام، مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زیارت قبر حضرت قاسم فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قبرستان ابوطالب در حجون در دامنه کوه، که این زیارات را در آداب مکه معظمه بیان خواهیم کرد.

### مستحبات داخل شدن به مسجد الحرام

۱. مستحب است حاجی در حال ورود به مسجد الحرام غسل کند.
۲. با حالت سکینه و وقار وارد شود و هر کس با خشوع وارد شود، خداوند گناهان او را می‌بخشد.<sup>۱</sup>

→ تور از ندانی کنند، یا بکشند و یا تبعید نمایند، آنان با خدا از در حله وارد می‌شوند، و خداوند حله آنها را به خود آنها برمی‌گرداند. آن حضرت از خانه خود خارج شد و علی علیه السلام در خوابگاه پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید. پیامبر صلی الله علیه و آله به سمت جنوب مکه به راه افتاد و وارد غار ثور شد و مدت سه روز در آن مخفی بود، مشرکان تا نزدیکی غار ثور آمدند، اما به اعجاز الهی عنکبوتان تارهایی را بر در غار تنیدند تا مشرکان را از رفتن به درون آن منصرف کنند. و آیه ۴۰ سوره توبه از این غار یاد کرده است.

۱. الکافی ۴: ۴۰۱، ح ۱؛ وسائل الشیعة ۱۳: ۲۰۴، أبواب مقدمات الطواف، ب ۸.

۳. با پای برهنه وارد مسجد الحرام شود.<sup>۱</sup>

۴. وارد شدن از باب بنی شیبیه،<sup>۲</sup> (بعد از توسعه مسجد، داخل مسجد واقع شده است که اکنون در امتداد باب السلام واقع است، پس خوب است انسان از باب السلام برای دخول به مسجد الحرام وارد شود).

۵. خواندن ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام.

مستحب است محرم بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ  
 مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ  
 السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ السَّلَامُ  
 عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
 أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ،  
 السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ»

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۲۰۴، أبواب مقدمات الطواف، باب ۸

۲. وسائل الشیعة ۱۳: ۲۰۶، أبواب مقدمات الطواف، باب ۹

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ  
 الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ  
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ  
 بَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ  
 مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ،  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَ  
 سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَىٰ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،  
 اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ  
 مَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ  
 وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي  
 مِنْ مَعْمُرٍ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ  
 زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَىٰ كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَنَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ  
 خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ  
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ  
 يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا  
 عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا  
 كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِنِّي  
 بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوْلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ.

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس بگوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

سپس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند

نموده، بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدَ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتَ بَيْتُكَ حَيْثُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِمَقْدَرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

بعد به سوی کعبه خطاب کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجر الاسود شد، بگوید:  
 «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا  
 عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ  
 وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ  
 دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجر الاسود افتاد، با توجه به سوی آن  
 حرکت کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ  
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ  
 خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْسَىٰ وَ أَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا  
 شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي  
 يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ  
 كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ  
 إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَ سَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ  
 وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ  
 أَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبره وارد شده است که وقتی که نزدیک

حجرالاسود رسیدی، دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر ﷺ بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. پس از آن حجرالاسود را بوسیده، و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام<sup>۱</sup> نما، و اگر آن هم ممکن نشد به آن اشاره کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ  
اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَيَّ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ  
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ  
رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْحَبِيبِ وَ الطَّاعُوتِ وَ السَّلَاتِ  
وَ الْعَزَى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانستی همه را بخوانی، بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَأَقْبَلْ  
سُبْحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ  
وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».<sup>۲</sup>

۱. دست کشیدن به حجرالاسود.

۲. وسائل الشیعة ۱۳: ۲۰۴، أبواب مقدمات الطواف، باب ۸ و ص ۳۱۶، أبواب الطواف، ب ۱۲.



### اقسام محرمات احرام

بیست و چهار چیز بر محرم حرام است که از این محرمات، بخشی مشترک بین زن و مرد و بخشی مختص به هر یک از آنهاست که در صورت ارتکاب آنها در بعضی موارد موجب کفاره است که در مسائل بعد اشاره می‌شود.

### محرمات مشترک بین مرد و زن

۱. شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد.
۲. هر نوع کامجویی جنسی زن و مرد از یکدیگر.

۳. عقد کردن و گواه شدن بر عقد ازدواج.
۴. استمناء.
۵. استعمال بوی خوش.
۶. سر مه کشیدن.
۷. نگاه کردن در آینه.
۸. فسوق.
۹. جدال.
۱۰. کشتن حشرات ساکن در بدن.
۱۱. انگشتر به دست کردن به قصد زینت.
۱۲. روغن مالیدن به بدن.
۱۳. ازاله مو از خود و دیگران.
۱۴. بیرون آوردن خون از بدن خود.
۱۵. کشیدن دندان.
۱۶. ناخن گرفتن.
۱۷. کندن و بریدن درخت و یا گیاهی که در حرم روییده باشد.
۱۸. سلاح در برداشتن.

### محرمات مختص مردان

۱۹. پوشیدن لباس دوخته.
۲۰. پوشیدن جوراب، چکمه و کفش.
۲۱. پوشانیدن سر.
۲۲. سایه قرار دادن بالای سر.

### محرمات مختص زنان

۲۳. پوشانیدن صورت.
۲۴. پوشیدن زیور آلات به قصد زینت.

## احکام محرمات احرام

الف. محرمات مشترک بین مرد و زن

۱. شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد

﴿مسئله ۷۴﴾ در حال احرام شکار کردن حیوان وحشی صحرائی و کمک کردن به صیّاد در صید آن، حرام است چه صیّاد در حال احرام باشد یا نباشد.

﴿مسئله ۷۵﴾ خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است، و

اگر محرم صیدی را ذبح کند، در حکم میته خواهد بود؛ اما ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی، گاو و گوسفند، مانعی ندارد.

﴿س ۷۶﴾ کشتن ملخ در حال احرام چگونه است؟

ج- کشتن ملخ، حرام، بلکه مواظبت نمودن به این صورت که زیر دست و پاکشته نشود، واجب است، و در صورت عدم مراقبت و کشته شدن ملخ، احتیاط مستحب آن است که پنجاه گرم طعام که تقریباً یک کف می شود صدقه بدهد.

﴿س ۷۷﴾ کشتن مگس و مورچه در حال احرام چه حکمی

دارد؟

ج- حرام است، مگر آنکه موجب اذیت و آزار باشند، که برای جلوگیری از اذیت به قدر حاجت و ضرورت مانعی ندارد.

## ۲. هر نوع کامجویی جنسی زن و مرد از یکدیگر

﴿مسئله ۷۸﴾ اگر در عمره مفرده پس از فراغت از سعی

آمیزش کند عمره اش باطل نمی شود، لیکن موجب کفاره است و

کفّاره آن اگر ثروتمند باشد یک شتر، و اگر فقیر باشد یک گوسفند؛ و اگر پیش از سعی آمیزش کند، احتیاط مستحب آن است که عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد.

﴿مسئله ۷۹﴾ اگر زنی را از روی شهوت ببوسد، کفّاره آن یک شتر است، و اگر بدون شهوت ببوسد، کفّاره آن یک گوسفند است، و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفّاره بدهد؛ لیکن بوسیدن مثل مادر و خواهر از محارم که از روی محبت و مهربانی است و بوسیدن ارحام می باشد، مانعی ندارد و جایز است.

﴿مسئله ۸۰﴾ کسی که از احرام در آمده است، اگر همسر خود را که در حال احرام است ببوسد، مانعی ندارد، و برزن هم اگر از خود اختیاری نداشته باشد چیزی نیست.

﴿مسئله ۸۱﴾ اگر مُحرّم همسر خود را با شهوت لمس کند یا با او بازی کند و منی از او خارج شود، مرتکب حرام شده و بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفّاره بدهد، اگر چه کفایت گوسفند خالی از قوت نیست، و اگر منی خارج نشود، کفّاره آن یک گوسفند است.

﴿مسئله ۸۲﴾ جایز است مُحرّم بدن زن خود را بدون شهوت لمس کند یا مثلاً او را برای سوار شدن یا پیاده شدن در بغل بگیرد.

﴿مسئله ۸۳﴾ اگر مُحْرَم با شهوت به همسر خود نگاه کند و منی از او خارج شود، مرتکب حرام شده و مشهور آن است که یک شتر کفّاره دارد، ولی اگر بدون شهوت به همسر خود نگاه کند، اشکال ندارد.

﴿مسئله ۸۴﴾ اگر مُحْرَم عمداً به غیر از زن خود نگاه کند و منی از او خارج شود، مرتکب حرام شده و احوط آن است که اگر می‌تواند یک شتر کفّاره بدهد؛ و اگر نمی‌تواند یک گاو، و اگر آن را هم نمی‌تواند، یک گوسفند کفّاره بدهد.

### ۳. عقد کردن

﴿مسئله ۸۵﴾ بر مُحْرَم جایز نیست در حال احرام برای خود زن بگیرد یا زنی را برای دیگری عقد نماید، چه عقد دائم باشد یا موقت، و شخص دیگر در حال احرام باشد یا نباشد، در تمام این صور عقد باطل است.

﴿مسئله ۸۶﴾ شاهد شدن مُحْرَم برای عقد جایز نیست، اگرچه عقد برای غیر مُحْرَم باشد، و شهادت بر عقد، اگرچه در حال احلال، شاهد آن عقد شده باشد احتیاط در ترک آن است هر چند جایز بودن آن، خالی از قوت نیست.

﴿مسئله ۸۷﴾ اگر مُحرم زنی را در حال احرام با علم به مسئله (جایز نبودن) برای خود عقد کند، آن زن بر او حرام دائمی می شود.

#### ۴. استمناء

یعنی انجام کاری که موجب خروج منی از انسان شود، خواه با دست باشد یا غیر آن. پس اگر منی خارج شود، کفاره آن یک شتر است، و احتیاط واجب آن است که در مواردی که جماع موجب بطلان است، استمناء نیز موجب بطلان باشد.

#### ۵. استعمال بوی خوش

﴿مسئله ۸۸﴾ استعمال چیزهای خوشبو، مانند مُشک و زعفران و عود و کافور و عنبر، بلکه مطلق عطر از هر قسم که باشد، حرام است، به خوردن باشد یا بوییدن یا مالیدن به بدن یا لباس.

﴿مسئله ۸۹﴾ پوشیدن لباسی که از قبل اثری از بوی خوش در آن مانده باشد، برای مُحرم حرام است.

﴿مسئله ۹۰﴾ اگر محرم به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که

بوی خوش می‌دهد اضطراب پیدا کند، باید جلوی بینی خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

﴿مسئله ۹۱﴾ از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش دارند، باید اجتناب کند، مگر بعضی از انواع آن که صحرایی است، مثل بومادران و دَرْمَنَه و خَزَامی که می‌گویند از خوشبوترین گلهاست؛ و احتیاط مستحب آن است که از خوردن و استعمال دارچین و زنجبیل و هِل و امثال آنها نیز اجتناب کند، گرچه اقوی حرام نبودن آنهاست.

﴿مسئله ۹۲﴾ از میوه‌های خوشبو، مانند سیب، به و پرتقال اجتناب لازم نیست و خوردن و بویدن آنها مانعی ندارد، لیکن احتیاط آن است که از بویدن آنها، حتی در حال خوردن اجتناب کند.

﴿مسئله ۹۳﴾ استفاده کردن از صابون و بعضی از شامپوهای خوشبو و معطر و خمیر دندان که دارای بوی خوش هستند، باید اجتناب نمود و استفاده از آنها برای محرم حرام است، آری، اگر بوی خوش آنها بسیار ناچیز باشد که نگویند بوی خوش دارد استفاده از آنها مانعی ندارد.

﴿مسئله ۹۴﴾ خرید و فروش عطریات و نگاه کردن بر آن در

حال احرام اشکال ندارد، لیکن نباید آنها را برای امتحان استشمام کند یا از آنها استفاده نماید که حرام است.

﴿مسئله ۹۵﴾ بنا بر اقوی، کفّاره استفاده از بوی خوش، یک گوسفند است.

﴿مسئله ۹۶﴾ اقوی برای محرم حرمت گرفتن بینی از بوی بد است ولی تند رفتن برای رهایی از بوی بد، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۹۷﴾ مشهور آن است که استفاده از خلوق کعبه (آن چیزی که کعبه را با آن خوشبو می‌کنند) و همچنین از عطری که کعبه را خوشبو می‌کنند گرچه خلوق نباشد، حرام نیست.

﴿س ۹۸﴾ گرفتن جلوی بینی از غبار و دود ماشین و هوای آلوده برای کسی که ناراحتی تنفسی و درد سینه دارد، در حال احرام چه حکمی دارد؟

ج- گرفتن جلوی بینی و دهان از امور مذکور مانعی ندارد، آری، گرفتن بینی از بوی بد، حرام است، لیکن به سرعت حرکت کردن برای فرار از بوی بد، مانعی ندارد.

﴿س ۹۹﴾ بعضی از انواع سیگار و توتونهای پپ، دارای بوی خوش هستند، آیا استعمال آنها در حال احرام جایز است؟

ج- اجتناب از بوی خوش مطلقاً لازم است، و افرادی که در حال احرام هستند و عادت به کشیدن سیگارهایی دارند که دارای بوی خوش است، باید از آن اجتناب کنند و حرام است.

﴿س ۱۰۰﴾ آیا برای جلوگیری از ورود هوای کثیف به بینی، جایز است محرم از ماسک دوخته شده استفاده کند؟

ج- اگر مستلزم جلوگیری از بوی بد باشد، حرام است، و نسبت به زنان اگر مانع از ظهور و آشکار بودن صورتشان می‌شود، مطلقاً حرام است، چون احرام زن در صورت آنها و ظاهر بودنش می‌باشد.

#### ۶. سرمه کشیدن

﴿مسئله ۱۰۱﴾ بر مُحرم چه زن و چه مرد، حرام است سرمه کشیدن به سرمه سیاهی که معمولاً برای زینت استعمال می‌شود، هر چند قصد زینت نکند؛ و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه‌ای است که در آن زینت باشد، و اگر بوی خوش داشته باشد، بنا بر اقوی حرام است.

﴿مسئله ۱۰۲﴾ اگر مُحرم احتیاج به سرمه کشیدن داشته باشد،

مثلاً برای معالجه چشمش باشد، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۰۳﴾ در سر مه کشیدن کفاره نیست، ولی اگر در سر مه بوی خوش باشد، کفاره آن بنا بر اقوی یک گوسفند است.

#### ۷. نگاه کردن در آینه

﴿مسئله ۱۰۴﴾ نگاه کردن در آینه بر مرد و زن در حال احرام، اگر برای زینت باشد، حرام است؛ اما نگاه کردن مُحرم به اجسام صاف و صیقل داده شده که عکس انسان در آن پیداست، اشکال ندارد، مگر آنکه برای زینت باشد، که حرمت آن خالی از وجه نیست.

﴿مسئله ۱۰۵﴾ اگر در اتاقی که شخص مُحرم سکونت دارد، آینه باشد و می‌داند که گاهی چشم او بی‌اختیار به آن می‌افتد، ظاهراً اشکال ندارد، لیکن احتیاط آن است که آینه را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

﴿مسئله ۱۰۶﴾ نگاه کردن به آینه کفاره ندارد، لیکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

﴿مسئله ۱۰۷﴾ نگاه کردن به دوربین عکاسی در حال عکس گرفتن در حال احرام، اشکال ندارد، چون معلوم نیست که به آینه نگاه می‌کند، بلکه اگر معلوم هم باشد چون به قصد زینت نیست،

جایز است.

### ۸. فسوق

﴿مسئله ۱۰۸﴾ در قرآن، فسوق از محرمات است، ولی حرمت آن در حال احرام شدیدتر است، و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد، بلکه فحش دادن و به دیگران فخر کردن نیز فسوق است. در فسوق کفاره نیست، فقط شخص باید استغفار کند و مستحب است چیزی کفاره بدهد، و اگر گاو ذبح کند، بهتر است.

### ۹. جدال

﴿مسئله ۱۰۹﴾ جدال که همراه قَسَم خوردن به کلمه «لَا وَاللَّهِ» یا «بِلی وَاللَّهِ» باشد، در حال احرام حرام است، خواه قَسَم راست باشد یا قَسَم دروغ، و فرق نمی‌کند مُحَرَّم مرد باشد یا زن.

﴿مسئله ۱۱۰﴾ اگر قَسَم به لفظ جلاله «اللَّهِ» باشد یا مترادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی، جدال است؛ و اَمَّا قَسَم به غیر خدا، به هر کس باشد، ملحق به جدال نیست و از محرمات احرام نیست، اَمَّا در مقام ضرورت برای اثبات حقی، یا ابطال باطلی، جایز است

مُحَرَّم به لفظ جلاله و غیر آن قسم یاد کند.

﴿مسئله ۱۱۱﴾ احتیاط واجب، الحاق سایر اسماء الله به لفظ جلاله است، پس اگر کسی به رحمان و رحیم و خالق قسم بخورد، جدال محسوب می‌شود.

﴿مسئله ۱۱۲﴾ اگر مُحَرَّم در جدال راستگو باشد، در قَسَم اول و دوم چیزی بر او نیست، بجز استغفار، و در قَسَم سوم باید کَفَّاره بدهد، که یک گوسفند است؛ و اگر در جدال دروغگو باشد، احتیاط واجب آن است که در قَسَم اول یک گوسفند کَفَّاره بدهد، در قَسَم دوم یک گاو و در قَسَم سوم یک شتر.

#### ۱۰. کشتن حشرات ساکن در بدن

﴿مسئله ۱۱۳﴾ بر محرم جایز نیست شپش و یا کک و یا کنه که از عرق و چرک بدن انسان به وجود می‌آید، با دست یا سم یا به وسیله‌ای دیگر آن را بکشد و یا از بدن و یا لباس خود آن را جدا کند و یا آن را در بدن خود جا به جا کند، مگر آن را به جایی که امن تر باشد، منتقل کند، و همچنین این حکم بنا بر احتیاط واجب در حیواناتی که از عرق و چرک بدن انسان به وجود نمی‌آیند ولی در بدن و لباس انسان وجود دارند جاری است.

﴿مسئله ۱۱۴﴾ بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن جانورانی مثل شپش و کینه کفاره‌ای بر مُحرم نباشد، گرچه احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

#### ۱۱. انگشتر به دست کردن به قصد زینت

﴿مسئله ۱۱۵﴾ بر مُحرم جایز نیست به قصد زینت انگشتر دست کند، ولی اگر برای استحباب آن و عمل به مستحب باشد یا برای شمردن شوطهای طواف و یا برای استفاده از خواص نگین باشد، اشکالی ندارد.

﴿مسئله ۱۱۶﴾ احتیاط واجب آن است که مُحرم برای زینت حنا و امثال آن را نیندد، بلکه اگر زینت باشد، ولو قصد نکند، احتیاط در ترک آن است، بلکه حرمت آن در هر دو صورت خالی از وجه نیست.

﴿مسئله ۱۱۷﴾ اگر قبل از احرام حنا یا امثال آن را ببندد، چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند، مرتکب حرام نشده، ولی احتیاط مستحب در ترک است.

﴿مسئله ۱۱۸﴾ عینک زدن و استفاده از ساعت اگر برای زینت باشد، در حال احرام حرام است و اگر برای زینت نباشد، مانعی ندارد.

## ۱۲. روغن مالیدن به بدن

﴿مسئله ۱۱۹﴾ شخص مُحرم، نباید در حال احرام بدن خود را روغن مالی کند، هر چند آن روغن بوی خوشی نداشته باشد؛ ولی اگر از روی اضطرار یا برای معالجه باشد، مثل پمادهایی که روی زخمها و تَرَک خوردگیها مالیده می شود، در صورتی که بوی خوش نداشته باشد، مانعی ندارد؛ و اگر در روغن بوی خوش باشد، کفّاره آن یک گوسفند است، اگرچه از روی اضطرار باشد.

﴿مسئله ۱۲۰﴾ جایز نیست مُحرم پیش از احرام، روغنی که بوی خوش در آن است و اثرش تا وقت احرام باقی می ماند استعمال کند، ولی خوردن روغن در حال احرام اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد، مانعی ندارد.

﴿س ۱۲۱﴾ مالیدن کرمهای معطر و غیر معطر آرایشی به دست و صورت در حال احرام چه حکمی دارد؟

ج- مالیدن هر نوع کرم به بدن در حکم مالیدن روغن به بدن است که بر مُحرم حرام است، اگرچه در آن بوی خوش نباشد.

### ۱۳. ازاله مو از بدن خود یا شخص دیگر

﴿مسئله ۱۲۲﴾ بر مُحْرَم جایز نیست موی سر خود یا کس دیگری را ازاله کند، خواه شخص دیگر در حال احرام باشد یا نباشد، و در حرمت ازاله مو، فرقی میان کم و زیاد آن نیست، بلکه ازاله یک مو نیز حرام است، خواه ازاله به تراشیدن باشد یا نوره مالیدن یا قیچی کردن، مگر در دو مورد:

۱. اگر ازاله مو از روی ضرورت باشد، مانعی ندارد، مثل اینکه وجود مو باعث زیادی شپش و درد سر گردد و یا اینکه مو در پلک چشم روییده باشد و موجب ناراحتی او شود، و یا غیر اینها از ضرورت‌های دیگر.

۲. اگر در وقت غسل یا وضو، در اثر دست کشیدن به صورت موئی بدون قصدکننده شود.

﴿مسئله ۱۲۳﴾ کفاره سر تراشیدن برای مُحْرَم، اگر به جهت ضرورت باشد، دوازده مد<sup>۱</sup> طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند، و اگر تراشیدن سر از روی ضرورت نباشد، احتیاط واجب

۱. هر مد یک چارک (ده سیر) است که هفتصد و پنجاه گرم می‌باشد.

آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، و اگر مُحرم از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند، کفاره آن یک گوسفند است.

﴿مسئله ۱۲۴﴾ جایز است مُحرم سر یا بدن خود را بخاراند، ولی باید به گونه‌ای باشد که نه خون خارج گردد و نه مویی از بدن او کنده شود. و اگر کسی به سر یا ریش خود، دست بکشد و یک مو یا بیشتر بیفتد، احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

#### ۱۴. بیرون آوردن خون از بدن خود

﴿مسئله ۱۲۵﴾ جایز نیست بر مُحرم، چه مرد باشد یا زن، خون از بدن خود بیرون آورد، خواه به خراشیدن باشد یا به مسواک نمودن و یا خون گرفتن.

﴿مسئله ۱۲۶﴾ مُحرم می‌تواند از بدن شخص دیگری خون خارج نماید، مثل اینکه او را حجامت کند یا از او خون بگیرد یا مثلاً دندان او را بکشد.

﴿مسئله ۱۲۷﴾ مسواک کردن در حال احرام، اگر بدانند سبب بیرون آمدن خون از لثه‌ها می‌گردد، حرام است.

﴿مسئله ۱۲۸﴾ تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد، ولی اگر موجب آمدن خون از بدن می‌شود، حرام است، مگر در

مورد حاجت و ضرورت.

﴿مسئله ۱۲۹﴾ خون از بدن در آوردن، کفاره ندارد.

﴿س ۱۳۰﴾ آیا خون گرفتن از بدن با سرنگ، از مصادیق اِدماء

محرّم است و در حال احرام، پرهیز از آن لازم است؟

ج- پرهیز واجب است و در حال حاجت و معالجه به

حکم داشتن عذر موجّه، حرام نیست.

﴿س ۱۳۱﴾ آیا مُحرم می تواند در حال احرام به دیگری خون

بدهد؟

ج- جایز نیست، مگر در حال ضرورت.

### ۱۵. کشیدن دندان خود

﴿مسئله ۱۳۲﴾ بنا بر احتیاط، مُحرم در حال احرام دندان

خود را نکشد، هر چند خون نیاید، و در صورت کشیدن،

مرتکب حرام شده و بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند

کفاره بدهد.

﴿مسئله ۱۳۳﴾ کشیدن دندان دیگری، مانعی ندارد، هر چند

خون بیاید.

﴿س ۱۳۴﴾ آیا در حال احرام می توان دندانی را که شدیداً درد

دارد کشید، گرچه باعث خونریزی شود؟

ج- اگر درد دندان او را اذیت می‌کند، مانعی ندارد آن را بکشد، ولی بنا بر احتیاط کفاره آن را بدهد و کفاره آن یک گوسفند است.

#### ۱۶. ناخن گرفتن

﴿مسئله ۱۳۵﴾ گرفتن ناخنها در حال احرام، جایز نیست خواه از دست باشد یا از پا. همچنین بر مُحرم جایز نیست بعض ناخن خود را هم بگیرد، مگر آنکه باقی ماندن آنها موجب اذیت شود، مثل اینکه قسمتی از یک ناخن کنده شده باشد یا اینکه قسمتی از یک ناخن بشکند و از باقی ماندن بقیه‌اش اذیت شود؛ و فرقی نیست بین آلات ناخن‌گیری (قیچی باشد یا چاقو یا ناخن‌گیر)، و احتیاط واجب آن است که به هیچ وجه ازاله ناخن نکند، حتی با سوهان و دندان.

﴿مسئله ۱۳۶﴾ گرفتن ناخن توسط مُحرم از غیر مُحرم جایز است؛ همچنین مُحرم می‌تواند ناخن مُحرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد.

﴿مسئله ۱۳۷﴾ اگر در یک مجلس ناخن دستها را بگیرد و ناخن

پاها را تا کم‌تر از ده ناخن بگیرد، یک گوسفند برای همه آنها کافی است (همان‌گونه که شهید در مسالک<sup>۱</sup> فرموده است)؛ و همچنین اگر در یک مجلس ناخن پاها را تماماً بگیرد و ناخن دستها را کم‌تر از ده انگشت بگیرد، یک گوسفند کفایت می‌کند. ﴿مسئله ۱۳۸﴾ اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله در حال احرام ناخنهای خود را بگیرد، کفاره واجب نیست.

#### ۱۷. کندن و بریدن درخت و یا گیاهی که در حرم روئیده باشد

﴿مسئله ۱۳۹﴾ کندن و بریدن درخت و یا گیاه بر همگان چه مُحَرَّم و یا غیر مُحَرَّم، چه مرد و یا زن، در حرم حرام است. مگر گیاه و درختی را که خود شخص در منزلش کشت نموده باشد. ﴿مسئله ۱۴۰﴾ از محرمات احرام دو عمل بر تمام افراد در حرم حرام است، خواه مُحَرَّم باشند یا مُجَلِّل، زن باشد یا مرد، ۱. شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد؛ ۲. کندن یا بریدن درخت و گیاهی که در حرم روئیده باشد.

﴿مسئله ۱۴۱﴾ از حُرْمَت کندن و یا بریدن درختان و گیاهان، چند مورد استثنا شده است:

۱. مسالک الافهام ۲: ۴۸۴.

۱. درختهای میوه و خرما.

۲. اِذْخَر، که گیاه معروفی است.

۳. گیاهی که به راه رفتن متعارف قطع شود.

﴿مسئله ۱۴۲﴾ بنا بر احتیاط، کفّاره کندن درخت بزرگ، ذبح یک گاو است، و کفّاره کندن درخت کوچک، یک گوسفند است؛ و اگر مُحرم قسمتی از درختی را قطع کند، اقوی آن است که قیمت آن را کفّاره بدهد، اما در قطع گیاهان کفّاره آن استغفار است.

#### ۱۸. سلاح در برداشتن

﴿مسئله ۱۴۳﴾ حمل سلاح چه به صورت آویزان نمودن بر بدن باشد و یا به صورت پوشیدن و چه به صورت حمل، در غیر مورد ضرورت، برای مُحرم حرام است.

#### ب. محرمات مخصوص مردان

##### ۱۹. پوشیدن لباس دوخته

﴿مسئله ۱۴۴﴾ پوشیدن چیزهای دوخته مثل پیراهن، قبا، شلوار و چیزهایی که شبیه به دوخته است، بر مرد مُحرم حرام است، مثل

پیراهنهایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند.

﴿مسئله ۱۴۵﴾ بر مُحرم لازم است که از مطلق دوختنی، هر چند قسمت دوخته آن کم باشد اجتناب کند.

﴿مسئله ۱۴۶﴾ کمر بند و بند ساعت و دمپایی و امثال آنها اگر دوخته باشند اشکال ندارد، چون بر این موارد صدق لباس نمی‌کند، ولی احتیاط استحبایی در ترک است.

﴿مسئله ۱۴۷﴾ همیانی که در آن پول می‌گذارند برای حفظ آن، اشکالی ندارد مُحرم به کمر ببندد، هر چند دوخته شده باشد، اما فتق بند اگر دوختنی باشد، برای ضرورت جایز است، لیکن احتیاط مستحب آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

﴿مسئله ۱۴۸﴾ اگر مُحرم به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد، جایز است آن را بپوشد، ولی باید کفّاره بدهد؛ همچنین اگر مُحرم از روی اضطرار لباسهای متعدّد پوشید، برای هر یک باید کفّاره بدهد.

﴿مسئله ۱۴۹﴾ دست گرفتن قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می‌شود برای مُحرم اشکالی ندارد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که آن را به دوش نیندازد.

﴿مسئله ۱۵۰﴾ هرگاه مُحرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را انجام دهد، جهلاً یا عمداً، عمره او صحیح و مُجزی است. لیکن در صورت عمد معصیت کرده و موجب کفّاره است.

﴿مسئله ۱۵۱﴾ جایز است مُحرم هنگام خوابیدن از پتو یا روانداز دوخته شده استفاده کند و بدن خود را با آن بپوشاند، ولی مرد مُحرم سر خود را نباید بپوشاند، و اگر مُحرم در حال احرام از پتوی دوخته شده به صورت روانداز استفاده کند به طوری که مثل پوشیدن نباشد، در این صورت اشکالی ندارد، و اگر مثل پوشیدن لباس دوخته باشد، کفّاره دارد.

﴿مسئله ۱۵۲﴾ اگر مُحرم یک نوع لباس دوخته مانند پیراهن بپوشد و کفّاره آن را بدهد و بعداً پیراهن دیگری بپوشد یا آن پیراهن را در آورد و پس از دادن کفّاره دوباره آن را بپوشد، باید برای دفعه دیگر نیز کفّاره بدهد.

﴿مسئله ۱۵۳﴾ کفّاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

## ۲۰. پوشیدن جوراب، چکمه و کفش

﴿مسئله ۱۵۴﴾ پوشیدن چکمه، گیوه، کفش، جوراب و هر چه

که تمام روی پا را می‌گیرد، بر مرد مُحَرَّم، حرام است، ولی برای زن مانعی ندارد، اما پوشیدن نعلین (نعلین روباز) و دمپایی‌هایی که همه روی پا را نمی‌گیرد، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۵۵﴾ اگر مرد مُحَرَّم مضطر شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد، باید روی آن را به نحوی شکاف دهد که همه روی پا پوشیده نباشد.

﴿س ۱۵۶﴾ کسی که از ناحیه پا معلول است و دارای پای مصنوعی است و ناچار از پوشیدن جوراب یا استفاده از پارچه دوخته روی پای مصنوعی است، چه حکمی دارد؟

ج- مانعی ندارد، چون پای مصنوعی، حکم پای طبیعی را ندارد.

﴿مسئله ۱۵۷﴾ در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد، کفاره لازم نیست.

## ۲۱. پوشانیدن سر

﴿مسئله ۱۵۸﴾ بر مرد مُحَرَّم حرام است که تمام سر یا قسمتی از سر خود را بپوشاند، حتی به چیزهای غیرپوششی مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها. همچنین گذاشتن محمولات روی سر

جایز نیست؛ اما گذاشتن بند مشک آب و بند ساک بر روی سر، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۵۹﴾ جایز نیست مُحرِم تمام سر یا قسمتی از آن را زیر آب ببرد، اما زیر دوش حمام رفتن برای مُحرِم مانعی ندارد، لیکن زیر آبخاری که سر را فرو گیرد، جایز نیست.

﴿مسئله ۱۶۰﴾ جایز است مُحرِم سر خود را با اعضای بدن خود مانند دستها یا ذراع خود بپوشاند، لیکن احتیاط در ترک است.

﴿مسئله ۱۶۱﴾ مرد مُحرِم نباید در وقت خوابیدن سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات بپوشاند، باید فوراً آن را باز کند؛ و همین طور اگر از روی فراموشی بپوشاند، واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است.

﴿مسئله ۱۶۲﴾ پوشانیدن رو برای مردان مانعی ندارد و جزء سر محسوب نمی شود، پس در وقت خواب، مانعی در پوشاندن آن نیست؛ ولی گوشها اگر عرفاً جزء سر محسوب شوند، حکم سر را دارند و نباید آنها را بپوشانید.

﴿مسئله ۱۶۳﴾ بر مُحرِم جایز است برای استراحت، سر خود را روی زمین یا بالش بگذارد.

﴿مسئله ۱۶۴﴾ برای مُحرِم، خوابیدن زیر پشه بند و مانند آن که

بالای سر قرار می‌گیرند از حیث پوشانیدن سر مانعی ندارد.<sup>۱</sup>  
 ﴿مسئله ۱۶۵﴾ اگر محرم سرش را شست، نباید سری یا بعض آن را با حوله و دستمال خشک کند.

﴿مسئله ۱۶۶﴾ هرگاه محرم سر خود را با لباس دوخته بپوشاند، باید دو کفاره بدهد، مگر در صورت جهل و نسیان.  
 ﴿س ۱۶۷﴾ اینکه مرد نباید در حال احرام سر خود را بپوشاند، آیا این حرمت، شامل کلاه گیس که نمی‌تواند از سر خود بر دارد نیز می‌شود؟

ج - شمول ادله حرمت، پوشاندن سر مرد در حال احرام در چنین مواردی که کلاه گیس را برای پوشانیدن به سر نگذاشته و عرف هم آن را پوشش سر همانند پوشاندن با حناء و دواء نمی‌داند، بلکه آن را موی سر مصنوعی می‌داند، مشکل، بلکه ممنوع است، لیکن احتیاط واجب در دادن یک گوسفند به عنوان کفاره است.

﴿س ۱۶۸﴾ بعضی از حجّاج وقتی از مدینه به مکه می‌آیند قبل از انجام دادن اعمال عمره مفرده چند ساعت در هتل استراحت می‌کنند، آیا خوابیدن شخص محرم مانعی دارد یا خیر؟

۱. ولی از حیث تظلیل و سایه قرار دادن حکم خود را دارد.

ج- خوابیدن شخص مُحرم - بعد از احرام و قبل از اعمال - در هتل مانعی ندارد، ولی سر خود را نباید بپوشاند.  
 ﴿مسئله ۱۶۹﴾ مُحرم سرش تر است، اگر بخواهد صبر کند تا خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر نتواند به مقدار جای مسح آن را با دست خشک نماید، احتیاط در آن است که کمی صبر کند تا وقت برای نماز بقدری تنگ شود که جزء با تیمم نتواند نماز بخواند، در این صورت برای تنگی وقت تیمم می‌کند و نماز می‌خواند، گرچه جواز تیمم برای این گونه افراد که عذر شرعی از وضو دارند در همان زمان هم جایز است.  
 ﴿مسئله ۱۷۰﴾ اگر محرم سر خود را بپوشاند، کفّاره آن یک گوسفند است، و بنا بر احتیاط واجب، برای پوشاندن قسمتی از سر هم باید یک گوسفند کفّاره بدهد.

#### ۲۲. سایه قرار دادن بالای سر

﴿مسئله ۱۷۱﴾ جایز نیست مرد مُحرم در روز هنگام حرکت و طی مسافت، بالای سر خود سایه قرار دهد، خواه سواره باشد یا

پیاده؛ اما برای زنها و بچه‌ها جایز است و کفاره هم ندارد.  
 ﴿مسئله ۱۷۲﴾ اگر مُحرم در محلی منزل کند زیر سایه رفتن مانعی ندارد، مثل زیر سقف خیمه یا داخل منزل، اما در پیمودن راه نباید از چتر و امثال آن استفاده کند.

﴿مسئله ۱۷۳﴾ بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید، ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند، بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند در روز برای رفتن به مسجدالحرام به ماشینهای سقف‌دار سوار شود یا زیر سایه برود؛ و اگر پیاده روی برای آنها مختصر صدمه‌ای داشته باشد که معمولاً نیز چنین است و تهیه ماشین بی‌سقف هم مشکل باشد به حکم سهولت و نفی حَرَج، رفتن با ماشین مسقف، مانعی ندارد، ولی بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند کفاره بدهند، و ناگفته نماند گوسفند کفاره را می‌توان بعد از بازگشتن به وطن ذبح نمود.

﴿س ۱۷۴﴾ استظلال در عمره مفرده از مسجد تنعیم در روز، چه حکمی دارد؟

ج- حکمش از مسأله قبل معلوم گردید.

﴿مسئله ۱۷۵﴾ در شب، استظلال نیست؛ بنابراین، جایز است که مُحرم در شب با ماشین سقف‌دار به مکه برود، ولی در هوای

ابری در روز جایز نیست.

﴿مسئله ۱۷۶﴾ آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است؛ بنابراین، اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده برود و بناچار مُحرمین از زیر پلها عبور کنند و یا ماشین در محل پمپ بنزین در زیر سقف بایستد، اشکالی ندارد و کفّاره هم ندارد.

﴿مسئله ۱۷۷﴾ احتیاط آن است که در وقت طّی منزل، به پهلوی محمل یا هر چیزی که بالای سر او نباشد، استظلال نکند، بلکه عدم جواز آن خالی از قوّت نیست.

﴿مسئله ۱۷۸﴾ استظلال در وقت طّی منزل در روز، برای عذری (مثل شدّت گرما یا شدّت سرما یا بارندگی)، برای مُحرم جایز است، ولی باید کفّاره بدهد.

﴿مسئله ۱۷۹﴾ جایز است مرد مُحرم به وسیله دست و ذراع خود، جلوی تابش آفتاب را بر بدن خود بگیرد.

﴿س ۱۸۰﴾ اینکه فرمودید استظلال در شب مانعی ندارد، آیا

بین الطلوعین را هم شامل می شود؟

ج- آری، بین الطلوعین حکم شب را دارد.

﴿مسئله ۱۸۱﴾ بنا بر احتیاط واجب، کفّاره سایه قرار دادن در

حال طّی منزل، یک گوسفند است، چه فرد با عذر سایه افکننده باشد و چه با اختیار، و اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره، هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد.

### ج. محرمات مخصوص زنان

#### ۲۳. پوشانیدن صورت

﴿مسئله ۱۸۲﴾ جایز نیست زن در حال احرام، صورت خود یا قسمتی از آن را با نقاب، روبند، پوشیه یا بادبزن بپوشاند، بلکه بنا بر احتیاط صورت خود را با چیزهای غیرمتعارف مثل پوشال و گِل و چیزهای دیگر نیز نپوشاند.

﴿مسئله ۱۸۳﴾ پوشاندن صورت به وسیله اعضای بدن خود مانند دستها، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۸۴﴾ زن در حال احرام می تواند صورت خود را برای خوابیدن روی زمین یا بالش بگذارد.

﴿س ۱۸۵﴾ آیا زنان مُحرم می توانند برای جلوگیری از اذیت حشرات صورت خود را بپوشانند؟

ج- جایز نمی باشد و حرام است، آری، برای جلوگیری از اذیت اگر چیزی را جلوی صورت بگیرد که به صورت

نچسبد و آن را بوسیله دست یا غیر آن دور از صورت نگاه دارد، مانعی ندارد.

﴿س ۱۸۶﴾ آیا زنان مُحرم می‌توانند عرق صورت خود را در صورتی که صورت آنها پوشانده می‌شود خشک کنند؟

ج- نمی‌توانند و جایز نمی‌باشد، آری، پاک کردن عرقها با دست مانعی ندارد.

﴿س ۱۸۷﴾ پوشاندن صورت برای زن در طواف، چه حکمی دارد؟

ج- در طواف، فی حدّ نفسه، حکم نماز را دارد، لیکن اگر مُحرم است، پوشاندن صورت به خاطر احرام، حرام است.

﴿مسئله ۱۸۸﴾ واجب است زن محرم برای نماز گزاردن سرش را بیوشاند، و مقدماً برای پوشانیدن سر جایز است کمی از اطراف صورتش را بیوشاند، لیکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

﴿مسئله ۱۸۹﴾ در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر صورت که باشد حرام است و معصیت دارد، باید یک گوسفند کفاره بدهد.

### ۲۴. پوشیدن زیور آلات (به قصد زینت)<sup>۱</sup>

﴿مسئله ۱۹۰﴾ جایز نیست محرم در حال احرام خود را به گوشواره و گردنبند و مانند اینها زینت کند و یا زیورهایی را به قصد زینت بپوشد، بلکه بنا بر احتیاط از آنچه موجب زینت است اجتناب نماید، هر چند به قصد زینت نباشد، بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

﴿مسئله ۱۹۱﴾ زیورهایی را که پیش از احرام، عادت به پوشیدن آنها داشته، لازم نیست برای احرام بیرون آورد، لیکن باید آنها را بپوشاند و به هیچ مردی حتی به شوهر خود، آنها را نشان ندهد.

﴿مسئله ۱۹۲﴾ پوشیدن زیور، کفاره ندارد.

۱. تخصیص حرمت به زنان به جهت کثرت استعمال برای آنان است، گرچه حرمت استعمال زینت در مردان هم جاری است.

**دوم: طواف**

پس از احرام، اولین عملی که بر شخص واجب است طواف خانه خداست؛ و آن عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن، که هر دوری را یک شوط می‌گویند.

﴿مسئله ۱۹۳﴾ طواف از ارکان عمره مفرده است و اگر کسی آن را از روی عمد ترک کند، چه عالم به مسئله باشد و چه جاهل<sup>۱</sup>، عمره او باطل است.

﴿مسئله ۱۹۴﴾ اگر کسی سهواً طواف را ترک کند، عمره او باطل نیست، ولی لازم است هر وقت که یادش آمد، آن را به جا آورد، و اگر به وطن خود برگشته و رجوع به مکه برای او مقدور نیست یا برایش مشقت دارد، باید به شخص مورد اطمینانی نیابت دهد که از طرف او طواف را به جا آورد.

﴿مسئله ۱۹۵﴾ احتیاط واجب آن است که مُحْرِم، مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی در بین دورهای طواف آنقدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

﴿مسئله ۱۹۶﴾ اگر شخص محرم به واسطه بیماری، قدرت

۱. مراد جاهل مقصر است، و جاهل قاصر حکم کسی را دارد که طواف را فراموش کرده است.

نداشته باشد که خود طواف کند ولو به نحو سواره و تا آخر وقت نیز قدرت پیدا نکند، باید برای طوافش نایب بگیرد، کما اینکه اگر بعد از گذشتن از نصف نتواند بقیه را بیاورد می تواند برای آن نایب بگیرد، و اگر قبل از آن باشد برای همه اش نایب می گیرد، کما اینکه می تواند در صورت قبل هم برای از سرگرفتن نایب بگیرد، خلاصه بعضی از شوطها در این حکم مثل کل طواف است که با وقت پیدا نکردن برای انجام آن باید نایب بگیرد.

﴿مسئله ۱۹۷﴾ طواف کننده پیاده باشد یا سواره، یا روی تخت باشد، رعایت همه شرایط طواف برای او لازم است.

### شرایط طواف

در صحیح بودن طواف چند چیز شرط می باشد:

#### ۱. نیت

یعنی شخص باید طواف را با قصد قربت و برای اطاعت از خداوند به جا آورد و تردید در نیت، موجب بطلان عمل است. ﴿مسئله ۱۹۸﴾ در قصد قربت که شرط صحت طواف و سایر عبادات می باشد، فرق نمی کند که عمل را برای خدا به جا آورد و

یا برای رضا و خوشنودی او، یا برای اطاعت امر خدا، یا برای ترس و فرار از غضب خدا و اینکه او را به جهنم نبرد، یا برای اینکه خدا به او ثواب دهد و او را به بهشت ببرد، خلاصه آنکه به نحوی رابطه با خدا باشد کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۱۹۹﴾ لازم نیست نیت را به زبان بیاورد، بلکه همین که بنا داشته باشد این عمل را به جا آورد و انگیزه‌اش خدایی باشد کفایت می‌کند، گرچه به زبان آوردن نیت در اعمال، گفته شده که مستحب است.

﴿مسئله ۲۰۰﴾ در طواف لازم است نوع طواف گرچه به طور اجمال، معلوم باشد.

﴿مسئله ۲۰۱﴾ اگر کسی در به جا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره که عبادی است ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگران کشیدن باشد، عمل او باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است؛ اما ریا بعد از تمام کردن طواف یا اعمال دیگر، موجب بطلان عمل نمی‌شود.

﴿س ۲۰۲﴾ کسی که طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف مقداری حرکت می‌کند، سپس گمان می‌کند نیت طواف را باید به زبان بگوید لذا بر می‌گردد و نیت را با زبان می‌گوید و طواف را از

نو شروع می‌کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟  
ج- صحیح است.

## ۲. طهارت از حَدِّثِ اکبر<sup>۱</sup> و حَدِّثِ اصغر<sup>۲</sup>

﴿مسئله ۲۰۳﴾ طهارت از حَدِّثِ اکبر و اصغر در طواف واجب، شرط صِحَّت است، چه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نساء، حتّی در عمره مستحبّی، چون پس از احرام، اتمام آنها واجب می‌شود؛ و کسی که جُنُب یا حائض است، جایز نیست به مسجدالحرام وارد شود.

﴿مسئله ۲۰۴﴾ اگر شخصی که حَدِّثِ اکبر یا اصغر داشته، طواف واجب به‌جا آورد، طواف او باطل است، چه از روی عمد باشد، چه از روی غفلت یا نسیان یا به علّت ندانستن مسئله.

﴿مسئله ۲۰۵﴾ اگر شخصی غسل مَسِّ مِیّت به‌گردنش باشد و بعد از اعمال متذکّر شود، اگر بعد از مَسِّ مِیّت غسل جنابت انجام داده باشد، کفایت می‌کند و عملش صحیح است، و الاّ باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

۱. که موجب غسل است مثل جنابت، حیض و نفاس.

۲. یعنی با وضو باشد.

﴿مسئله ۲۰۶﴾ اگر در اثنای طواف حَدَثِ عَارِضِ شُود، پس اگر بعد از تجاوز از نصف بوده، شخص باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده، تمام کند؛ و اگر پیش از تمام شدن دور چهارم، و بعد از گذشتن از نصف، حدث عارض شود، احتیاطاً مستحب آن است که طواف را تمام کند و سپس اعاده کند، و این حکم در حَدَثِ اصْغَرِ است، و اگر قبل از گذشتن از نصف باشد، در این صورت طواف باطل است و باید پس از وضو آن را از سر بگیرد، خواه حدث به اختیار او خارج شود یا بدون اختیار، و در هر صورت اگر طواف را در تمام صور از سر بگیرد، مجزی است.

﴿مسئله ۲۰۷﴾ اگر در اثنای طواف، حَدَثِ اکبر، مثل جنابت یا حیض بر فرد عارض شود، باید فوراً از مسجد الحرام بیرون رود. پس، اگر پیش از نصف دور چهارم باشد، پس از غسل طواف را اعاده کند، و اگر بعد از نصف دور چهارم باشد، بعد از غسل، بقیه طواف را تمام کند و نیازی به اعاده نیست، هر چند احوط اعاده است و اگر طواف را از سر بگیرد، مجزی است.

﴿مسئله ۲۰۸﴾ اگر صاحب عادت و قتیّه و عددیّه که عددش مثلاً هفت روز است، در روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال

عمره را به جا آورد، ولی بعداً لک دید، اگر خون از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است و فرد باید طواف و نماز را اعاده کند.

﴿مسئله ۲۰۹﴾ زن می تواند برای پیشگیری از عادت ماهانه در ایام عمره از قرص استفاده نماید، و در صورت قطع حیض حکم پاک بودن طبیعی را دارد.

﴿مسئله ۲۱۰﴾ اگر زنی به علت خوردن قرص نظم عادت ماهانه اش به هم بخورد، به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می بیند، اگر خون سه روز استمرار داشته باشد، ولو به این صورت که تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض را دارد، وگرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

﴿مسئله ۲۱۱﴾ طواف و نماز طواف برای زن در مستحاضه کثیره، هر کدام مستقل است و برای هر یک، غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

﴿مسئله ۲۱۲﴾ به طور کلی همه زنها خونی را که بعد از پنجاه سال قمری تا هر زمان می بینند اگر اطمینان داشته باشند که خون حیض است، یعنی همه نشانه های آن را دارد محکوم به حیض

بودن است و اما با شك در این که آیا آن خون، خون حیض است یا نه؟ محکوم به استحاضه است و فرقی بین سیده و غیر سیده نیست.

﴿مسئله ۲۱۳﴾ اگر زنی در اثنای طواف، مستحاضه قلیله شود، دو صورت دارد.

صورت اول: اگر بعد از تمام شدن نصف شوط چهارم باشد، باید پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را تمام کند؛ صورت دوم: اگر قبل از نصف شوط چهارم باشد، بنا بر احتیاط مستحب، پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید، و در هر دو صورت، اگر طواف را از سر بگیرد، مجزی می‌باشد.

﴿س ۲۱۴﴾ زن مستحاضه‌ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، در اثنای طواف لک می‌بیند، وظیفه او چیست؟ ج- اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست و در غیر این صورت، حکم حَدَثِ جَدید را دارد.

﴿مسئله ۲۱۵﴾ اگر شخصی با وضو بوده و شك کند که حَدَثِ بر او عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم

نیست وضو بگیرد؛ همچنین اگر از حَدَث اکبر پاک بوده و شک کند که حَدَث بر او عارض شده یا نه، لازم نیست غسل کند، گرچه احتیاطاً وضو گرفتن و غسل مجدد نمودن اولی است تا اگر بعد معلوم شد که غسل و وضو نداشته، اعاده طواف بر او لازم نباشد. ﴿مسئله ۲۱۶﴾ اگر کسی بعد از تمام شدن طواف، شک کند که با وضو آن را به جا آورده یا نه، یا شک کند با غسل آن را به جا آورده یا نه، طواف او صحیح است، لیکن برای اعمال بعدی باید طهارت تحصیل کند.

﴿س ۲۱۷﴾ زنی به تصوّر اینکه پاک شده طواف انجام می دهد و در اثنای سعی متوجه می شود که هنوز پاک نشده، آیا سعی او نیز باطل است؟ اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

ج- در فرض اول، سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز و سعی را هم اعاده کند، گرچه احتیاط مستحب آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید، در فرض دوم، اعاده طواف و نماز نیز لازم است، و احتیاط مستحب در اعاده سعی می باشد.

﴿س ۲۱۸﴾ زنی که در ایام عادت، خون می بیند، بعد از پاک

شدن رطوبت زرد رنگی می‌بیند که شك دارد خون است یا نه و نمی‌داند تا ده روز ادامه دارد یا نه، تکلیف چیست؟

ج- اگر مطمئن است که قبل از ده روز خون قطع می‌شود، محکوم به حیض است و اگر مطمئن است که از ده روز تجاوز می‌کند، آنچه بعد از عادت می‌بیند محکوم به استحاضه است، و اگر در تجاوز از ده روز شك دارد، ایام مشکوک، ایام استظهار است که باید اعمال مستحاضه را به‌جا آورد و تروک حائض را هم انجام دهد.

﴿س ۲۱۹﴾ آیا ترشحات سفید رنگ در زنها پاک است؟ و آیا وضو و غسل را باطل می‌کند؟

ج- پاک است و وضو و غسل را هم باطل نمی‌کند.  
 ﴿س ۲۲۰﴾ زن حائض و نفساء بعد از پاک شدن از حیض یا نفاس باید برای طواف و نماز غسل کند، آیا وضو هم لازم است یا غسل از وضو کفایت می‌کند؟

ج- تمام اغسال واجبه و مستحبّه از وضو کفایت می‌کند و وضو لازم نیست.

﴿س ۲۲۱﴾ آیا برای مستحاضه کثیره جایز است که با یک

غسل هم نمازهای روزانه را به جا آورد و هم طواف و نماز آن را انجام دهد؟

ج - مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیّه، یک غسل برای طواف و یکی هم برای نماز آن انجام دهد و هر کدام از طواف و نماز مستقل هستند یعنی برای هر یک، غسل لازم است، مگر آنکه از زمان غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

### ۳. طهارت بدن و لباس از نجاست

﴿مسئله ۲۲۲﴾ بدن و لباس در طواف باید پاک باشد و در غیر این صورت طوافش باطل است.

﴿مسئله ۲۲۳﴾ احتیاط مستحب آن است که طواف کننده از نجاساتی که در نماز عفو شده، مثل خون کم تر از درهم و جامه‌ای که نمی‌توان با آن نماز خواند؛ مثل عرقچین و جوراب، حتی انگشتر نجس، اجتناب کند.

﴿مسئله ۲۲۴﴾ در خون قُروح و جُروح<sup>۱</sup> تا آن اندازه‌ای که می‌توان تطهیر کرد و لباس را عوض کرد، احتیاط واجب آن است

۱. زخمها، جراحتها، آبله، دمل و جوشهای چرکین.

که تطهیر کند یا جامه را عوض کند، و اگر تطهیر آن مشقّت داشته باشد، و تأخیر طواف هم میسر نیست طواف با آن مانعی ندارد و لازم نیست تطهیر کند؛ همچنین اگر طهارت بدن و لباس معلولین امکان تطهیر نداشت، لازم نیست تطهیر کند.

﴿مسئله ۲۲۵﴾ اگر شخص طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد، به نجاست در حال طواف، علم پیدا کند، در حالی که قبلاً آن را نمی دانسته، اظهر آن است که طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۲۲۶﴾ اگر نجاست بدن یا لباس را می دانست ولی فراموش کرد و پس از طواف یا در بین آن یادش بیاید، اعاده طواف خالی از قوت نیست.

﴿مسئله ۲۲۷﴾ اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس طواف کننده عارض شود، اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا که قطع کرده تمام کند، و طواف او صحیح است؛ و همچنین اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که الآن عارض شده است، همان حکم جاری است، گرچه در هر دو صورت اگر طواف را از سر بگیرد، مجزی است.

﴿مسئله ۲۲۸﴾ اگر کسی در بین طواف علم پیدا کند که نجاست

به بدن یا لباس او از اول بوده، احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همان جا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن، طواف را اعاده کند، گرچه اکتفا به اتمام، خالی از قوت نیست. خصوصاً اگر تطهیر زیاد طول بکشد و در هر صورت اگر طواف را از سر بگیرد، مجزی است.

﴿مسئله ۲۲۹﴾ اگر کسی شک داشته باشد که لباس یا بدنش نجس است، می تواند با آن طواف کند و صحیح است، چه بداند که قبل از این پاک بوده یا نداند؛ لیکن اگر بداند که قبلاً نجس بوده و نداند تطهیر کرده است یا نه، نمی تواند با آن بدن یا با آن لباس طواف کند، بلکه باید بدن و یا لباس را تطهیر کند و سپس طواف نماید.

#### ۴. ختنه کردن

﴿مسئله ۲۳۰﴾ مرد محرم و همچنین بچه های نابالغ (چه ممیز و چه غیر ممیز) در طواف واجب یا مستحب باید مختون (ختنه شده) باشد، و این شرط در زنها نیست؛ ولی اگر بچه ای ختنه کرده به دنیا بیاید، طواف او صحیح است.

﴿مسئله ۲۳۱﴾ شخصی که عمره بر او واجب گردیده، اما ختنه

کردن برای او ممکن نیست یا برایش خطر دارد، بنا بر احتیاط واجب، خودش طواف و نماز آن را به جا آورد و برای طواف نایب هم بگیرد و پس از طواف نایب، خودش نیز نماز طواف را به جا آورد، و در صورتی که طواف با هم انجام شود، خودش یک نماز بخواند، کفایت می‌کند.

#### ۵. پوشاندن عورت

﴿مسئله ۲۳۲﴾ اگر طواف کننده بدون پوشاندن عورت طواف کند، طواف او باطل است.

#### واجبات طواف

در طواف چند چیز واجب است، یعنی در حقیقت طواف معتبر است.

۱. طواف از حجرالاسود شروع و به حجرالاسود نیز ختم شود.

﴿مسئله ۲۳۳﴾ در شروع کردن طواف از حجرالاسود، لازم نیست که تمام اجزای بدن طواف کننده، از تمام اجزای حجرالاسود عبور کند، بلکه همان قدر که در عرف گفته شود که

از حجرالاسود شروع نموده و به حجرالاسود ختم کرده، کفایت می‌کند، لیکن همان طور که معمول است لازم است که در دور هفتم از حجرالاسود بگذرد و از مطاف خارج شود، و اگر قبل از گذشتن از حجرالاسود از مطاف خارج شود، طوافش صحیح نمی‌باشد و دور هفتم ناقص است.

﴿مسئله ۲۳۴﴾ در طواف باید همان طور که همهٔ مسلمین طواف می‌کنند از مقابل حجرالاسود طواف کنند، بدون دقتهای ناشی از وسوسه، که این موجب اشکال و گاهی هم حرام است.

﴿مسئله ۲۳۵﴾ بر مَحْرَم لازم نیست در هر شوط بایستد و قصد شوط بعدی نماید، بلکه اگر در همان اول طواف متوجه است که می‌خواهد هفت مرتبه به دور خانهٔ خدا بچرخد برای خداوند و در حال دور زدن متوجه است که طواف می‌کند، کفایت می‌کند و صحیح است.

﴿مسئله ۲۳۶﴾ اگر کسی بدون نیت، طواف را قبل از حجرالاسود شروع کند، ولی نیت طواف را از حجرالاسود بکند و دور هفتم را همان طور که معمول است از حجرالاسود بگذرد، طواف او صحیح است؛ اما اگر قبل از حجرالاسود نیت طواف از حجرالاسود را بنماید و به همان جا ختم کند، طواف او باطل است

چون دور هفتم ناقص شده، بنابراین، اگر مانند فرض سابق از حجرالاسود عبور کند طوافش صحیح است، خلاصه در نیت طواف باید با نیت و با انگیزه طواف قربه‌الی‌الله از حجرالاسود شروع کند و در دور هفتم از آن بگذرد تا هفت شوط کامل شده باشد.

## ۲. در تمام اشواط، خانه‌کعبه در طرف چپ طواف‌کننده واقع شود.

﴿مسئله ۲۳۷﴾ طواف کردن باید به نحو متعارف باشد یعنی نباید از حجرالاسود که شروع می‌کند به طرف رکن یمانی دور بزند، بلکه باید از حجرالاسود شروع کند و به طرف رکن عراقی و بعد رکن شامی و بعد رکن یمانی برود و دور بزند، و زیادتراً آن لازم نیست، بلکه اگر موقع دور زدن مثلاً رو به کعبه هم باشد اشکال ندارد، و در روایت وارد شده که پیامبر اسلام ﷺ سواره با شتر طواف نموده‌اند و در این حال قهراً شانه از خانه‌کعبه منحرف می‌شود.<sup>۱</sup>

﴿مسئله ۲۳۸﴾ واجب نیست در حال طواف روی طواف‌کننده

۱. الفقیه ۲: ۲۵۱؛ وسائل‌الشیعة ۱۳: ۴۱۷، أبواب السعی، ب ۱۶، ح ۶.

به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به سمت راست یا چپ نگاه کند و یا صورت خود را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند، کما اینکه می‌تواند روبه‌روی کعبه شود و دور بزند، همچنین می‌تواند طواف را رها کند و کعبه را ببوسد و برگردد از همان‌جا طوافش را ادامه دهد، آری نباید عمداً پشت به کعبه طواف نماید.

﴿مسئله ۲۳۹﴾ اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان و کثرت جمعیت یا عمداً روی طواف کننده به کعبه واقع شود و یا عقب عقب طواف کند یا پشتش بدون قصد و یا بدون صدق اهانت به کعبه واقع شود، طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۲۴۰﴾ طواف به نحو متعارف هرچند در ازدحام جمعیت باشد صحیح است، و فشارها و حرکت‌های حاصل از ازدحام جمعیت در بعضی از مواقع مانع صدق عرفی نیست و مضر به طواف نمی‌باشد.

﴿مسئله ۲۴۱﴾ در طواف کردن، شخص هر طور حرکت کند مانعی ندارد، می‌تواند آهسته یا تند برود یا بدود و می‌تواند سواره طواف کند، لیکن بهتر است که به نحو متعارف طواف کند و دیگران را در طواف کردن اذیت نکند.

### ۳. داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام در طواف

﴿مسئله ۲۴۲﴾ حجر اسماعیل علیه السلام محلی است متصل به خانه کعبه، و محل دفن حضرت اسماعیل علیه السلام و مادر او و جمعی از انبیا علیهم السلام است که در طواف باید دور خانه کعبه و حجر اسماعیل علیه السلام بگردد نه داخل حجر اسماعیل علیه السلام.

﴿مسئله ۲۴۳﴾ اگر شخص در حین طواف داخل حجر اسماعیل علیه السلام شود، طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر عمداً این کار را بکند، حکم ابطال و یا ترک عمدی طواف را دارد که حکمش گذشت، و اگر سهواً این کار را بکند، حکم ابطال سهوی را دارد.

﴿مسئله ۲۴۴﴾ اگر کسی در بعضی از دورها، حجر اسماعیل علیه السلام را داخل در دور زدن نکرد، احتیاط واجب آن است که فقط آن دور را از سر بگیرد و اعاده طواف لازم نیست. گرچه اگر طواف را از سر بگیرد، مانعی ندارد بلکه راحت تر است.

﴿مسئله ۲۴۵﴾ اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام حرکت کند، احتیاط آن است که آن دور را از سر بگیرد و در این فرض نیز، به احتیاط مستحب تمام کردن آن دور طواف از آنجایی که از روی دیوار رفته است، نیز کفایت

نمی‌کند، گرچه در هر صورت از سرگرفتن و استیناف طواف راحت‌تر است.

﴿مسئله ۲۴۶﴾ دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام در حال طواف، جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

#### ۴. طواف بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام

﴿مسئله ۲۴۷﴾ به نظر این جانب طواف باید دور کعبه و در مسجدالحرام باشد و لازم نیست که بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام باشد، پس حدّ طواف مسجدالحرام است، هر چند پشت مقام باشد.

#### ۵. بیرون بودن از خانه کعبه و آنچه از آن محسوب می‌شود.

﴿مسئله ۲۴۸﴾ در اطراف دیوار خانه خدا یک برآمدگی است که آن را «شاذروان» گویند، و جزء خانه کعبه است، و طواف‌کننده باید آن را هم داخل طواف قرار دهد، ولی اگر کسی به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن از بالای شاذروان برود و دور بزند، آن مقدار که دور زده باطل است، و باید آن را اعاده کند، و راحت‌تر

این است که طواف را از سر بگیرد و طواف از سر گرفته شده کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۲۴۹﴾ دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که شاذروان است، جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند، گرچه احتیاط مستحب ترک این عمل است.

#### ۶. طواف باید هفت شوط کامل باشد.

﴿مسئله ۲۵۰﴾ طواف باید هفت شوط کامل باشد، نه کم‌تر و نه زیادتر، و اگر از اول طواف کننده عمداً قصد کند کم‌تر از هفت دور یا بیشتر طواف کند، طوافش باطل است، اگرچه به هفت دور تمام کند؛ و در صورت ندانستن مسأله و همچنین در صورت سهو و غفلت چنانچه به هفت دور تمام کند، اعاده طواف لازم نیست مگر در جاهل مقصر که بنا بر احتیاط واجب اعاده نماید.

﴿مسئله ۲۵۱﴾ اگر کسی در اثنای طواف، از قصد هفت شوط برگردد و نیت کند طواف را کم‌تر یا بیشتر از هفت شوط انجام دهد، هر چه را با این نیت به جا آورده، باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر با این قصد زیادتر طواف کند، اصل طواف او باطل می‌شود.

﴿مسئله ۲۵۲﴾ اگر کسی از اول قصد کند که هشت دور طواف به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت شوط آن طواف واجب باشد و یک شوط، قدم زدن دور خانه خدا برای تبرک یا تماشا یا پیدا کردن کسی و یا به قصد دیگر باشد، طواف او صحیح است.

﴿مسئله ۲۵۳﴾ اگر فردی گمان کند که یک دور طواف نیز مستحب است، همان طور که هفت دور مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را به جا بیاورد و یک دور مستحب هم دنبال آن طواف انجام دهد، طواف او صحیح است.

﴿مسئله ۲۵۴﴾ اگر شخصی عمدتاً از طواف واجب، کم کند، چه یک دور یا کم تر یا بیشتر از یک دور، واجب است آن را اتمام کند، و این در صورتی است که موالات فوت نشده باشد، ولی در صورت فوت موالات، حکمش حکم قطع طواف است که بیان می شود، و اگر اتمام نکند، حکمش حکم کسی را دارد که طواف را عمدتاً ترک کرده، به احتیاط واجب، ولی به هر حال اگر طواف را از سر بگیرد، راحت تر و طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۲۵۵﴾ اگر شخصی طواف را سهواً کم کند پس اگر از نصف طواف تجاوز نکرده باشد، طواف را اعاده نماید، لیکن در همه موارد سهو، احتیاط به تمام کردن طواف ناقص و اعاده

طواف می‌باشد و راحت‌تر آنکه طواف را از سر بگیرد و طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۲۵۶﴾ اگر شخصی جهلاً بیش از هفت شوط طواف کند و بقیه اعمال بعد از آن را انجام دهد، اگر از اول قصد بیش از هفت شوط داشته، طواف و نمازش صحیح نیست و باید آنها را اعاده کند، و ظاهراً اعاده بقیه اعمال، لازم نیست.

﴿مسئله ۲۵۷﴾ اگر شخصی بعد از مراجعت به وطن، متوجه شود که طواف او ناقص بوده، باید در صورت امکان خودش برگردد و طواف را دوباره به جا آورد، و در صورت مشقت و حرج، نایب بگیرد.

﴿مسئله ۲۵۸﴾ در طواف واجب، قرآن جایز نیست، یعنی جایز نیست طواف واجب را که تمام کرد، بدون اینکه نماز طواف را بخواند و بدون فاصله، یک طواف دیگر به جا آورد، و اگر از اول طواف یا در اثنای طواف اول قصد قرآن داشته، احتیاط در اعاده طواف است؛ همچنین اگر بعد از تمام شدن طواف اول، قصد قرآن کند، بنا بر احتیاط طواف را اعاده کند.

﴿مسئله ۲۵۹﴾ در طواف مستحبی، قرآن بین آنها، مانعی ندارد، پس جایز است چند طواف مستحبی به دنبال هم به جا آورد و بعد

نمازهای آنها را بخواند هر چند بنا بر مشهور کراهت دارد .  
 ﴿مسئله ۲۶۰﴾ اگر دوری را بر طواف واجب زیاد کند و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف قرار دهد، داخل در قرآن میان دو طواف است که حرام است.

﴿مسئله ۲۶۱﴾ اگر شخصی سهواً طواف زیادی بر هفت دور به جا آورد، پس اگر زیاده کم تر از یک دور است، اگر آن را قطع کند، طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا بیشتر باشد، احوط آن است که به هفت دور تمام کند، به قصد قربت مطلقه بدون تعیین مستحب یا واجب، بعد دو رکعت نماز طواف به قصد طواف واجب قبل از سعی به جا آورد و دو رکعت دیگر بعد از سعی به جا آورد، و آسان تر آن است که طواف را از سر بگیرد و بعد نمازش را به جا آورد.

﴿س ۲۶۲﴾ شخصی در عمره مفرده طواف را تمام کرده است ولی می گوید دلچسب نبود، لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول به جا می آورد و نماز و سعی به جا می آورد و تقصیر می کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج- طوافی را که از سرگرفته مجزی و عمل او صحیح است.

### احکام قطع طواف

﴿مسئله ۲۶۳﴾ قطع کردن طواف مستحبی، هر چند بدون عذر باشد، جایز است، اما در طواف واجب، احتیاط واجب در عدم قطع بدون عذر می‌باشد، ولی اگر قطع نمود و طواف را از سرگرفت، مجزی است.

﴿مسئله ۲۶۴﴾ اگر شخصی به هر حال در اثنای طواف آن را قطع کرد و از اول شروع نمود، آن طوافی را که از سرگرفته، کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۲۶۵﴾ اگر شخصی بدون عذر طواف را قطع کند، احوط آن است که اگر بعد از نصف شوط چهارم باشد، طواف را تمام کند و بعد آن را اعاده نماید، هر چند می‌توان به اتمام هم اکتفا نمود، و این در صورت انجام عمل منافی طواف مثل فصل طویل است، اما در صورت عدم اتیان منافی، اگر برگردد و طوافش را تمام کند، طوافش صحیح است، و در هر صورت از سرگرفتن طواف صحیح می‌باشد.

﴿مسئله ۲۶۶﴾ اگر در بین طواف عذری برای اتمام پیدا شود، «مثل بیماری یا حیض یا حدث بی‌اختیار»، پس اگر بعد از تمام شدن نصف شوط چهارم باشد، فرد بعد از رفع عذر برگردد و از

همان جا طوافش را تمام کند، و اگر قبل از نصف شوط چهارم باشد، طواف را اعاده کند، و احتیاط مستحب در فرض اول در غیر حیض و حَدَث، آن است که اتمام کند و اعاده نماید، هر چند اگر طواف را از سرگرفت، صحیح و مجزی می باشد.

﴿مسئله ۲۶۷﴾ اگر شخصی با عذری مثل بیماری، «نه حَدَث»، طواف را قطع کرد و نتوانست طواف را به جا آورد تا آنکه وقت تنگ شد، اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف را مجدداً انجام دهد، و اگر ممکن نیست، برای او نایب بگیرند تا برایش مجدداً طواف نماید.

﴿مسئله ۲۶۸﴾ اگر شخصی مشغول طواف باشد و وقت نماز واجب او تنگ شود، واجب است طواف را رها کند و نمازش را بخواند. پس اگر بعد از نصف شوط چهارم، طواف را رها کرده، در این صورت طواف را از همان جا تمام کند، و اگر تمام نکرد و طواف را از سرگرفت، ظاهراً مجزی است و طوافش صحیح است؛ و اگر قبل از نصف شوط چهارم باشد، بنا بر احتیاط بعد از اتمام، طواف را اعاده کند، گرچه طواف از سرگرفته شده نیز مجزی می باشد.

﴿مسئله ۲۶۹﴾ جایز است، بلکه مستحب است شخص، طواف

را برای رسیدن به نماز جماعت قطع کند، هر چند جماعت عامّه و غیرشیعیه باشد، یا قطع طواف برای رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب باشد، و از هر جا قطع کرد، از همان جا بعد از نماز اتمام کند، گرچه رها کردن و از سرگرفتن آسان تر است.

### احکام شکّ در طواف

﴿مسئله ۲۷۰﴾ اگر شخصی بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن، شک کند که آیا طواف را زیادتر از هفت دور به جا آورده، یا شک کند کم تر به جا آورده، به شکّ خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لیکن در صورت دوم، احتیاط در استیناف و از سر گرفتن است.

﴿مسئله ۲۷۱﴾ اگر بعد از طواف شک کند که طواف را صحیح به جا آورده یا نه، در صورتی که ایتیان هفت دور معلوم باشد، مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا مُحدّث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده، اعتنا نکند و طوافش صحیح است، گرچه در محلّ طواف باشد و از آنجا منصرف نشده باشد یا به کارهای دیگر مشغول نشده باشد.

﴿س ۲۷۲﴾ اگر شخصی در اثنای طواف در صحت شوط سابق

یا جزئی از شوطی که بدان مشغول است و محل آن گذشته، شک بکند، چه حکمی دارد؟

ج - طواف او صحیح است.

﴿مسئله ۲۷۳﴾ اگر شخصی در آخر دور که به حجر الاسود ختم شد، شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا بیشتر، به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است، و اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور، شک کند که دوری که در آن قرار دارد، دور هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است.

﴿مسئله ۲۷۴﴾ اگر شخصی در آخر طواف یا در اثنای آن میان شش دور و هفت دور و هر چه پای نقیصه در کار است، شک کند، طواف او باطل است، اما شک در طواف مستحبی بنا را بر کم تر بگذارد و طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۲۷۵﴾ شخص کثیرالشک در عدد دورها به شکش اعتنا نکند؛ و معیار در کثیرالشک، عرفی است و ظن در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

﴿س ۲۷۶﴾ اگر در حال طواف شک کند که شوط چندم است و با همین حال طواف را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد

صحیح است؟

ج- احتیاط واجب در اعاده طواف است و صحت آن محل اشکال است، چون مانعیت شک بما هو هو، وجود دارد، که در روایت ابی بصیر، اعاده و استیناف با شک در طواف تعلیل شده است، به قوله «حتی یحفظ».<sup>۱</sup>

### مسائل متفرقة طواف

﴿مسئله ۲۷۷﴾ در حال طواف، قرارگرفتن پا روی لباس احرام دیگران که موجب اذیت و عدم رضایت آنها شود، به طواف ضرر نمی‌زند؛ همچنین است روی وسایلی که از حجاج در حال طواف کردن می‌افتند، مثل ساعت و لباس احرام و غیره.

﴿مسئله ۲۷۸﴾ اگر شخصی مشغول سعی بین صفا و مروه شد و یادش آمد که طواف را به جا نیاورده یا طوافش باطل بوده است، باید سعی را رها کند و طواف و نماز را به جا آورد و پس از آن، سعی را از سر بگیرد. و اگر شخص در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص به جا آورده باید برگردد و طواف را از همان جا که ناقص به جا آورده تکمیل کند و یا از سر بگیرد و سپس برگردد

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۳۶۲، أبواب الطواف، باب ۳۳، ح ۱۱.

و تَمَّمَهُ سَعَى رَا بَه جَا آوَرَد.

﴿مسئله ۲۷۹﴾ اگر شخصی بیمار یا طفلی را به دوش گرفت تا طوافش دهد، می‌تواند برای خودش نیز قصد طواف کند و طواف هر دو صحیح است.

﴿مسئله ۲۸۰﴾ برای شخص جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند و بعد از همان‌جا طوافش را ادامه دهد و اتمام کند، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد؛ و اگر مقدار زیادی نشست، احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید، گرچه اقوی از سرگرفتن کفایت می‌کند، ولی اگر بعد از نصف دور چهارم باشد، می‌تواند به اتمام همان طواف اکتفا کند، گرچه از سرگرفتن در هر صورت راحت‌تر است.

﴿س ۲۸۱﴾ اگر طواف به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر کرده و لباس پوشیده باشد و بعد متوجه شود که عملش باطل بوده، وظیفه او چیست و آیا کفاره دارد یا نه؟  
ج- باید عمل باطل شده را جبران کند، و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد.

﴿س ۲۸۲﴾ زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که

شوط ششم زن بوده است، زن به جای اینکه یک شوط دیگر به جا بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفته، طواف اول و دوم زن چگونه است؟

ج- همان طوافی که از سر گرفته کفایت می کند.

﴿س ۲۸۳﴾ شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف، رجائاً برای جبران نقص احتمالی به جا می آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می رساند؟

ج- آوردن مطلوب نیست چون منجر به وسوسه می شود، لیکن خللی به طواف قبلی نمی زند.

﴿س ۲۸۴﴾ آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود، لازم است شخص با لباس احرام باشد؟

ج- لازم نیست.

﴿س ۲۸۵﴾ شخصی طواف خود را به هم می زند و طواف دوم را شروع می کند، آن را نیز به هم می زند و طواف سوم را آغاز کرده به اتمام می رساند، وظیفه او چیست؟

ج- طوافی را که از سر گرفته و تمام کرده، صحیح است.

﴿س ۲۸۶﴾ طواف نمودن در طبقه دوم و سوم، چه حکمی

دارد؟

ج- ظاهراً طواف در طبقه فوقانی مسجدالحرام که طواف فضا و هوای متعلق به بیت باشد، همانند طواف در طبقه پائینی و صحن مسجدالحرام مجزی و صحیح می‌باشد. چون اسامی و نامهایی همانند مسجد و بیت و مدرسه و رباط، اسامی و اعلامی برای مجموعه‌ای از ساختمان و فضا و هوای متعلق به آنهاست و محکوم به احکام آنها می‌باشند. بناءً علی هذا، فضای محاذی با بیت‌الله‌الحرام و البیت‌العتیق همانند دیوارها و جدارها و ارکان آن، جزء بیت‌الله است و همان گونه که طواف به دور آنها طواف بیت‌الله است، پس طواف فضای متعلق به بیت‌الله در بالا هم طواف بیت‌الله و مجزی است، و ادعای اینکه بیت‌الله و یا غیر آن از اسامی و اعلام همانندش مثل مسجد و مدرسه نام ساختمان و بنا است، نه اعم از آن و فضای محاذی متعلق به آنها، ظاهراً ناتمام می‌باشد که سیدنا الاستاذ الامام الخمینی «سلام‌الله‌علیه» مفصلاً از آن در اصول<sup>۱</sup> بحث نموده و همان معنای اعم و قدر جامع را پذیرا شده که مطابق با

۱. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۵۶ (بحث صحیح و اعم، امر رابع).

تحقیق می‌باشد و بنا بر این مبنا است که تمام احکام مسجد الحرام و مسجد النبی بر آن دو مسجد فعلی با همه توسعه آنها جاری می‌باشد؛ و ناگفته نماند که این نظریه یعنی وضع اسامی بر قدر جامع و اعم که در اول پاسخ به آن اشاره شده به نظر فقیه بزرگوار کاشف الغطاء<sup>۱</sup> تأیید می‌شود که آن فقیه کم نظیر - اگر نگوییم بی نظیر - در کشف الغطاء خود در بحث مواقیت فرموده: «الاول: فی ان المواقیت بأسرها عبارة عما يتساوى الاسماء من تخوم الارض الى عنان السماء فلو احرم من بئر او سطح فيها - راكباً او ماشياً او مضطجعاً و فی جميع الاحوال - فلا باس به»<sup>۱</sup> و به نظر می‌رسد که اگر آن فقیه بزرگوار راجع به طواف هم بحث نموده و متعرض آن شده بود، قطعاً طواف در طبقات فوقانی را نیز مجزی می‌دانست.

﴿س ۲۸۷﴾ در حال طواف، آیا صحبت کردن با رفیق یا خوردن و آشامیدن اشکال دارد یا خیر؟  
ج - به طواف ضرر نمی‌رساند، ولی بهتر آن است که

۱. کشف الغطاء، مواقیت الاحرام، المقام الثانی فی احکامها، ص ۵۴۹.

انسان به ذکر و دعا مشغول باشد و از این فرصت نهایت استفاده را بنماید.

﴿س ۲۸۸﴾ در حال طواف، خواندن قرآن چه صورتی دارد؟  
ج- مانعی ندارد.

﴿س ۲۸۹﴾ اشخاصی که قدرت بر طواف ندارند، آیا نایب بگیرند یا خودشان با ویلچر طواف داده شوند؟  
ج- باید خودشان با ویلچر طواف نمایند.

﴿مسئله ۲۹۰﴾ اگر در حین طواف، مأموران نظافت مسجدالحرام دست به دست هم دادند و همان طور حلقه را توسعه دادند تا اینکه عده‌ای از مطاف خاص (بین خانه خدا و مقام ابراهیم علیه السلام) خارج شدند، و بیرون از مطاف طواف نمودند، در این صورت، طواف آنها صحیح است؛ و اگر مدّتی طول کشید و خیال کردند موالات عرفیه به هم خورده و طواف را از سر گرفتند، طوافشان صحیح است. به هر حال از سرگرفتن طواف، مجزی است.

﴿مسئله ۲۹۱﴾ اگر کسی در اثنای طواف مُحدث شود و خجالت بکشد خود را تطهیر کند و با این حالت

تمام اعمال عمره را انجام دهد، اگر با اعتقاد به صحّت، اعمال را تمام کرده باشد، عمره‌اش صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و اگر خودش نمی‌تواند، باید نایب بگیرد.

﴿مسئله ۲۹۲﴾ اگر شخصی در طواف شك کند که لباس احرام او نجس شده ولی اعتنا نکند، بعد از طواف یقین کند که در همان حال طواف نجس بوده، ولی در حال طواف به نجس بودن لباسش شك داشته، در این صورت از احرام خارج شده و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند.

﴿مسئله ۲۹۳﴾ اگر مقداری از موهای سرزن یا جاهای دیگر بدن او عمداً ظاهر باشد، و با علم به اینکه پوشاندنش در طواف واجب است، به همان کیفیت طواف کند، طواف او صحیح نیست. آری، اگر از راه جهل به موضوع یا مسئله باشد، موجب بطلان نبوده و طوافش صحیح است.

#### آداب و مستحبات طواف

۱. شخص پیاده و با پای برهنه طواف کند.
۲. قدمها را کوتاه بردارد و با آرامش طواف کند.

۳. در حال طواف، به ذکر خدا و دعا یا خواندن قرآن مشغول

باشد.

۴. به گناهان خود اقرار و از گناهان خود طلب آمرزش کند.

۵. در مقابل هر یک از ارکان کعبه، دو رکعت نماز بگذارد.

۶. حجرالاسود را استلام کند و در صورت امکان آن را تقبیل

کند، و در صورت ازدحام جمعیت، به حجرالاسود اشاره کند و

تکبیر بگوید.

۷. نزدیک به خانه خدا طواف کند.

۸. به عدد ایام سال طواف کند، و اگر این مقدار ممکن نشد،

پنجاه و دو مرتبه، و اگر آن هم میسر نشد، هر مقداری که

می تواند از طرف خود یا دیگران طواف کند.

۹. از هر عمل لغو و کاری که او را از یاد خدا باز می دارد،

بپرهیزد.

۱۰. به خانه خدا زیاد نگاه کند، زیرا در روایت آمده

که نگاه کردن به کعبه عبادت است. در روایت دیگر

آمده است که خداوند متعال دور کعبه صد و بیست رحمت

قرارداده است، شصت رحمت آن برای طواف کنندگان،

چهل رحمت برای نمازگزاران و بیست رحمت آن برای ناظران

به خانه خداست.<sup>۱</sup>

۱۱. خواندن ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام و آن ادعیه چنین

است:

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْلِ السَّمَاءِ  
كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ  
لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ  
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ  
فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالتَّيْتُ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي  
غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا  
تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».<sup>۲</sup>

و به جای کذا و کذا، حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ  
لَا تُبَدِّلْ اسْمِي».<sup>۳</sup>

۱. الکافی ۴: ۲۴۰، ح ۲.

۲. الکافی ۴: ۴۰۶، ح ۱.

۳. الکافی ۴: ۴۰۶، ح ۱.

و بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ صلوات بفرستد؛  
 بخصوص وقتی که به مقابل درِ خانه کعبه می‌رسد؛ این دعا را  
 بخواند:

«سَأَلْتُكَ فَفَقِيرُكَ مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ  
 بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ  
 وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي  
 وَالِدَيَّْ وَأَهْلِيَّ وَوَلَدِيَّ وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ  
 يَا كَرِيمُ»<sup>۱</sup>

و وقتی که به حجر اسماعیل ﷺ رسید، رو به ناودان کرده، سر  
 را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعَافِنِي مِنَ  
 السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَذْرَاعِنِّي شَرَّ فَسَقَةِ  
 الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و وقتی که از حجر اسماعیل ﷺ گذشت و به پشت کعبه رسید،  
 بگوید:

«يَا ذَا الْمَمْنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ  
 عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلُهُ مِنِّي أَنْتَ أَنْتَ

۱. الفقيه ۲: ۳۱۶.

## السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و وقتی به رکن یمانی رسید، دست به دعا بردارد و بگوید:  
 «يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ  
 وَ الْمُتَمَنِّمَ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَتَمَنِّ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلَ  
 بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ  
 وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارزُقْنَا الْعَافِيَةَ  
 وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۱</sup>.

سپس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ  
 مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنَّةُ  
 شِرَارِ خَلْقِكَ».

و در بین رکن یمانی و حجرالاسود بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ  
 النَّارِ».

و در شوط هفتم، وقتی که به مستجار رسید، مستحب است دو  
 دست خود را رو به دیوار کعبه بگشاید و شکم و روی خود را به

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۳۵، أبواب الطواف، ب ۲۰، ح ۷.

دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْمَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنْ

النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نماید و از خداوند عالم آمرزش

بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي

ضَعِيفٌ فَضَاعَفُهُ لِي وَاعْفُرْ لِي مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ

عَلَيَّ خَلْقَكَ اسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ»<sup>۱</sup>.

و آنچه می خواهد دعا کند.

رکن یمانی را استلام کند و خود را به حجرالاسود برساند، و

طواف خود را تمام نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَتَّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِي مَا آتَيْتَنِي»<sup>۲</sup>.

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه

کعبه و حجرالاسود را استلام نماید و یا به آن اشاره نماید و در

وقت استلام آن بگوید:

«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

۱. الفقیه ۲: ۳۱۷.

۲. الفقیه ۲: ۳۱۷.

### مکروهات طواف

۱. تکلم به غیر از ذکر خداوند و از یاد خدا غافل شدن.
۲. خندیدن و با حالت تکبر راه رفتن.
۳. خوردن و آشامیدن.
۴. شعر خواندن.

**سوم: نماز طواف**

﴿مسئله ۲۹۴﴾ یکی دیگر از واجبات عمره مفرده نماز طواف است، بنابراین بر محرم واجب است پس از انجام طواف دو رکعت نماز به نیت نماز طواف مثل نماز صبح بخواند.

﴿مسئله ۲۹۵﴾ محرم می تواند نماز طواف را با هر سوره ای که می خواهد بخواند، جز سوره هایی که در آنها سجده واجب است؛<sup>۱</sup> ولی مستحب است در رکعت اول، بعد از «حمد» سوره «توحید» را بخواند، و در رکعت دوم، سوره جحد ﴿قل یا ایها الکافرون﴾ را بخواند.

﴿مسئله ۲۹۶﴾ نمازگزار قرائت نماز طواف را می تواند آهسته بخواند و می تواند بلند بخواند.

﴿مسئله ۲۹۷﴾ بر هر مکلف، واجب است نماز خود و شرایط و واجبات و قرائت و ذکرهای واجب آن را به طور صحیح یاد بگیرد، مخصوصاً کسی که می خواهد به حج یا عمره مفرده برود؛ و اگر کوتاهی کند و نماز خود را تصحیح نکند، بعضی گفته اند که عمره و حج او باطل است و قهراً در حلال شدن زن و سایر

۱. سوره های سجده دار عبارت اند از: ۱ - سجده، ۲ - فصلت، ۳ - نجم، ۴ - علق.

محرمات احرام با اشکال مواجه می‌شود.

﴿مسئله ۲۹۸﴾ اگر شخصی نتوانست قرائت یا اذکار واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به‌جا آورد، و همان کفایت می‌کند، لیکن اگر بخواهد احتیاط کند، علاوه بر خواندن خودش که مجزی است، نایب هم بگیرد.

﴿مسئله ۲۹۹﴾ نماز طواف را باید فوراً و بدون تأخیر پس از طواف بخواند و بین طواف و نمازش فاصله نیندازد و میزان، مبادرت عرفیه است، و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

﴿مسئله ۳۰۰﴾ نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام به‌جا آورد، به نحوی که مقام در جلوی شخص قرار گیرد (نه محاذی سمت راست یا چپ آن) و پشت مقام، حدّ معینی ندارد، و میزان در پشت مقام بودن صدق عرفی است، ولی هرچه نزدیکتر باشد، بهتر و احوط است.

﴿مسئله ۳۰۱﴾ آنچه در نماز طواف واجب شرط است، در مسجدالحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی در جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر نباشد) بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجدالحرام که پشت مقام می‌باشد، صحیح و

مجزی است.

﴿مسئله ۳۰۲﴾ اگر کسی نماز طواف واجب را در غیر مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و سایر اعمال را با اعتقاد به صحّت آن انجام دهد، در این صورت فقط نماز را اعاده کند.

﴿مسئله ۳۰۳﴾ اگر کسی نماز طواف عمره را داخل حجر اسماعیل علیه السلام به جا آورد و بعد از تقصیر متوجه شود، باید نماز طواف را پشت مقام ابراهیم علیه السلام اعاده کند.

﴿مسئله ۳۰۴﴾ نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام که بخواهد می تواند به جا آورد، اگرچه در حال اختیار باشد.

﴿مسئله ۳۰۵﴾ جایز است برای مرد و زن که در مسجدالحرام در حال نماز کنار و محاذی یکدیگر بایستند، چون مسجدالحرام محلّ کثرت جمعیت و رفت و آمد فراوان می باشد، همچنان که جلو بودن زن بر مرد نیز جایز است، خواه نماز واجب باشد یا مستحب، نماز طواف باشد یا غیر آن.

﴿س ۳۰۶﴾ نماز طواف معذورین که در طبقه فوقانی طواف خود را انجام داده اند و برای نماز نمی گذارند با ویلچر وارد صحن مسجدالحرام شوند و نمی توانند بدون ویلچر یا وسیله

دیگر در صحن مسجدالحرام نماز خود را بخوانند، چه حکمی دارد؟

ج - به طور کلی آنچه در نماز طواف واجب شرط است، در مسجدالحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی در جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر نباشد)، بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجدالحرام در صورتی که پشت مقام باشد، صحیح و مجزی است.

﴿مسئله ۳۰۷﴾ شكّ در رکعات نماز طواف، موجب بطلان نماز طواف کننده است و باید آن را اعاده کند، و بعید نیست اعتبار ظنّ در رکعات؛ و اگر در افعال یا اقوال شك کرد، اگر محلّ آن نگذشته آن را به جا آورد، و اگر محلّ آن گذشته، به آن اعتنا نکند.

﴿مسئله ۳۰۸﴾ اگر کسی نماز طواف عمره را فراموش کند، باید هر وقت که یادش آمد، آن را در پشت مقام به جا آورد، و اگر در اثنای سعی صفا و مروه یادش آمد، از همان جا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز طواف را پشت مقام بخواند، بعد از آن سعی را از همان جا که قطع نموده، تمام کند.

﴿مسئله ۳۰۹﴾ شخصی که نماز طواف را فراموش کرده و به سایر اعمالی که بعد از نماز باید به جا آورد عمل کرده باشد، اعاده

آنها ظاهراً لازم نیست، اگرچه احتیاط استجابی در اعاده است؛ و اگر در اثر ندانستن مسئله نماز طواف را نخوانده باشد، حکم فراموشی نماز را دارد.

﴿مسئله ۳۱۰﴾ اگر کسی نماز طواف عمره را فراموش کند و بعد از اعمال یادش بیاید پس اگر در مکه است، باید نماز را پشت مقام به جا آورد، و اگر از مکه خارج شده و برگشتن به مسجدالحرام برایش مشکل باشد، باید هر جا که یادش آمد، آن را به جا آورد، اگرچه در شهر دیگر باشد.

﴿مسئله ۳۱۱﴾ لباس ساتر نمازگزار، باید مباح باشد، و اگر شخصی با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده، لباس ساتر بخرد، نماز خواندن او در آن لباس باطل است؛ و همچنین است اگر به ذمه بخرد و در موقع معامله، قصدش این باشد که از پولی که خمس یا زکاتش را نداده، بپردازد.<sup>۱</sup>

﴿مسئله ۳۱۲﴾ اگر کسی که مشغول نماز طواف است او را حرکت دهند، به طوری که استقرار و آرامش او از بین برود، در این صورت بنا بر احتیاط واجب بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را

۱. رساله توضیح المسائل، حضرت آیه الله العظمی صانعی (چاپ چهل و سوم)، ص ۱۳۶.

که در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.

﴿س ۳۱۳﴾ آیا محمول نجس و متنجس در نماز طواف معفو

است یا نه؟

ج- نماز طواف حکم نمازهای یومیّه را دارد، بنابراین،

محمول متنجس چه ساتر باشد چه غیر ساتر، در حال

نماز معفو است.

﴿مسئله ۳۱۴﴾ اگر زنی بعد از طواف و قبل از نماز طواف

حائض شود، اگر وقت وسیع است، صبر کند تا پاک شود و نماز را

بخواند و بعد بقیه اعمال را انجام دهد؛ و اگر وقت تنگ باشد،

سعی و تقصیر عمره را خودش انجام دهد و برای نماز طواف

نایب بگیرد، و باید نایب نماز را قبل از سعی و تقصیر منوب عنها

به جا آورد تا ترتیب بین اعمال رعایت شود.

### آداب و مستحبات نماز طواف

۱. مستحب است بعد از نماز طواف، حمد و ثنای خداوند را

به جا آورد و بر پیامبر اکرم ﷺ و خاندانش ﺍﻟﺒﯿﺖ ﺍﻟﻤﻮﺗﻪ ﺍﻟﻤﻮﺗﻪ ﺍﻟﻤﻮﺗﻪ ﺍﻟﻤﻮﺗﻪ ﺍﻟﻤﻮﺗﻪ صلوات بفرستد.

۲. از خداوند عالم تقاضای استجاب دعا کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ

بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَانِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ  
وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَ  
طَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي».

و در روایت<sup>۱</sup> دیگری آمده است که بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ  
آلِهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ جَنِّبِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ  
يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

۳. در بعضی روایات<sup>۲</sup> است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز

طواف به سجده رفته، چنین می‌گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَ رِقًا لِإِلَهِ الْآلَاءِ أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ  
قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ  
نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفُرْ لِي أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفُرْ  
لِي فَإِنِّي مُتَقَرِّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ  
غَيْرُكَ».

و گفته شده که بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از

گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۳۹، أبواب الطواف، باب ۷۸، ح ۱.

۲. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۳۹، أبواب الطواف، باب ۷۸، ح ۲.

۴. بعد از فراغت از نماز طواف و پیش از سعی، مستحب است به نزد چاه زمزم رفته، از آب آن بخورد و به سر و پشت خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ  
وَسُقْمٍ»<sup>۱</sup>

پس از آن به طرف حجرالاسود و از آنجا به طرف صفا برود.

---

۱. الکافی ۴: ۴۳۰، ح ۲.

**چهارم: سعی بین صفا و مروه**

﴿مسئله ۳۱۵﴾ واجب است محرم بعد از نماز طواف عمره مفرده، بین دو کوه صفا و مروه سعی کند، بدین صورت که از صفا به مروه برود و از مروه به صفا برگردد.

﴿مسئله ۳۱۶﴾ سعی نیز مانند طواف از عبادات است و باید آن را به قصد قربت و با خلوص نیت برای اطاعت فرمان خدای تعالی به جا آورد، و اگر کسی به قصد ریا یا مقاصد دیگر آن را به جا بیاورد، باطل است.

﴿مسئله ۳۱۷﴾ در سعی باید نیت کند که برای عمره مفرده است.

﴿مسئله ۳۱۸﴾ واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد و هر مرتبه را یک شوط گویند، «به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط».

﴿مسئله ۳۱۹﴾ در سعی واجب است شخص، اول از صفا شروع کند و باید دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند، هر وقت فهمید باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد، باید سعی را از سر بگیرد و از صفا شروع کند.

﴿مسئله ۳۲۰﴾ بنا بر احتیاط، در سعی باید از ابتدای کوه صفا از پایین آن شروع کند و تا اولین جزء کوه مروه ادامه دهد و به همان نحو که متعارف است سعی نماید، و لازم نیست به قسمت بالای سرایشی برود، بلکه همین اندازه که به قسمت سربالایی برود و مقداری از آن را جزو سعی قرار دهد کفایت می‌کند، و احتیاط و دقت زیاد که پاشنه پای خود را به کوه برساند، نه تنها لازم نیست بلکه ممکن است نامطلوب هم باشد.

﴿مسئله ۳۲۱﴾ جایز است که فرد سعی بین صفا و مروه را سواره طی کند، مثلاً با ویلچر، چه در حال اختیار و چه با عذر، لیکن پیاده سعی کردن افضل است.

﴿مسئله ۳۲۲﴾ طهارت از حدّث و خبث در سعی لازم نیست، گرچه احوط، مراعات طهارت از حدّث است. بنا بر این زندهای حائض که برای طواف و نماز نایب می‌گیرند باید سعی را خودشان انجام دهند، چون محلّ سعی جزء مسجد نیست.

﴿مسئله ۳۲۳﴾ واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد، باید بعد از طواف و نماز سعی را اعاده کند، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله سعی را بر طواف مقدم بدارد، چنانچه از مکه خارج گشته، عدم

لزوم اعاده خالی از وجه نمی‌باشد هر چند احتیاط مستحب در اعاده سعی می‌باشد، اما اگر از مکه خارج نگشته لزوم اعاده سعی، خالی از وجه نمی‌باشد بلکه اقوی اعاده است.

﴿مسئله ۳۲۴﴾ اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است، چون سعی بین صفا و مروه که مورد نص و فتوی است، صدق می‌کند. و صدق در هر طبقه عرفاً تابع سعی در همان طبقه است و لذا کسی که با هواپیما از شهری به شهر دیگر می‌رود و برمی‌گردد گفته می‌شود که از فلان شهر به شهر دیگر رفت و آمد نموده است، گرچه مسیرش میان آن دو شهر روی زمین نبوده است.

﴿س ۳۲۵﴾ لطفاً بفرمائید سعی در قسمت افزوده شده جدید

چه حکمی دارد؟

ج- آنچه در حج و عمره جزء واجبات بلکه جزء ارکانش محسوب شده و از شعائر الله است که در قرآن آمده ﴿إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ سعی بین صفا و مروه یعنی سعی بین آن دو کوه و بین الجبلین می‌باشد، پس معیار و مناط مسعی، حسب

ظواهر ادله و اطلاق آنها از حیث عرض آن دو کوه، شرقاً و غرباً همان وجود کوه و امتداد آن ولو از حیث ریشه کوه و سفائح آن بوده و هست، و به نظر این جانب حسب گزارشهای واصله، از شهادت معمرین که جبلین تا مقداریکه بناست جزء مسعی شود امتداد داشته، و اخبار اهل اطلاع و خبره و کارشناسان به امتداد ریشه‌ها و رؤیت این جانب در سالهای گذشته نسبت به مروه و اینکه امتداد آن بیش از مقدار عرض مسعی جدید بوده، و از همه گذشته عنایت علماء و فقهاء حرمین بحفظ مشاعر و مناسک حج و رعایت تعبد در آنها و گواهی و شهادت برخی از آنها به اتصال کوه صفا به ابوقیسیس و اینکه مسعی از طرف کوه مروه از حیث عرض بیش از مقدار توسعه یافته فعلی بوده، همه و همه حجت عقلائیّه و شرعیّه بر امتداد می‌باشد و سعی در مسعی جدید سعی بین الجبلین است و چگونه چنین اموری حجت شرعی نباشد با آنکه بعضی آنها چد رسد به همه آنها موجب اطمینان و علم عادی بر امتداد است. فعلی هذا سعی نمودن در مسعی جدید در تاریخ فعلی یعنی سنه ۱۴۲۸ هجری قمری که

در سؤال آمده و مشغول ساختن و تهیه آن می‌باشند و گفته می‌شود عرضش بقدر مسعای فعلی یعنی حدود بیست متر است، با قیام حجت شرعی بر بودن آن مقدار اضافه شده بین دو کوه صفا و مروه ولو بین ریشه‌های باقی مانده از آنها که نشانه امتداد کوهها می‌باشد موجب اجزاء و صحت و مسقط تکلیف است، و فرقی بین سعی در آن محل و محل فعلی (که مقداری از خود جبلین در آن وجود دارد و باقی مانده) دیده نمی‌شود چون سعی در آن محل هم با قیام حجت ذکر شده سعی بین الصفا والمروه است و در صدق صفا و مروه وجود بلندی آن دو کوه قطعاً شرط نمی‌باشد و لذا مقداری از عرض صفای فعلی هم بلندی کوه در آن دیده نمی‌شود.

﴿مسئله ۳۲۶﴾ واجب است فرد در وقت رفتن به طرف مروه، متوجه مروه باشد، و در وقت رفتن به سوی صفا، متوجه صفا باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلوی خود را به طرف صفا یا مروه کند و راه برود، سعی او باطل است و باید آن مقدار را تدارک کند، مگر اینکه محل آن گذشته باشد، که در این صورت سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است، گرچه از

سرگرفتن بدون اتمام کافی و آسان تر است.

﴿مسئله ۳۲۷﴾ به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن در صفا یا مروه جایز است، و همین طور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی یا برای خوردن آب، و لازم نیست شخص عذری داشته باشد، بنا بر اقوی.

﴿مسئله ۳۲۸﴾ نگاه کردن در هنگام سعی به طرف چپ و راست، بلکه گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

﴿مسئله ۳۲۹﴾ سعی هم مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو، چنان است که در حکم طواف بیان شد.

﴿مسئله ۳۳۰﴾ در سعی موالات معتبر نیست، لیکن فاصله زیاد انداختن بین اشواط آن مطلوب نمی باشد.

﴿مسئله ۳۳۱﴾ تأخیر در سعی بدون عذر تا روز بعد جایز نیست، و اگر در آن تأخیر انداخت، اعاده طواف و نماز لازم نیست.

﴿مسئله ۳۳۲﴾ اگر بیماری را به دوش بگیرد تا او را سعی دهد و برای خودش نیز نیت سعی نماید، سعی هر دو صحیح است.

﴿مسئله ۳۳۳﴾ اگر کسی به هیچ گونه حتی سواره نتواند سعی را

به جا آورد، باید نایب بگیرد تا سعی را به جای او انجام دهد و بعد خودش تقصیر کند و عمره او صحیح است.

### کم و زیاد انجام دادن سعی

﴿مسئله ۳۳۴﴾ زیاد انجام دادن سعی، بیشتر از هفت مرتبه، از روی عمد، موجب باطل شدن آن است و فرد باید آن را از سر بگیرد، نظیر آنچه در طواف گذشت؛ ولی اگر رفت و برگشت را از روی جهل و نادانی یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده، بنا بر اقوی سعی او صحیح است، هر چند احوط اعاده سعی است.

﴿مسئله ۳۳۵﴾ اگر شخصی در شوط سوم متوجه شود که رفت و برگشت هر کدام یک شوط حساب می شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه دهد، سعی او صحیح است.

﴿مسئله ۳۳۶﴾ اگر شخصی به علت فراموشی زیادتر از هفت شوط سعی کند، چه کم تر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است، و بهتر آن است که شوط اضافی را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

﴿مسئله ۳۳۷﴾ اگر شخصی سعی را سهواً کم تر به جا آورد،

واجب است هر وقت یادش بیاید، آن را تمام کند، و می‌تواند از سر بگیرد و مجدداً همه را از اول بیاورد؛ و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد، باید برگردد، و اگر نمی‌تواند یا برایش مشقت دارد، باید نایب بگیرد.

﴿مسئله ۳۳۸﴾ اگر شخصی سعی را سهواً ترک کند و تقصیر یا حلق نماید، از احرام خارج شده و هر وقت یادش آمد، باید سعی را به‌جا آورد.

### احکام شک در سعی

﴿مسئله ۳۳۹﴾ اگر شخصی بعد از تقصیر یا حلق، در تعداد اشواط سعی شک کرد، به شک خود اعتنا نکند، و اگر می‌داند هفت شوط را کامل به‌جا آورده، ولی شک در انجام زیادی سعی دارد، در این صورت هم به شک خود اعتنا نکند و سعی او صحیح است.

﴿مسئله ۳۴۰﴾ اگر شخصی پس از تمام شدن سعی و فراغت از آن، شک کرد که آن را صحیح انجام داده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

﴿مسئله ۳۴۱﴾ اگر بعد از آنکه از عمل فارغ و منصرف شد

شک در اشواط کند، چون بنا گذاشتن بر اتمام و اعتنا نکردن به شک خالی از اشکال نیست، احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد، اتمام کند؛ خصوصاً اگر شک در ناقص گذاشتن، در این باشد که عمداً برای حاجتی سعی را ترک کرده است که برگردد و اتمام کند، در این صورت، وجوب اتمام بعید نیست.

﴿مسئله ۳۴۲﴾ اگر شوطی یا جزئی از آن را به جا آورد و پس از داخل شدن در شوط یا جزء دیگر، شک کند آیا آنچه را قبلاً انجام داده صحیح بوده یا نه، در این صورت به شک خود اعتنا نکند.

﴿مسئله ۳۴۳﴾ اگر شخصی در مروه بین هفت و نه شوط شک کند، به آن اعتنا نکند، و اگر در بین شوط و قبل از رسیدن به مروه بین هفت شوط و کم‌تر از آن شک کند، ظاهراً سعی او باطل است.

﴿مسئله ۳۴۴﴾ اگر شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک کند و با حال تردید آن را ادامه دهد تا عدد را ضبط کند و پس از تأمل و وارد شدن در شوط بعدی، به عدد آن یقین پیدا کند و با یقین، بقیه سعی را انجام دهد، سعی او صحیح است.

﴿مسئله ۳۴۵﴾ هر شکّی که به کم‌تر از هفت دور تعلق می‌گیرد،

مثل شكّ بین يك و سه و يا دو و چهار، در اين صورت سعی او باطل است.

### مسائل متفرقه سعی

﴿مسئله ۳۴۶﴾ کسی که طواف و نماز طواف عمره را انجام داده، تأخیر در انجام سعی تا روز دیگر بر او جایز نیست؛ اما تأخیر در مدت کم‌تر از آن، هرچند تا شب، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۳۴۷﴾ اگر شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی به عقب برگردد و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی کند، و یا گمان کند در محلّ هروله، واجب است که هروله کند و لذا برگردد و مقداری را که عادی طی کرده بود، با هروله تکرار کند، به سعی او ضرری نرسیده، چون زیاده عمديه نمی‌باشد، لیکن احتیاط در رها کردن آن سعی و از سرگرفتن آن مطلوب است.

﴿مسئله ۳۴۸﴾ حکم زیادی در سعی، جهلاً، حکم زیادی سهوی را دارد و مضرّ نیست، چون جهل غالباً از روی غفلت و قصور است نه از روی شكّ و تردید.

﴿مسئله ۳۴۹﴾ اگر شخصی شوط سوم سعی را به هم بزند و با

فاصله اندکی بدون آنکه از آنها صرف نظر نموده باشد، هفت شوط دیگر به جا آورد، و یا به تصوّر اینکه سعی نیاز به وضو دارد بعد از چند شوط سعی خود را قطع کند و وضو بگیرد و سعی را از سر بگیرد، مانعی ندارد و سعیش صحیح است.

﴿مسئله ۳۵۰﴾ اگر در حال سعی، بعضی از مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد ضرری به سعی او نمی زند.

﴿مسئله ۳۵۱﴾ اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرده باشد و تقصیر نماید، از احرام خارج شده و هر وقت یادش آمد سعی را به جا آورد.

﴿س ۳۵۲﴾ در فتوای فقها استحباب سعی وارد نشده است، آیا سعی استحباب نفسی دارد یا نه؟ و در موردی که سهواً سعی را اضافه به جا آورد، فتوا به استحباب هفت شوط دوم داده اند. آیا از این مورد می توان استحباب سعی را استفاده کرد؟

ج- از بعضی روایات استحباب نفسی سعی استفاده می شود مثل آنچه صحیحاً روایت کرده محمد بن قیس از ابی جعفر علیه السلام قال: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله لرجل من الانصار إذا سعیت بین الصفا والمروة كان لك عند الله اجر من حج ماشياً

من بلاهه»<sup>۱</sup>، پس در اینکه حضرت ثواب سعی را معادل با حج پیاده از شهرش برای سعی کننده قرارداد شهادت است براینکه سعی ثواب مستقلی دارد و الاً قرارداد ثواب جزء معادل ثواب کل مناسب نبود.

﴿س ۳۵۳﴾ وظیفه افراد معذوری که نمی‌گذارند در طبقه اول با

چرخ سعی کنند چیست؟

ج- اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است، چون سعی بین صفا و مروه که مورد نص و فتوی است صدق می‌کند.

### مستحبات سعی

۱. طهارت از حَدَث اکبر و حَدَث اصغر؛ اَمَّا شَخْص حَائِض

می‌تواند با آن حال سعی نماید.

۲. از آب زمزم بخورد، همان طور که در مستحبات نماز

طواف بیان کردیم.

۳. در صورت امکان در هنگام رفتن به طرف صفا

حجرالاسود را استلام کند و بیوسد، و در صورت ازدحام و کثرت

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۷۱، کتاب الحج، أبواب السعی، باب ۱، حدیث ۱۵.

جمعیت، به حجر الاسود اشاره کند.

۴. مستحب است از دری که رو به روی حجر الاسود است، با آرامش و وقار به سوی صفا بروید، و بر بالای صفا رفته، به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الاسود در اوست رونماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمتهای الهی را به خاطر بیاورد، آن گاه ذکرهای زیر را به تعدادی که آمده بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» (هفت مرتبه).

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» (هفت مرتبه).

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (هفت مرتبه).

۵. پس سه مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>.

سپس صلوات بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ بفرستد و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» (سه مرتبه).

۱. الکافی ۴: ۴۳۲، ح ۳.

۶. و سپس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا  
نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»  
(سه مرتبه).

۷. سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»  
(سه مرتبه).

۸. پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ  
النَّارِ» (سه مرتبه).

۹. پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» (صد مرتبه).  
«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (صد مرتبه).  
«الْحَمْدُ لِلَّهِ» (صد مرتبه).  
«سُبْحَانَ اللَّهِ» (صد مرتبه).

۱۰. آن گاه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَغَلَبَ  
الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي

فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ اظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۱. مستحب است هنگامی که بر کوه صفا توقف می‌کند، مکرراً خود و خانواده خود و دینش را به خداوند متعال بسپارد و بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيحُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» (سه مرتبه).

سپس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را تکرار کند، و اگر تمام این عمل را نتوانست انجام دهد، هر قدر که می‌تواند انجام دهد.

۱۲. مستحب است که رو به کعبه نماید و دعای زیر را بخواند، که در روایت است که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هنگامی که بر بالای صفا می‌رفت، رو به کعبه نموده، دستهایش را بلند می‌کرد و این دعا را می‌خواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ  
بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ  
أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تَعَذَّبَنِي  
فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ عَذَابِي وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا  
مُحْتَاجٌ إِلَيْ رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ  
إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقِي  
عَدْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جَوْرَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ ارْحَمْنِي».<sup>۱</sup>

۱۳. پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَ لَا يَنْفُدُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
مُحَمَّدٍ، وَ اجْرِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

۱۴. مستحب است بر کوه صفا زمان زیادی را توقّف کند.

پیامبر خدا ﷺ به اندازه خواندن یک سوره بقره با تائی بر روی کوه  
صفا می ایستادند. در حدیث شریف<sup>۲</sup> وارد شده است هر کس که  
بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی  
که از صفا پایین می آید بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:  
«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ فِتْنَتِهِ وَ غُرْبَتِهِ وَ وَحْشَتِهِ

۱. تهذیب ۵: ۱۴۷، ح ۴۸۳.

۲. استبصار ۲: ۲۳۸، ح ۸۲۷.

وَ ظُلْمَتِهِ وَ ضِيْقِهِ وَ ضَجِّهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ  
لاظِلُّ إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۵. پس از آنکه مقدار دیگری پایین آمد، کتف خود را

برهنه کرده، بگوید:

«يا رَبِّ الْعَفْوِ يا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يا مَنْ  
يُثِيبُ عَلَيَّ الْعَفْوَ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ يا جِوَادُ يا كَرِيمُ يا قَرِيبُ يا  
بَعِيدُ، أُرْزِدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۱۶. مستحب است شخص پیاده سعی نماید و در مقداری از

سعی که محل بازار عطاران است - و امروزه اول و آخر آن با

چراغ سبز مشخص شده است - هروله کند (یعنی مقداری تندتر

حرکت کند، به طوری که نه دویدن باشد و نه راه رفتن معمولی)؛

و بر بانوان هروله مستحب نیست، و وقتی به اولین ستون سبز

رسید، بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ  
إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَ اهْدِنِي لِتِي هِيَ أَقْوَمُ  
اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفْهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ  
لَكَ سَعْيِي، وَ بِكَ حَوْلِي وَ قُوَّتِي تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يا مَنْ

يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَمِّينَ»<sup>۱</sup>.

۱۷. و همین‌که از محلّ بازار عطّاران گذشت، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي،

إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ»<sup>۲</sup>.

۱۸. و هنگامی‌که به مروه رسید، بالای آن برود و آنچه را که

در صفا به‌جا آورده بود، به‌جا آورد و دعاها را آنجا را به ترتیبی

که ذکر شد، بخواند.

پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى

الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ».

۱۹. مستحب است فرد در حال سعی گریه کند و خود را به

گریه وادارد و دعا بسیار کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النِّيَّةِ

فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ»<sup>۳</sup>.

---

۱. تهذیب ۵: ۱۴۸، ح ۴۸۷.

۲. الکافی ۴: ۴۳۴، ح ۶.

۳. الکافی ۴: ۴۳۴، ح ۶.

### پنجم: تقصیر یا حلق

﴿مسئله ۳۵۴﴾ واجب است شخص بعد از آنکه سعی کرد، تقصیر کند، - یعنی مقداری از ناخنها یا مقداری از موی سر یا شارب یا ریش خود را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به گرفتن ناخن نکند - یا حلق نماید «یعنی سر خود را بترشد».

﴿مسئله ۳۵۵﴾ تقصیر یا حلق نیز از عبادات است و باید با نیت خالص و به قصد اطاعت از خداوند به جا آورده شود، و اگر کسی در انجام آن ریا کند، موجب بطلان تقصیر او می شود، و باید آن را جبران کند.

﴿مسئله ۳۵۶﴾ بعد از آنکه شخص محرم تقصیر کرد یا سر تراشید، هر چه به واسطه احرام بر او حرام شده بود حلال می شود، بجز زن بر مرد و مرد بر زن؛ همچنین بنا بر احتیاط واجب آنچه از زن یا مرد بر او حرام شده بود، مثل عقد کردن، خطبه خواندن و شاهد شدن در عقد، که پس از انجام طواف نساء و نماز آن، حلال خواهد شد.

﴿مسئله ۳۵۷﴾ در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله ای باشد.

﴿مسئله ۳۵۸﴾ کسی که تقصیر یا حلق او محکوم به بطلان

است، ولی بعد از آن محرمات احرام را به جا آورده، در صورتی که جاهل به مسئله باشد یا فراموش کند، کفاره ندارد، مگر در صید، به تفصیلی که در کتب فقهی آمده است.

﴿مسئله ۳۵۹﴾ اگر کسی در عمره مفرده پس از سعی تقصیر کند، بعد به شك بیفتد که آیا تقصیری که انجام داده صحیح است یا نه، تقصیر او صحیح است.

﴿مسئله ۳۶۰﴾ اگر کسی در عمره مفرده تقصیر را فراموش کند، می تواند در هر جایی تقصیر کند، و اگر به وطن بازگشته باشد، تقصیر در همان جا هم کفایت می کند، و اعاده طواف نساء لازم نمی باشد، گرچه احوط است.

﴿مسئله ۳۶۱﴾ در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را از روی جهل و یا نسیان ترک کند و طواف نساء را انجام دهد، باید تقصیر نماید و اعاده طواف نساء لازم نمی باشد، گرچه احوط است.

﴿مسئله ۳۶۲﴾ اگر فردی سنی از فرد شیعی تقصیر نماید، اشکالی ندارد.

﴿مسئله ۳۶۳﴾ اگر کسی جهلاً یا سهواً قبل از سعی تقصیر کند و بعد از سعی دوباره تقصیر نماید، چیزی بر او نیست.

﴿س ۳۶۴﴾ آیا محرم قبل از آن که خودش تقصیر کند و از

احرام خارج شود می‌تواند، برای دیگری تقصیر کند؟  
ج- محرم نمی‌تواند ازاله موی دیگری را بعنوان تقصیر  
انجام دهد ولی گرفتن ناخن شخص دیگر مانعی ندارد.

### ششم و هفتم: طواف نساء و نماز آن

﴿مسئله ۳۶۵﴾ پس از تقصیر یا حلق باید هفت دور به نیت طواف نساء به دور کعبه طواف نماید و پس از آن دو رکعت نماز، پشت مقام ابراهیم علیه السلام به نیت نماز طواف نساء به جا آورد.

﴿مسئله ۳۶۶﴾ طواف نساء و نماز آن در عمره مفرده، باید بعد از تقصیر یا تراشیدن سر انجام شود، و تا هنگامی که شخص طواف نساء و نماز آن را به جا نیاورد، زن یا شوهر بر او حلال نمی شود، و بنا بر احتیاط واجب، آنچه از زن یا مرد بر او حرام شده بود، مثل عقد کردن، خطبه خواندن و شاهد شدن در عقد، نیز بر او حلال نمی شود.

﴿مسئله ۳۶۷﴾ طواف نساء و نماز آن، در کیفیت و واجبات و شرایط و احکام آن، مانند طواف عمره مفرده و نماز آن است که قبلاً بیان کردیم، جز در نیت که در اینجا شخص باید نیت طواف نساء کند.

﴿مسئله ۳۶۸﴾ طواف نساء اختصاص به مرد ندارد، بلکه بر زن و خنثا و خَصِی (آخته) و بیچه ممیز و کسانی که توانایی انجام عمل زناشویی را ندارند، واجب است؛ و اگر مردی طواف نساء را به جا نیاورد، تمام انواع تلذذ و کامجویی از زن بر او حرام است، و

نیز اگر زن آن را ترک کند، مرد بر او حلال نمی‌شود.  
 ﴿مسئله ۳۶۹﴾ اگر طفل غیر ممیز را ولیّ او مُحرم کند، باید او را طواف نساء بدهد، تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود، و نیت کند که طفلش طواف می‌کند قربةً إلى الله.

﴿مسئله ۳۷۰﴾ اگر کسی طواف نساء را فراموش کرد و به وطن خود برگشت، پس اگر می‌تواند باید خودش برگردد و آن را به‌جا آورد، و اگر نمی‌تواند یا برایش مشقت دارد، باید نایب بگیرد، و از زمانی که عالم به نیاوردن طواف شد، تمام انواع تلذذ و کامجویی زن و مرد از یکدیگر حرام می‌باشد تا اینکه طواف نساء به‌جا آورد.

﴿مسئله ۳۷۱﴾ اگر شخصی، چندین عمره مفرده به‌جا آورده باشد و در هیچ‌کدام طواف نساء را انجام نداده باشد، یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۳۷۲﴾ نایب در طواف نساء باید مانند بقیه اعمال، به قصد منوب عنه آن را به‌جا آورد.

﴿مسئله ۳۷۳﴾ اگر شخصی قبل از به‌جا آوردن طواف نساء با زوجه خود از روی شهوت ملاعبه نماید، کفاره دارد، مگر در صورت جهل.

﴿مسئله ۳۷۴﴾ اگر کسی طواف نساء را انجام ندهد و ازدواج کند و دارای اولاد شده باشد، با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد، ولی عقد ازدواج او باطل است و باید طواف نساء را انجام دهد، و بعد تجدید عقد نماید.

﴿مسئله ۳۷۵﴾ اگر کسی بعد از مراجعت از مکه، شک کند که طواف نساء حج یا عمره مفرده را انجام داده یا نه، باید طواف نساء را انجام دهد.

﴿مسئله ۳۷۶﴾ اگر کسی که عمره مفرده انجام می‌داده بدون اینکه تقصیر کند طواف نساء را به جا آورد، عمره او باطل نمی‌شود، لیکن باید تقصیر نماید و اعاده طواف نساء لازم نمی‌باشد، گرچه احوط است.

## احکام محصور و مصدود

﴿مسئله ۳۷۷﴾ «مصدود» به کسی گفته می شود که دشمن او را از به جا آوردن عمره یا حجّ منع کند؛ و «محصور» به کسی گفته می شود که به واسطهٔ بیماری از به جا آوردن عمره یا حجّ پس از احرام باز بماند.

﴿مسئله ۳۷۸﴾ اگر کسی به احرام عمره محرم شود، واجب است عمره را تمام کند، و اگر تمام نکند، در احرام باقی خواهد ماند.

﴿مسئله ۳۷۹﴾ اگر کسی به احرام عمره محرم شود و بعد از آن

دشمن یا کس دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را از رفتن به مکه منع کنند، و راه دیگری جز آن راهی که منع شده نباشد، یا اگر باشد، مثنوۀ آن را نداشته باشد، می تواند در همان محلی که ممنوع شده، یک شتر نحر، یا گاو و یا گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود؛ و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند گرچه عدم اعتبار خالی از قوه نمی باشد، و بنا بر احتیاط واجب، قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد، و در این صورت همه چیز حتی زن بر او حلال می شود.

﴿مسئله ۳۸۰﴾ اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا برای به جا آوردن اعمال پولی مطالبه کنند، پس اگر داشته باشد باید پردازد، و اگر نداشته باشد یا حرجی بر او باشد، ظاهراً حکم مصدود را دارد.

﴿مسئله ۳۸۱﴾ کسی که به احرام عمره محرم شده و به واسطه بیماری نتوانسته به مکه برود، اگر بخواهد محلّ شود، باید قربانی کند، و بنا بر اقوی، قربانی یا پول آن را به وسیله فرد امینی به مکه بفرستد و با او قرار بگذارد که در چه روز و چه ساعتی آن را در مکه ذبح کند و در آن روز معین تقصیر کند. پس از آن، هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود، «بجز زن».

﴿مسئله ۳۸۲﴾ کسی کہ بیمار نیست، لیکن بہ علت دیگری بعد از احرام نتوانستہ بہ مکہ برود، مثل کسی کہ پا یا کمرش شکستہ یا تصادف کردہ و یا بہ واسطہ خونریزی ضعف بر او مستولی شدہ، بعید نیست حکم بیمار را داشته باشد.

## مسائل متفرقه

﴿مسئله ۳۸۳﴾ اقامه نماز جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی به حکم تقیه مداراتی مجزی است و باید سعی شود وحدت مسلمین وعظمت نماز جماعت حفظ شود، و در هنگام اقامه نماز مؤمنین از مسجدین خارج نشوند تا سبب انگشت نما گشتن و وهن مذهب نگردد.

﴿مسئله ۳۸۴﴾ مسافر در تمام شهر مکه و مدینه مخیر بین قصر و اتمام است و این حکم اختصاص به مسجد الحرام و مسجد النبی ندارد.

﴿مسئله ۳۸۵﴾ کسانی که هنگام نماز مغرب در مسجدین هستند جایز است بعد از اتمام نماز جماعت مغرب ولو بلا فاصله نماز

عشاء را بخوانند، چون آنچه در نماز عشاء معتبر است وقوعش بعد از نماز مغرب صحیح می‌باشد، و نماز مغرب با جماعت آنها (قطع نظر از مبنای اینجانب که مغرب همان غروب آفتاب است) صحیح و مجزی است، چون ترتیب معتبر رعایت شده.

﴿س ۳۸۶﴾ کسی که قادر بر سجده معمول نیست، و در مسجد الحرام و مسجد النبی نماز می‌خواند با توجه به این که نمی‌تواند مهر یا چیز دیگری به پیشانی بگذارد چگونه باید سجده کند؟

ج- در این مورد با اشاره سجده کند.

﴿س ۳۸۷﴾ در نماز جماعت مسجد الحرام اتصال صفوف برقرار نیست، آیا شیعیان باید اتصال صفوف را مراعات کنند و یا همان مقدار که آنان نماز را صحیح می‌دانند کافی است مخصوصاً این که امکان اتصال نماز بانوان در بعضی مواقع وجود ندارد؟

ج- همانطور که نماز را آنها صحیح می‌دانند و به آن گونه نماز بخواند کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۳۸۸﴾ با توجه به اینکه استتار قرص برای خواندن نماز مغرب کافی است، بنابر این شرکت در نماز جماعت و مراسم

افطار اهل سنت صحیح است و کفایت می‌کند.

﴿مسئله ۳۸۹﴾ در لیالی مقمره (شبهای مهتابی) در مکه، کسانی که نماز صبح را با سایر مسلمین به جماعت می‌خوانند، جماعت آنان صحیح است و اعاده ندارد، و فرقی بین شبهای مهتابی و غیرمهتابی نیست.

﴿مسئله ۳۹۰﴾ سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها، چه سنگ مرمر باشد یا سنگهای معدنی یا سنگ گچ و آهک صحیح است بلکه بر گچ و آهک پخته نیز، جایز است؛ همچنین سنگهایی از این قبیل که در مسجدالحرام و مسجدالنبی است، سجده بر آنها اشکال ندارد.

﴿مسئله ۳۹۱﴾ سجده در مسجدالنبی روی فرشهای مسجد به حکم تقیه مداراتی مجزی است و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و یا حصیر و مانند آن همراه خود ببرند هر چند همراه داشتن آن و یا سجده بر سنگها، اگر به گونه‌ای باشد که خلاف متعارف بین مسلمین نباشد و موجب رهن نگردد، مانعی ندارد و جایز است.

﴿مسئله ۳۹۲﴾ اگر کسی در حرم چیزی پیدا کند، برداشتن آن کراهت شدید دارد، لیکن اگر بردارد، در صورتی که ارزش آن

کم‌تر از یک درهم<sup>۱</sup> باشد، می‌تواند قصد تملک آن را بکند و آن را مصرف کند و ضامن نیست، و اگر از یک درهم بیشتر ارزش داشته باشد، باید یک سال آن را تعریف کند و اگر بعد از یک سال صاحبش را پیدا نکرد، مخیر است بین حفظ آن برای صاحبش یا صدقه دادن آن.

﴿مسئله ۳۹۳﴾ برداشتن قرآن از مسجد الحرام و مسجد النبی که وقف آن مساجد است، جایز نیست.

﴿مسئله ۳۹۴﴾ برداشتن سنگ از کوه صفا و مروه، هر چند بسیار کم باشد، جایز نیست و حرام است و آن دو کوه را خداوند جزء شعائر قرار داده، پس هرگونه تصرّفی در آنها - غیر از اعمال عبادی و نشستن و تکیه دادن به آنها که معمول و مرسوم بوده و ضرری هم به آنها نمی‌زند -، حرام می‌باشد و برداشتن سنگ از تصرّفهای حرام است.

﴿مسئله ۳۹۵﴾ زنان حائض و افراد جنب نمی‌توانند از حدود توسعه یافته مسجد الحرام و مسجد النبی عبور کنند.

﴿س ۳۹۶﴾ شخصی برای عمره مفرده ثبت نام کرده، در حالی که اعزام او به عمره قطعی بوده و برای عزیمت نیز به ناچار بایستی

۱. حدود پانصد تومان به پول رایج فعلی ( ۱۴۲۴ هـ. ق ) می‌باشد.

مقداری پول به حساب واریز کند، ولی نوبت او به سال بعد موکول شده است، آیا سر سال، به این پول که به حساب سازمان حج و زیارت واریز شده، خمس تعلق می‌گیرد یا خیر؟

ج- چون سفر عمره جزو سفرهای زیارتی است که متعارفاً انجام می‌گیرد، و نحوه ثبت نام آن واریز پول است، لذا پول واریز شده و سود آن متعلق خمس نیست. ﴿س ۳۹۷﴾ وضو گرفتن از وضوخانه‌های مسجدالحرام و مسجدالنبی که با نام (دوره المیاه) مشخص شده، در صورتی که قصد خواندن نماز در آن امکنه مقدسه را ندارد، چه حکمی دارد؟

ج- مانعی ندارد، گرچه احتیاط در ترک است. ﴿س ۳۹۸﴾ وضو گرفتن از آبهایی که مخصوص آشامیدن (در مسجدالحرام و مسجدالنبی) می‌باشد، چه حکمی دارد؟  
ج- از ظروف و کلمنهایی که داخل مسجد گذاشته‌اند جایز نیست و صحیح نمی‌باشد، و وضو با آنها باطل است.

﴿س ۳۹۹﴾ آیا استحباب نماز تحیت مسجد، در مسجدالحرام نیز ثابت است؟

ج- نماز تحیت در مسجدالحرام ثابت نیست، و تحیت مسجدالحرام، همان طور که شهید<sup>علیه السلام</sup> فرموده، طواف خانه خدا می باشد.

﴿س ۴۰۰﴾ روزه گرفتن حجاج در مدینه منوره در حالی که ده روز در آنجا نمی مانند، چه حکمی دارد؟

ج- مسافر می تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه طیبه روزه بگیرد اگرچه روزه قضا به گردن او باشد و نمی تواند نیت روزه قضا کند، و بنا بر احتیاط واجب روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه، روزه گرفته شود. ﴿س ۴۰۱﴾ آوردن سنگ و خاک از عرفات، مشعرالحرام، منی، صفا و مروه، چه حکمی دارد؟ در صورتی که جایز نبوده، آیا برگرداندن آن واجب است؟

ج- جایز نمی باشد، و برگرداندن چون بی فایده است لازم نمی باشد.

﴿س ۴۰۲﴾ برخی از زائران حرمین شریفین اظهار می دارند که فلان مبلغ را به ما داده اند تا در حرم مطهر نبوی<sup>صلی الله علیه و آله</sup> یا قبور مطهر ائمه<sup>علیهم السلام</sup> بقیع<sup>علیهم السلام</sup> بریزیم، با توجه به اینکه انداختن آنها در آن محلها غیر ممکن است، یا صرف در حرم، یا در مصرف مقرر خود

نخواهد شد و حاضر نیستند این وجوه را با خود برگردانند، آیا می‌توان آنها را در راه خیر، مثل کمک به فقراى شیعه صرف کرد؟  
ج- می‌توانند به فقراى زائر یا فقراى شیعه که در آنجا هستند، بدهند.

﴿س ۴۰۳﴾ آیا اخذ اجرت برای به‌جا آوردن عمره مفرده نیابتی، جایز است؟

ج- در صورتی که خودش برای عمره مفرده مستطیع بوده و قبلاً عمره مفرده یا عمره تمتع به‌جا نیاورده باشد، جایز نیست، در غیر این صورت مانعی ندارد.

﴿س ۴۰۴﴾ گاهی مشاهده می‌شود که مسجدالحرام را با آب قلیل و یا مواد خاصّ شوینده و پاک‌کننده تطهیر می‌کنند، اما طبق موازین شرع نیست. اگر بدن یا لباس مرطوب با آنها تماس پیدا کند، چه حکمی دارد؟ آیا سجده بر آن سنگها جایز است؟

ج- چون ازاله عین نجاست از امثال سنگ و اجسام صیقلی از مطهرات است، بنابر این، تطهیر در مثل مسجدالحرام که سنگ فرش است با فرض یقین به نجس شدن آن، با وضع فعلی که با ریختن مختصر مایع، عین نجاست را زائل می‌نمایند، بعد از آنکه خشک شد و

رطوبت مسریه‌اش از بین رفت، محکوم به طهارت است و پاک می‌باشد. کما اینکه اگر قبل از ریختن مایع، عین نجاست زائل شده باشد، به محض زوال محکوم به طهارت است.

﴿س ۴۰۵﴾ خوابیدن در مسجدالحرام و مسجدالنبی به عنوان استراحت و رفع خستگی، چه صورتی دارد؟

ج- خوابیدن در آن مکانهای مقدّس، کراهت شدید دارد. ﴿مسئله ۴۰۶﴾ نماز طواف مستحبی حکم بقیّه نمازهای مستحبی را ندارد و حتی نشسته هم نمی‌توان خواند و باید در مسجد خوانده شود.

﴿مسئله ۴۰۷﴾ گاهی در مسجدالحرام و مسجدالنبی کفشهای انسان گم می‌شود ولی در بیرون از مسجد کفشهای فراوان روی هم ریخته می‌شود که اگر یقین شود که صاحبان آن کفشها راضی و از آنها اعراض کرده‌اند، برداشتن آنها اشکال ندارد.

﴿مسئله ۴۰۸﴾ رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی و توقف در سایر مساجد برای زن مستحاضه در صورتی که غسلهای واجب خود را انجام داده باشد، مانعی ندارد.

﴿مسئله ۴۰۹﴾ افرادی که در مکه و مدینه قصد ماندن ده روز را

ندارند نمی‌توانند نوافل نمازهای یومیّه را بخوانند، چون تخییر در نماز ظهر و عصر و عشا در اماکن تخییر، یک حکم اختصاصی نسبت به خود آنهاست نه نسبت به نوافل آنها.

﴿مسئله ۴۱۰﴾ بنا بر احتیاط واجب، زن حائض و نفساء نباید در حرم امامان علیهم‌السلام توقف کند، ولی رفتن آنها کنار دیوار بقیع برای زیارت، مانعی ندارد.

﴿س ۴۱۱﴾ حکم اعمال کسی که بدون اجازه از مرجع زنده، بر تقلید از میت باقی است، چیست؟

ج- اگر مرجع تقلیدی را که بعد از توجه و التفات انتخاب می‌نماید فتوای او جواز بقاست، اعمال گذشته‌اش صحیح است، چون اعمالش مطابق با حجت بوده هر چند به آن حجت توجه نداشته.

﴿مسئله ۴۱۲﴾ کسی که می‌خواهد از مدینه با نذر محرم شود صیغه نذر این است که بگوید: «لِلَّهِ عَلَيَّ أَنْ أُحْرِمَ مِنَ الْمَدِينَةِ». یا به فارسی بگوید: «برای خدا بر من است که از مدینه محرم شوم».

﴿س ۴۱۳﴾ گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز صبح، روز جمعه یا روزهای دیگر آیات سوره‌های سجده‌دار را می‌خواند و نمازگزاران در اثنای قرائت به سجده می‌روند و بر

می‌خیزند، در این صورت تکلیف چیست؟

ج- هرگاه نمازگزار آیه سجده را شنید، باید سجده را با اشاره سر انجام بدهد و بعد از نماز سجده درست انجام دهد؛ و ناگفته‌نماند که اگر اشتبهاً در نماز با آنها به جای سجده به رکوع برود، قطعاً نمازش باطل است، چون زیاده رکن حاصل شده و زیاده رکن ولو اشتبهاً سبب بطلان نماز است.

بخش دوم

اعمال و آداب مدینه منوره

سفید

## اعمال و آداب مدینه منوره

مستحب است شخصی که به عمره مفرده مشرف می شود،  
برای زیارت حضرت رسول ﷺ و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام  
و سایر مشاهد مشرفه، به مدینه منوره<sup>۱</sup> مشرف شود.

---

۱. شهر یثرب که بعد از ورود رسول خدا ﷺ به این شهر مدینه النبی خوانده شد و یکی از شهرهای مهم زیارتی جهان اسلام است و شایسته و سزاوار است که زائران در ایامی که در این شهر اقامت دارند حرمت این مکان را حفظ کنند و رسول خدا فرمود: «المدینه قبة الاسلام، و دارالایمان، و ارض الهجرة، و میوالحلال والحرام؛ مدینه، گنبد اسلام و خانه ایمان و سرزمین هجرت و جایگاه حلال و حرام است.» و ←

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که: «زیارت بیت الله الحرام را به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و زیارت قبوری که خداوند حق آنها و زیارت آنها را بر شما لازم نموده تمام کنید، به زیارت آن حضرت امر شده‌اید و ترک آن جفاست».<sup>۱</sup>

و از امام صادق علیه السلام نقل شده: «هر یک از شما که حج به جا می‌آورد، پایان حج خود را زیارت ما قرار دهد، که زیارت ما متمم حج است».<sup>۲</sup>

→ حضرت علی علیه السلام فرمود: «مکه حرم الله، والمدينة حرم رسول الله؛ مکه حرم خداست و مدینه حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله است» و زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه بیرون آمد، فرمود: «اللهم كما اخرجتني من أحب البقاع إلي فاسكنني في أحب البقاع اليك؛ خدایا! همان گونه که از دوست داشتنی‌ترین سرزمین نزد تو بیرونم آوردی، مرا در سرزمینی که دوست داشتنی‌ترین سرزمین نزد توست وارد کن». و جای جای مدینه، نشان از آثار رسول خدا صلی الله علیه و آله و انمه معصوم علیه السلام و اصحاب و یاران رسول خدا و امامان معصوم علیهم السلام می‌باشد و شایسته است که زائران حرم نبوی حرمت این شهر را حفظ نمایند و با نماز خواندن و دعا و طلب رحمت و مغفرت قدر این نعمت را که در پرتو نور نبوت و ولایت نصیب آنان شده، بدانند و از مساجد و اماکن متبرک مدینه مخصوصاً مسجدالنبی و قبرستان بقیع برای خود توشه ذخیره نمایند و اوقات شریف خود را صرف زیارت و دعا نموده و از هدردادن این گنج گرانمایه خودداری نمایند.

۱. وسائل الشیعة ۱۴: ۳۲۴، أبواب المزار، باب ۱۰، ح ۲.

۲. وسائل الشیعة ۱۴: ۳۲۴، أبواب المزار، باب ۲، ح ۷.

لذا بر زائران محترم است که نسبت به اعمال و زیارات در مدینه منوره غفلت نورزند و وقت خود را به بطالت نگذرانند، بلکه در این مدّت کوتاهی که میهمان رسول خدا ﷺ هستند، حق میهمانی را خوب ادا کنند و وقت خود را در عبادت و زیارت و دعا و نماز، مخصوصاً در مسجد رسول الله ﷺ صرف نمایند، چون در احادیث آمده است یک نماز در مسجد النبی، معادل است با هزار نماز در سایر مساجد،<sup>۱</sup> و بر حسب روایات دیگر، برابر است با ده هزار نماز.<sup>۲</sup> در روایت آمده است که چهار قصر از قصرهای بهشت در دنیا است: ۱. مسجد الحرام؛ ۲. مسجد النبی؛ ۳. مسجد بیت المقدس؛ ۴. مسجد کوفه.<sup>۳</sup> و چه خوب است که زائران محترم تمام نمازهای یومیه و نمازهای دیگر را (نمازهای قضا یا نمازهای مستحبی مثل نماز زیارت و نماز خواندن و اهدای ثواب آن به دیگران)، در مسجد رسول خدا به جا آورند.

البته شایان یادآوری است همان طور که برای مکه مکرمه

۱. وسائل الشیعة ۵: ۲۷۹، أبواب احکام المساجد، باب ۵۷، ح ۱.

۲. الکافی ۴: ۵۵۶، ح ۱۱، وسائل الشیعة ۵: ۲۷۹، ح ۲.

۳. وسائل الشیعة ۵: ۲۸۲، أبواب احکام المساجد، باب ۵۷، ح ۱۴.

حرم معینی است - که قبلاً بیان شد - برای مدینه منوره هم در روایات حدّ حرم بیان شده، که بین دو کوه «عائر» و «وعیر» در شرق و غرب مدینه است که این شهر را دربرگرفته، و صید کردن و قطع درخت در این شهر نارواست، هر چند حمل بر کراهت شده است.<sup>۱</sup>

### زیارت رسول خدا ﷺ و کیفیت آن

قبل از نقل زیارت پیامبر اکرم ﷺ و آداب آن، چند روایت به عنوان تبرّک در ثواب زیارت رسول خدا ﷺ بیان می‌شود، تا ان شاء الله با بصیرت کامل به این اعمال پردازیم.

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هر کس مرا در حیات من یا پس از مرگ زیارت کند، در روز قیامت در جوار من خواهد بود»؛<sup>۲</sup>
۲. و در حدیث دیگری آمده که رسول خدا ﷺ فرمودند: «هر کس به زیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود»؛<sup>۳</sup>

۱. الکافی ۴: ۵۶۳، باب تحریم المدینه؛ التهذیب ۶: ۱۲، باب ۵، ح ۳؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۶۲، أبواب المزار، باب ۱۷.

۲. التهذیب ۶: باب ۵، ح ۲؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۳۴، أبواب المزار، باب ۳، ح ۵.  
۳. الکافی ۴: ۵۴۸، باب زیارة النبی ﷺ، ح ۳؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۳۳، أبواب المزار، باب ۳، ح ۲.

۳. امام حسین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشتند: «پدرجان، پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟»، پیامبر فرمودند: «کسی که مرا در حیات من یا پس از مرگم، یا پدر تو را یا برادر تو را زیارت کند، بر من است که در روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش او را خلاص نمایم».<sup>۱</sup>

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هر کس ما را زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد».<sup>۲</sup>

### آداب زیارت

زیارت، دیدار با روح‌های پاک و الگوهای کمال و آینه‌های حق‌نماست. زائر، که خود را در برابر وجودهای والا و پیشوایان معصومین دیده، با اعتراف به نقص خود و کمال آن اولیا، به فضایل آنان اشاره می‌کند، و درودهای خود را نثارشان می‌نماید، و پیوند خویش را با آنان و باراه و تعالیم و فرهنگشان ابراز می‌دارد.

۱. الکافی ۴: ۵۴۸، باب زیارة النبی صلی الله علیه و آله، ح ۴؛ التهذیب ۶: ح ۴.

۲. وسائل الشیعة ۱۴: ۳۲۷، أبواب المزار، باب ۲، ح ۱۵.

از این رو نخستین شرط زیارت «ادب» است و ادب هم در سایه معرفت و محبت پدید می‌آید. خود را در محضر رسول الله ﷺ دیدن، و در برابر قبور پاک امامان ایستادن، هم آداب ظاهری دارد، هم آداب باطنی. آنچه در منابع روایی درباره آداب زیارت آمده، بسیار است و در این جا به برخی از آن آداب اشاره می‌کنیم:

۱. قبل از ورود به زیارتگاه، غسل کردن و با طهارت بودن و نیز مستحب است خواندن این دعا هنگام غسل زیارت:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَطَهْرًا وَحِرْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ وَأَفْتٍ وَعَاهَةِ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَأَسْرِخْ بِهِ صَدْرِي، وَسَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي».

۲. لباسهای پاکیزه پوشیدن و عطر و بوی خوش استعمال کردن.

۳. هنگام رفتن به زیارت، قدمهای کوتاه برداشتن، با آرامش و وقار راه رفتن، با خضوع و خشوع آمدن، و ترک کلمات بیهوده.

۴. هنگام رفتن به حرم و زیارت، زبان به تسبیح و حمد خدا گشودن و صلوات بر محمد و آل او ﷺ فرستادن و دهان را با یاد

خدا و نام اهل بیت علیهم السلام معطر ساختن.

۵. بر درگاه حرم ایستادن و دعا خواندن، و اجازه ورود خواستن، و سعی در تحصیل رقت قلب و خشوع دل نمودن، و مقام و عظمت صاحب قبر را تصوّر نمودن، و اینکه او ما را می‌بیند، سخن ما را می‌شنود، و سلام ما را پاسخ می‌دهد.

۶. در وقت داخل شدن، پای راست را مقدّم داشتن، و هنگام خروج از حرم پای چپ را، آن گونه که در ورود و خروج مسجد مستحب است.

۷. در برابر ضریح ایستادن و زیارت نامه خواندن.

۸. صاحب قبر را برای بر آمدن حاجت و رفع نیاز نزد خداوند شفیع قرار دادن.

۹. اگر عذری و ضعفی ندارد، ایستادن هنگام خواندن

زیارت.

۱۰. خواندن دو رکعت نماز زیارت در حرم مطهر، و اگر زیارت ائمه علیهم السلام است بالای سر بهتر است و پس از نماز، دعاهای منقول را خواندن، و حاجت طلبیدن، و تلاوت قرآن با آرامش و ترتیل و طمأنینه و هدیه کردن ثواب آن به روح مقدّس آن معصوم علیه السلام.

### اذن دخول جهت زیارت

پسندیده است زائر برای داخل شدن در حرم، اذن دخول بخواند، چنانچه شیخ کفعمی آورده هنگامی که خواستی به حرم رسول خدا ﷺ یا یکی از مشاهد مشرفه داخل شوی، بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ»، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخَلْفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَدْبِذِ مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلَى، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ»<sup>۱</sup>

و به جای فلان بن فلان نام آن امامی را که می خواهد زیارت کند و همچنین نام مبارک پدرشان را ببرد مثلاً اگر در زیارت

۱. در صورتی که زیارت یکی از ائمه معصومین علیهم السلام باشد.

امام حسین علیه السلام است، بگوید: «الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام» و اگر در زیارت امام رضا علیه السلام است، بگوید: «عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا علیه السلام» و هكذا، پس ادامه دهد:

«وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِينَ يَهْدِيهِ الْبَقْعَةَ الْمُبَارَكَةَ ثَالِثًا، ءَادْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمَقْرَبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذْنَتْ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِدُكِّكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِدُكِّكَ».

پس عتبه مبارکه را بیوسد و داخل شود و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

### زیارت حضرت رسول ﷺ

اما کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله چنین است که چون شخص داخل مسجد آن حضرت شود، نزدیک در بایستد و اذن دخول را بخواند و از درب جبرئیل وارد شود و پای راست خود را در وقت دخول مقدم بدارد، پس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، سپس دو رکعت نماز تحیت مسجد به جا آورد و به سمت حجره

شریفه برود و آنجا بایستد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ  
أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرَّسَالَهَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَوهَ، وَآتَيْتَ الزَّكْوَهَ، وَآمَرْتَ  
بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَيْتَكَ  
الْيَقِينَ، فَصَلَّوْا لِلَّهِ عَلَیْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

پس نزد ستون<sup>۱</sup> پیش که در جانب راست قبر است و رو به

۱. ستونهایی در محل قدیمی مسجدالنبی وجود دارد که هر یک از این ستونها یادگار

خاطره ویژه‌ای است که به اختصار توضیحاتی را در باره برخی از آنها می‌آوریم:

۱- استوانهٔ فود: در این مکان پیامبر اسلام ﷺ با سران قبایل برای آشنا ساختن آنان با اسلام اختصاص داده بودند و همیشه در این مکان هیئتها را به حضور می‌پذیرفتند.

۲- استوانهٔ سریر: در این مکان محل استراحت و جای تختخواب رسول خدا ﷺ بود.

۳- استوانهٔ حرس: این ستون از آن جهت به این نام آمده که حضرت علیؓ در کنار این ستون می‌ایستادند و از رسول خدا ﷺ نگاهبانی می‌کردند.

۴- استوانهٔ توبه: این ستون محل توبه یکی از اصحاب رسول خدا بنام ابولبابه است و ابولبابه که از طرف رسول خدا به نزد بنی قریظه رفته بود تا با آنان سخن بگوید و از روی بی‌توجهی با اشاره به آنان گفت چون نقض عهد کرده‌اید (بنی قریظه با رسول خدا ﷺ پیمان بسته بودند که با مشرکان همراهی نکنند، اما بعدها به این پیمان عمل نکردند) مرگ در انتظار شماست. ابولبابه که خود متوجه خطای خویش شده بود از قلعهٔ بنی قریظه خارج شد و مستقیم به سوی مسجد رفت و خود را به یکی از

قبله بایستد، به صورتی که دوش چپ او به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر، که آن موضع رسول خدا ﷺ است، و بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رَسُولَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى آتَيْتَ الْيَقِينَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْنَا مِنَ الْحَقِّ، وَأَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ، وَغَلِظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

→ ستونها بست و شروع به گریه و زاری کرد تا اینکه خداوند توبه او را پذیرفت. روی این جهت به این ستون، ستون توبه یا ستون ابی لبابه می گویند.

۵ - استوانه حنانه: پیامبر اسلام ﷺ برای وعظ و ارشاد مردم، بر تنه درخت خرمایی تکیه می کردند، وقتی که برای آن حضرت منبر ساخته شد، برای ایراد خطبه و موعظه مردم روی منبر قرار گرفتند از این درخت ناله‌ای شنیده شد، پیامبر ﷺ دستور داد تا آن درخت را در همان جا دفن کردند.

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ  
وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ  
وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَاتِّهِ  
الْوَسِيْلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِيْطُهُ بِهِ الْاَوْلَوْنَ  
وَالْاٰخِرُوْنَ، اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ  
جَاؤُوْكَ فَاسْتَغْفَرُوْا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا  
رَّحِيْمًا»، وَاِنِّيْ اَتَيْتُكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوْبِيْ، وَاِنِّيْ اَتُوْجَّهْ بِكَ اِلَى  
اللّٰهِ رَبِّيْ وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِيْ ذُنُوْبِيْ».

و اگر حاجتی داشته باشد، قبر مطهر را در قسمت پشت  
کتف خود قرار دهد و رو به قبله کند و دستها را به دعا  
بردارد و حاجت خود را بطلبد، که سزاوار است که برآورده  
شود اِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالٰی؛ و ابن قولویه به سند معتبر روایت  
کرده از محمد بن مسعود که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام به نزد  
قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت  
و گفت:

«اَسْئَلُ اللّٰهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَيْ بِكَ اَنْ يُصَلِّيَ  
عَلَيْكَ»، پس فرمود: «اِنَّ اللّٰهَ وَ مَلٰٓئِكَتَهُ يُصَلُّوْنَ عَلٰى النَّبِيِّ يَا اَيُّهَا  
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَيَّهِ وَ سَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا».

### نماز زیارت و دعای بعد از آن

سپس دو رکعت نماز زیارت خوانده، و ثواب آن را به پیامبر اهدا کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحَدَّكَ لِاشْرِيكَ لَكَ  
لِإِنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ  
رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ، وَأَجْرِي عَلَيَّ ذَلِكَ  
بِأَفْضَلِ أَمَلِي، وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

### بعضی از مستحبات مسجدالنبی

#### دعادر روضه شریفه

در مسجد پیغمبر بسیار نماز بگزار، چون که برای هر نماز در آن مکان شریف، معادل ثواب یک هزار نماز در نامه اعمال نمازگزار می نویسند، از حضرت رسول مروی است که فرمودند: بین قبر و منبر من باغی از باغهای بهشت است، و حدود روضه شریفه طولاً از قبر منور تا موضع منبر آن حضرت، و عرضاً از منبر تا ستون چهارم قرار گرفته، و مستحب است این دعا را در روضه

مباركه بخوانند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ جَنَّاتِكَ، وَشُعْبَةٌ مِنْ شُعَبِ رَحْمَتِكَ، الَّتِي ذَكَرَهَا رَسُولُكَ وَأَبَانَ عَنْ فَضْلِهَا، وَشَرَفِ التَّعَبِدِ لَكَ فِيهَا، فَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا فِي سَلَامَةِ نَفْسِي، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ فِي ذَلِكَ، وَعَلَى مَا زَرَقْتَنِيهِ مِنْ طَاعَتِكَ، وَطَلَبِ مَرْضَاتِكَ، وَتَعْظِيمِ حُرْمَةِ نَبِيِّكَ، بِزِيَارَةِ قَبْرِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ، وَالتَّرَدُّدِ فِي مُشَاهِدِهِ وَمَوَاقِفِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ، حَمْدًا يَنْتَظِمُ بِهِ مَحَامِدُ حَمَلَةِ عَرْشِكَ، وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ لَكَ، وَيَقْضُرُ عَنْهُ حَمْدُ مَنْ مَضَى، وَيَفْضُلُ حَمْدَ مَنْ بَقِيَ مِنْ خَلْقِكَ لَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ، حَمْدٌ مَنْ عَرَفَ الْحَمْدَ لَكَ، وَالتَّوْفِيقَ لِلْحَمْدِ مِنْكَ، حَمْدًا يَمْلَأُ مَا خَلَقْتَ وَيَبْلُغُ حَيْثُ مَا أَرَدْتَ، وَلَا يَخْجُبُ عَنْكَ وَلَا يَنْقُضِي دُونَكَ، وَيَبْلُغُ أَقْصَى رِضَاكَ وَلَا يَبْلُغُ آخِرَهُ أَوْائِلُ مَحَامِدِ خَلْقِكَ لَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَا عَرَفْتُ الْحَمْدَ، وَأَعْتَقِدُ الْحَمْدَ، وَجُعِلَ ابْتِدَاءُ الْكَلَامِ الْحَمْدَ، يَا بَابِي الْعِزِّ وَالْعَظَمَةِ، وَدَائِمِ السُّلْطَانِ وَالْقُدْرَةِ وَشَدِيدِ الْبَطْشِ وَالْقُوَّةِ، وَنَافِذِ الْأَمْرِ وَالْإِرَادَةِ، وَوَاسِعِ الرَّحْمَةِ، وَالْمَغْفِرَةِ، وَرَبِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ يَقْضُرُ عَنْ أَيْسَرِهَا حَمْدِي، وَلَا يَبْلُغُ أَذْنَاهَا شُكْرِي، وَكَمْ مِنْ صَنَائِعِ مِنْكَ إِلَيَّ لَا يُحِيطُ بِكُتُبِهَا وَهَمِي، وَلَا يُقَيِّدُهَا فِكْرِي، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ

المُصْطَفَى، بَيْنَ الْبَرِيَّةِ طِفْلاً وَخَيْرِهَا شَاباً وَكَهْلاً، أَطْهَرَ الْمُصْطَهَّرِينَ  
شِيْمَةً، وَأَجْوَدَ الْمُسْتَمِرِّينَ دِيْمَةً، وَأَعْظَمَ الْخَلْقِ جُرْثُومَةً، الَّذِي  
أَوْضَحَتْ بِهِ الدَّلَالَاتِ، وَأَقَمَتْ بِهِ الرِّسَالَاتِ، وَخَتَمَتْ بِهِ النُّبُوءَاتِ،  
وَفَتَحَتْ بِهِ الْخَيْرَاتِ، وَأَظْهَرَتْهُ مَظْهَرًا، وَأَبْتَعَتْهُ نَبِيًّا وَهَادِيًّا آمِينًا  
مَهْدِيًّا، وَدَاعِيًّا إِلَيْكَ، وَذَالًا عَلَيْكَ، وَحُجَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ  
عَلَى الْمَعْصُومِينَ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالطَّيِّبِينَ مِنْ أُسْرَتِهِ، وَتَشَرَّفْ لَدَيْكَ بِهِ  
مَنَازِلَهُمْ، وَعَظِّمْ عِنْدَكَ مَرَاتِبَهُمْ، وَاجْعَلْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى  
مَجَالِسَهُمْ، وَأَرْفَعْ إِلَى قُرْبِ رَسُولِكَ دَرَجَاتِهِمْ، وَتَمِّمْ بِلِقَائِهِ  
سُرُورَهُمْ، وَوَفِّرْ بِمَكَانِهِ أَنْسَهُمْ».

### دعا و نماز نزد ستون توبه

دو رکعت نماز نزدیک ستون ابولبابه که معروف به «ستون

توبه»<sup>۱</sup> است بخوان، و بعد از آن این دعا را می خوانی:

۱. استوانه توبه:

ستون توبه یادآور خاطره ای است در باره یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ به نام «ابولبابه». زمانی که در سال پنجم هجرت، احزاب مشرک به مدینه یورش آوردند و در شمال مدینه مواجه با خندق شدند به فکر اتحاد با یهودیان بنی قریظه افتادند که در قسمت جنوبی مدینه ساکن بودند و می توانستند با گشودن دروازه هایشان احزاب ←

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ لَا تُهِنِّي بِالْفَقْرِ، وَلَا تُذِلَّنِي بِالدِّينِ، وَلَا تُزِدْنِي إِلَى الْهَلَكَةِ، وَأَعِصِمْنِي كَيْ أَعْتَصِمَ، وَأَصْلِحْ لِي كَيْ أَنْصَلِحَ، وَاهْدِنِي كَيْ أَهْتَدِيَ، اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى اجْتِهَادِ نَفْسِي، وَلَا تُعَذِّبْنِي بِسُوءِ ظَنِّي، وَلَا تُهْلِكْنِي وَأَنْتَ رَجَائِي، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُغْفِرَ لِي وَقَدْ أَخْطَأْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّي وَقَدْ أَقْرَزْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُقِيلَ وَقَدْ عَثِرْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُحْسِنَ وَقَدْ أَسَأْتُ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ، فَوْقَنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَبَسِّرْ لِي الْيَسِيرَ، وَجَنِّبْنِي كُلَّ عَمِيرٍ، اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِي، وَبِالْغِنَى عَنِ الْفَقْرِ، وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ،

→ را به مدینه راه دهند. یهودیان بنی قریظه با رسول خدا ﷺ پیمان داشتند و به رغم این پیمان با مشرکان همراهی کردند. پس از خاتمه حمله احزاب، رسول خدا ﷺ به سراغ بنی قریظه رفت و آنان را در حصار گرفت. ابولبابه از طرف رسول خدا ﷺ نزد بنی قریظه رفت تا با آنان سخن بگوید. وی از روی بی توجهی با اشاره به آنان گفت: چون نقض عهد کرده‌اند مرگ در انتظار آنهاست. این سخن می‌توانست بنی قریظه را به دفاعی سخت در برابر مسلمانان وادار کند. ابولبابه که خود متوجه خطای خویش شده بود از قلعه بنی قریظه خارج شده و مستقیم به سوی مسجد رفت و خود را به یکی از ستونها بست و شروع به گریه و زاری کرد و نماز خواند، خداوند ضمن آیاتی، توبه او را پذیرفت و از مسلمانان خواست تا خیانت نکنند. این ستون به خاطر همین نقل، به نام «ستون توبه» معروف است.

وَبِالْأَبْرَارِ عَنِ الْفَجَارِ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

پس حاجات خود را طلب کن، که به خواست خدا مُستجاب می شود.

### استحباب روزه و دعا در مدینه منوره و مسجد النبی

مستحب است سه روز در مدینه منوره به قصد بر آورده شدن حاجات روزه بگیرند، گرچه مسافر باشند، و احتیاط واجب آن است که روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد، و نیز مستحب است شب چهارشنبه و روز آن نزدیک ستون ابولبابه نماز گزارند، و شب پنجشنبه و روز آن نزد ستونی که مقابل آن قرار گرفته نماز گزارند، و شب و روز جمعه نزد ستونی که جنب محراب حضرت رسول اکرم ﷺ واقع شده نماز گزارند، و جهت بر آورده شدن حاجات دُنوی و أُخروی از درگاه الهی سؤال کنند، و ضمن دعاهایی که می خوانند این دعا باشد:

«اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ شَرَعْتُ أَنَا فِي طَلِبِهَا أَوْ التَّمَاسِ أَوْ لَمْ أَشْرَعْ، سَأَلْتُكَهَا أَوْ لَمْ أَسْأَلْكَهَا، فَانِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا

وَكَبِيرِهَا، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَلِكُ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ، وَجَمِيْعِ مَا  
 اَحَاطَ بِهٖ عِلْمُكَ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيَّهِ  
 وَاٰلِهٖ، وَاَنْ تَفْعَلَ بِيْ كَذَا وَّكَذَا»، و به جای «كذا وكذا» حاجات خود  
 را بطلب، که إن شاء الله مستجاب می شود.

### نماز و دعا نزد مقام جبرئیل

مستحب است در مقام جبرئیل نماز گزارد، و دعا بخواند و آن  
 همان مقامی است که جبرئیل هنگام ورود بر پیغمبر اکرم ﷺ از  
 ایشان اذن می طلبید، و مکان آن زیر ناودانی است که بالای در  
 خانه حضرت زهرا علیها السلام قرار گرفته، و در خانه آن حضرت - بنا بر  
 روایاتی که گفته شده قبر آن معظمه در خانه اش می باشد - همان  
 دری است که محاذی قبر آن حضرت است، و پس از نماز  
 بگوید:

« يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ، وَمَلَأَهَا جُنُودًا مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَهُ مِنْ  
 مَلَائِكَتِهِ، وَالْمُجَدِّدِينَ لِقُدْرَتِهِ وَعَظَمَتِهِ، وَأَفْرَغَ عَلَيَّ أَبْدَانِهِمْ حَلَلِ  
 الْكِرَامَاتِ، وَأَنْطَقَ أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغَاتِ، وَأَلْبَسَهُمْ شِعَارَ  
 التَّقْوَى، وَقَلَّدَهُمْ قَلَائِدَ النُّهَى، وَجَعَلَهُمْ أَوْفَرَ أَجْناسِ خَلْقِهِ مَعْرِفَةَ  
 بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ وَجَلَالَتِهِ وَعَظَمَتِهِ، وَأَكْمَلَهُمْ عِلْمًا بِهِ، وَأَشَدَّهُمْ

فَرَقًا، وَأَدْوَمَهُمْ لَهُ طَاعَةً وَخُضُوعًا وَأَسْتِكَانَةً وَخُشُوعًا، يَا مَنْ فَضَّلَ  
الْأَمِينَ جِبْرِئِيلَ بِخِصَائِهِ وَدَرَجَاتِهِ وَمَنَازِلِهِ، وَأَخْتَارَهُ لِيُوحِيَهُ  
وَسِفَارَتِهِ وَعَهْدِهِ وَأَمَانَتِهِ، وَأَنْزَلَ كُتُبَهُ وَأَوَامِرَهُ عَلَى أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ،  
وَجَعَلَهُ وَاسِطَةً بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَهُمْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
وَأَلِّ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى جَمِيعِ مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ، أَعْلَمِ خَلْقِكَ  
بِكَ، وَأَخُوفِ خَلْقِكَ لَكَ، وَأَقْرَبِ خَلْقِكَ مِنْكَ، وَأَعْمَلِ  
خَلْقِكَ بِطَاعَتِكَ، الَّذِينَ لَا يَغْشِيهِمْ نَوْمُ الْعَيُونِ، وَلَا سَهْوُ الْعُقُولِ، وَلَا  
فِتْرَةُ الْأَبْدَانِ، الْمَكْرَمِينَ بِجِوَارِكَ، وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَيَّ وَحَيْكَ،  
الْمُجْتَنِبِينَ الْآفَاتِ، وَالْمُوقِنِينَ السَّيِّئَاتِ، اَللَّهُمَّ وَأَخْصِصِ الرُّوحَ  
الْأَمِينَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ بِأَضْعَافِهَا مِنْكَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ  
وَطَبَقَاتِ الْكَرُوبِيِّينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ، وَزِدْ فِي مَرَاتِبِهِ عِنْدَكَ، وَحَقُوقِهِ  
الَّتِي لَهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ، بِمَا كَانَ يَنْزِلُ بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكَ، وَمَا  
بَيَّنَّتَهُ عَلَى السِّنَةِ أَنْبِيَائِكَ، مِنْ مُحَلَّلَاتِكَ وَمَحْرَمَاتِكَ، اَللَّهُمَّ أَكْثِرْ  
صَلَوَاتِكَ عَلَى جِبْرِئِيلَ، فَإِنَّهُ قُدْوَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَهَادِي الْأَصْفِيَاءِ  
وَسَادِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْ وَقُوفِي فِي مَقَامِهِ هَذَا سَبَبًا  
لِنِزُولِ رَحْمَتِكَ عَلَيَّ، وَتَجَاوُزِكَ عَنِّي، رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي  
لِلْإِيمَانِ، أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا، رَبَّنَا فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ  
عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ، رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا

تُخْرِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، أَيُّ جَوَادُ أَيُّ كَرِيمٍ، أَيُّ قَرِيبُ أَيُّ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُؤَفِّقَنِي لِمَا عَمِلْتُكَ، وَلَا تُزِيلَ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَأَنْ تَرْزُقَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتُوسِّعَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَتُغْنِيَنِي عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَتُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ، وَلَا تُخَيِّبْ يَارَبُّ دُعَائِي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ بگوید: «وَأَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، أَنْ تَعْصِمَنِي عَنِ الْمَهَالِكِ، وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَوَعَثَاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تُرُدَّنِي سَالِمًا إِلَى وَطَنِي، بَعْدَ حَجِّ مَقْبُولٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

و از حضرت امام صادق علیه السلام مروی است که در مقام

جبرئیل علیه السلام حاضر شود، و بگوید:

«أَيُّ جَوَادُ أَيُّ كَرِيمٍ، أَيُّ قَرِيبُ أَيُّ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تُرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ».

#### زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام نزد خداوند مقامی بس والا دارد، و

در زیارت آن بانوی بزرگ و فداکار، پاداشی عظیم است. به

نقل علامه مجلسی رحمته الله در مصباح الأنوار، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پدرم به من فرمود: هر که بر تو صلوات بفرستد، خداوند متعال او را بیمارزد، و در هر جای از بهشت که باشم، او را به من ملحق سازد.

مرحوم شیخ طوسی در تهذیب نوشته است: آنچه در فضیلت زیارت حضرت زهرا علیها السلام روایت شده، بیش از آن است که به شمار آید.

حضرت فاطمه علیها السلام در سالهای اول بعثت به دنیا آمد، و در دامان پیامبر بزرگ شد، و در دوران سخت رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مراقبت و یاری پدر پرداخت، با علی بن ابی طالب رضی الله عنه ازدواج کرد، و پس از رحلت پدر بزرگوارش، به فاصله ۷۵ روز (یا ۹۵ روز) دار فانی دنیا را وداع گفت.

جای دقیق قبر آن حضرت، معلوم نیست. برخی مدفن او را در حرم پیامبر (بین قبر و منبر) می دانند، برخی گفته اند در خانه خودش (کنار مرقده پیامبر) دفن شده، بعضی هم مدفن او را در بقیع و در کنار قبر ائمه علیهم السلام می دانند. آنچه بیشتر نزد اصحاب ما مطرح است، زیارت آن حضرت در روضه و کنار قبر رسول

اللَّهُ ﷻ است،<sup>۱</sup> و بهتر است که در هر سه مکان، آن حضرت را زیارت کنی.

### زیارت اول حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

وقتی در هر یک از این مواضع ایستادی، خطاب به آن معصومه مطهره و پاره تن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده، و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحُورَاءُ الْإِنْسِيَّةُ،

۱. الفقیه ۲: ۳۴۱، ح ۱۵۷۲ و ۱۵۷۴ و ۱۵۷۵؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۶۷، باب

استحباب زیارة فاطمة علیها السلام و موضع قبرها، باب ۱۸.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى  
بَعْلِكَ وَبَنِيكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ  
وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَصِيَّبٌ عَلَى بَيْتَةِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ  
سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ  
قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ، لِإِنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنَّتَيْهِ، كَمَا قَالَ  
عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ وَأَفْضَلُ صَلَوَاتِهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَنِّي  
رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَمَّنْ سَخِطَ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ  
تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ  
أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً  
وَمُثَبِّباً».

سپس می گوئی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ  
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَخَيْرِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَصَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي  
طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَآمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ، وَصَلِّ عَلَى  
فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي شَبَابِ  
أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ  
الْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَصَلِّ عَلَى  
الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى كَاطِمِ الْعِظِ فِي اللَّهِ

مُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ، وَصَلَّىٰ عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ، وَصَلَّىٰ عَلَى النَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلَّىٰ عَلَى النَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلَّىٰ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اللَّهُمَّ أَخِي بِهِ الْعَدْلَ، وَأَمِثَ بِهِ الْجَوْرَ، وَزَيْنَ بِبِقَاءِهِ الْأَرْضَ، وَأَظْهَرَ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ، وَالْمَقْبُولِينَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَاءِهِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرْتَ لَهُمْ تَطْهِيراً».

سپس دو رکعت نماز بگزار، و ثواب آن را به روح منور

حضرت زهرا علیها السلام هدیه کن، آن گاه این دعا را بخوان :

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ، عَلَيْهِمْ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقَّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ، وَبِأَسْمَاءِكَ الْحُسْنَىٰ الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوكَ بِهَا، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ، فَكَانَتْ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَبِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا وَأَعْظَمِهَا لَدَيْكَ، وَأَسْرَعِهَا إِجَابَةً وَأَنْجَحِهَا طَلَبَةً، وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحَقُّهُ

وَمُسْتَوْجِبُهُ، وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَأَزْعَبُ إِلَيْكَ، وَأَتَضَرَّعُ وَأَلْحُ عَلَيْكَ،  
وَأَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ  
عَلَيْهِمْ، مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ فِيهَا  
اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَاءِكَ الْعَظْمَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي أَلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ  
وَعَنِّي، وَتَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي، وَتَرْفَعَهُ فِي عَلَيِّنِ، وَتَأْذَنَ لِي  
فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ بَفَرَجِي وَإِعْطَاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقَدَّرْتَهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ  
بِالسَّمَاءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ،  
يَا مَنْ سَمَى نَفْسَهُ بِالْإِسْمِ الَّذِي تُقْضَى بِهِ حَاجَةٌ مَنْ يَدْعُوهُ، أَسْأَلُكَ  
بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ، فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ  
وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَتُسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ  
وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ بِنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بِنِ  
مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بِنِ جَعْفَرَ وَعَلِيٍّ بِنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ  
بِنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بِنِ عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ الْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ، صَلَوَاتِكَ  
وَسَلَامِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيَسْهَبُوا لِي إِلَيْكَ،  
وَتَشْفَعَهُمْ فِيَّ، وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

و حوائج خود را بخواه، إن شاء الله بر آورده می شود.

زیارت دوم حضرت فاطمہ زہرا علیہا السلام

«السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا مُمْتَحَنَةً، قَدْ امْتَحَنَكَ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ  
يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَنَحْنُ لَكَ أَوْلِيَاءُ صَابِرُونَ،  
وَمَصَدِّقُونَ لِكُلِّ مَا آتَيْنَا بِهِ أَبُوكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَآتَيْنَا بِهِ  
وَصِيَّتَهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا لِحَقِّتِنَا بِتَصَدِّيقِنَا لَهُمَا  
لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا أَنَّا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ».

سپس می گوئی:

«السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَلَائِكَتُهُ  
أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ،  
مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّئْتَ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ،  
مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ، مُجِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً  
وَجَازِياً وَثَبِيباً».

پس دو رکعت نماز زیارت بگزار، و ثواب آن را به روح منور

حضرت زهرا علیہا السلام هدیه کن، و صلوات بر محمد و آل محمد علیہم السلام

بفرست، و حوائج خود را طلب کن.

زیارت ائمهٔ بقیع علیهم السلام

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی، آنچه در آداب زیارت ذکر شد (از غسل، طهارت، پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه، استعمال بوی خوش و اذن دخول و امثال آن) اینجا نیز به جای آور، و در اذن دخول بگو:

«یا مَوَالِیَّ یا اَبْناءَ رَسولِ اللهِ، عَبدُکُمْ وَاَبْنُ اَمَتِکُمْ الذَّلِیلُ  
بَیْنَ اَیْدِیْکُمْ، وَالْمُضَعِفُ فِی عُلُوِّ قَدْرِکُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّکُمْ،  
جاءَکُمْ مُسْتَجِیراً بِکُمْ، فَاصِداً اِلی حَرَمِکُمْ، مُتَقَرِّباً اِلی مَقامِکُمْ،  
مَتَوَسِّلاً اِلی اللهِ تَعالیٰ بِکُمْ، اَدْخُلْ یا مَوالیَّ، اَدْخُلْ یا اَوْلِیاءَ اللهِ،  
اَدْخُلْ یا مَلَائِکَةَ اللهِ الْمُحَدِّقِینَ بِهَذَا الحَرَمِ، الْمُقِیْمِینَ بِهَذَا  
المَشْهَدِ.»

و بعد از خضوع و رقت قلب داخل شو و پای راست را مقدم

بدار و بگو:

«اللهُ اَکْبَرُ کَبِیراً، وَالْحَمْدُ لِلّهِ کَثِیراً، وَ سُبْحانَ اللهِ بُکْرَةً  
وَ اَصِیلاً، وَالْحَمْدُ لِلّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْاَحَدِ، الْمَتَفَضِّلِ  
الْمَنَّانِ، الْمَتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِی مَنْ بَطُولِهِ، وَسَهْلَ زِیَارَةِ

سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ  
وَمَنَحَ».

سپس نزدیک قبور مقدس ایشان برو، و پشت به قبله و رو به  
قبر ایشان کن، و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ  
التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ  
عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُ فِي الْبَرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ  
الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ  
النَّجْوَى، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ  
اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيُّمَّةُ  
الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَأَنَّ قَوْلَكُمْ  
الصِّدْقَ، وَأَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا،  
وَأَنَّكُمْ دَعَائِمَ الدِّينِ وَأَرْكَانَ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ،  
يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ،  
لَمْ تُدَنَّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ تَشْرِكْ فِيكُمْ فِتْنُ  
الْأَهْوَاءِ، طَبِئْتُمْ وَطَابَ مَنْبَتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ،  
فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ،  
وَجَعَلَ صَلَاتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ

لَنَا، وَ طَيِّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلايَتِكُمْ، وَ كُنَّا عِنْدَهُ  
 مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ بِتَضَدِّيقِنَا اِيَّاكُمْ، وَ هَذَا مَقَامُ  
 مَنْ اَسْرَفَ وَ اَخْطَا وَ اسْتَكْبَرَ وَ اَقْرَبَ بِمَا جَنَى، وَ رَجَى بِمَقَامِهِ  
 الْخَلَاصَ، وَ اَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِيِّ مِنَ الرَّدَى،  
 فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ، فَقَدْ وَقَدْتُ اِلَيْكُمْ اِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ اَهْلُ  
 الدُّنْيَا، وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللهِ هُزُوءًا، وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ  
 قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو، وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمُنُّ  
 بِمَا وَفَّقْتَنِي، وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا اَقْسَمْتَنِي عَلَيْهِ، اِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ  
 وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا اِلَى سِوَاهُ، فَكَانَتْ اَلْمِنَّةُ  
 مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ اَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ اِذْ  
 كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكَورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرَمْنِي مَا رَجَوْتُ،  
 وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ، بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ اِلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ صَلَّى  
 اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ».

پس دعاکن از برای خود به هر چه خواهی.

شیخ طوسی رحمته الله در تهذیب فرموده: بعد از آن هشت رکعت

نماز زیارت به جا آور، یعنی از برای هر امامی دو رکعت.

به تصریح اکثر بزرگان بهترین زیارت برای ائمهٔ بقیع همان

زیارت جامعهٔ کبیره است که در آخر همین کتاب آورده‌ام.

زیارت امام حسن مجتبی علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ،

۱. مختصری از زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام

ریحانه پیامبر صلی الله علیه و آله حسن بن علی علیه السلام در پانزدهم رمضان سال سوم هجرت به دنیا آمد وی و برادرش امام حسین علیه السلام مورد علاقه شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و به عنوان فرزند آن حضرت شناخته می شدند. امام مجتبی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار پدرش امیر مؤمنان علیه السلام در جنگهای جمل، صفین و نهروان شرکت کرد، پس از شهادت علی علیه السلام با نصب پدرش، مردم عراق با او بیعت کردند، اما به دلایل متعددی وی را همچون پدرش در جنگ با معاویه تنها گذاشتند، او نیز به اجبار حکومت را رها کرد و عازم مدینه شد. این رخداد در سال ۴۱ هجری اتفاق افتاد، پس از آن امام مجتبی علیه السلام به مدت ده سال در مدینه با شیعیان خود در ارتباط بود. امام حسن علیه السلام اسوه کامل برای اخلاق اسلامی بود و بارها اموال خویش را نصف کرد و نیمی از آن را در راه خدا بخشید، عاقبت به توطئه معاویه و به دست همسر بی وفایش جَعده دختر اشعث بن قیس، مسموم شد و به شهادت رسید، مردم مدینه در سوگ آن امام به ماتم نشستند. امام حسن علیه السلام علاقه مند بود تا در کنار جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شود، اما مروانیان با همکاری شخصی که ادعای مالکیت زمینی را داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا مدفون شده بود، مانع از این کار شدند. امام حسین علیه السلام به خاطر توصیه برادر به عدم ایجاد درگیری، برادرش را در بقیع به خاک سپرد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 لِسَانَ حِكْمَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ  
 التَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ  
 بِالتَّنْزِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
 أَيُّهَا الْبَاهِرُ الْخَفِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ، السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقُ الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَرَحْمَةَ  
 اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ».

### زیارت امام زین العابدین علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَيْنَ  
 الْمُتَهَجِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ  
 الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ،  
 السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا  
 الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْجِبِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ  
 يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سِرَاجَ الْمُرْتَضِينَ، السَّلَامُ  
 عَلَیْكَ يَا دَخِيرَةَ الْمُتَعَبِّدِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مِصْبَاحَ الْعَالَمِينَ،

۱. مختصری از زندگانی امام سجّاد علیه السلام

امام سجّاد زین العابدین علیه السلام، چهارمین امام شیعه در سال ۳۸ هجری متولد شد و دوران رشد خود را در عهد امامت امام مجتبی علیه السلام و پدر خود امام حسین علیه السلام سپری کرد. آن حضرت در کربلا حضور داشت، اما به دلیل بیماری در جنگ شرکت نکرد. پس از آن نزدیک به سی و چهار سال، یعنی تا سال ۹۴ هجری، رهبری شیعه را بر عهده داشت. این دوره، دوره‌ای سخت بوده و شیعیان به شدت تحت فشار امویان قرار داشتند، آن حضرت از راههای گوناگونی توانست شیعیان خالص را در اطراف خویش گرد آورد و راه را برای فرزندش امام باقر علیه السلام باز کند. از مهم ترین یادگارهای امام سجّاد علیه السلام دعاهاى آن حضرت است که سرشار از مفاهیم عالی اخلاص و عبادی و سیاسی است و پس از قرآن و نهج البلاغه یکی از مهم ترین متون دینی ما به شمار می آید. بنا بر آنچه در برخی از منابع تاریخی آمده است، امام سجّاد علیه السلام در سال ۹۴ هجری به تحریک ولید بن عبدالملک مسموم گردید و به شهادت رسید و در کنار امام مجتبی علیه السلام در بقیع مدفون شد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكِينَةَ الْحِلْمِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْقِضَاصِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ  
الْخَلَاصِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ النَّدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَدْرَ  
الدُّجَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْأَوَاهُ الْحَلِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
الصَّابِرُ الْحَكِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَبِّيسَ الْبِكَائِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا مِضْبَاحَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، أَشْهَدُ  
أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَابْنُ حُجَّتِهِ وَأَبُو حُجَجِهِ، وَابْنُ أَمِينِهِ وَابْنُ أَمْنَاءِهِ،  
وَأَنَّكَ نَاصِحَتَ فِي عِبَادَةِ رَبِّكَ، وَسَارِعَتَ فِي مَرْضَاتِهِ، وَحَبِيبَتَ  
أَعْدَاءِهِ، وَسَرَرْتَ أَوْلِيَاءَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ عَبَدْتَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ،  
وَأَتَّقَيْتَهُ، حَقَّ تَقَاتِهِ، وَأَطَعْتَهُ حَقَّ طَاعَتِهِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَعَلَيْكَ  
يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ  
وَبَرَكَاتُهُ».

زیارت امام محمد باقر علیه السلام<sup>۱</sup>

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاقِرُ بِعِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
 الْفَاحِصُ عَنْ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبَيَّنُ لِحُكْمِ اللَّهِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ بِقِسْطِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ  
 لِعِبَادِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
 الدَّلِيلُ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَبْلُ الْمَتِينُ، السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ الْمُبِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ السَّلَامِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ

۱. مختصری از زندگانی امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام پنجمین امام شیعه، در سال ۵۸ هجری به دنیا آمد و تا سال ۹۴ هجری در کنار پدرش در مدینه زندگی می‌کرد. پس از رحلت پدر، رهبری شیعه را در دست گرفت. آن امام همواره سرگرم حفظ عقاید دینی از تحریف شد و کوشید تا با تربیت شاگردان فراوان، معارف اصیل اسلام را از تحریف امویان حفظ کند. امام باقر را به دلیل علم و دانش فراوانش باقرالعلوم، یعنی شکافنده علوم لقب دادند. جابر انصاری از آخرین صحابه برجای مانده، سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را به او رساند و امام را بوسید. امام در اوج نزاع‌هایی که میان عالمان مدینه بر سر مسائل اعتقادی و احکام فقهی درگرفته بود، خطوط روشن را در فقه و تفسیر و سیره نبوی تبیین کرد که تکیه‌گاه شیعیان در مذهب اصیل شیعه است. امام باقر علیه السلام در سال ۱۱۴ یا ۱۱۷ هجری به تحریک هشام بن عبدالملک به شهادت رسید و در کنار پدرش حضرت سجاد علیه السلام در بقیع مدفون شد.

الْبَلَجِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْأَسْرَجُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
النَّجْمُ الْأَزْهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَوْكَبُ الْأَبْيَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
أَيُّهَا الْمُنْرَةُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومُ مِنْ  
الرِّلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّكِّيُّ فِي الْحَسَبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
الرَّفِيعُ فِي النَّسَبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ قَدْ  
صَدَعْتَ بِالْحَقِّ صَدْعاً، وَتَقَرَّتِ الْعِلْمَ بَقْرًا، وَنَثَرْتَهُ نَثْرًا، لَمْ تَأْخُذْكَ  
فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لِأَنْتُمْ، وَكُنْتَ لِدِينِ اللَّهِ مَكَاتِمًا، وَقَضَيْتَ مَا كَانَ عَلَيْكَ،  
وَأَخْرَجْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ وَايَةٍ غَيْرِ اللَّهِ إِلَى وَايَةِ اللَّهِ، وَأَمَرْتَ بِطَاعَةِ  
اللَّهِ، وَنَهَيْتَ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، حَتَّى قَبَضَكَ اللَّهُ إِلَى رِضْوَانِهِ، وَذَهَبَ  
بِكَ إِلَى دَارِ كَرَامَتِهِ، وَإِلَى مَسَاكِينِ أَصْفِيَاءِهِ، وَمَسْجُودَةِ أَوْلِيَاءِهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

زیارت امام صادق علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّادِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
 الْوَصِيُّ النَّاطِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَائِقُ الرَّائِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ  
 أَيُّهَا السَّنَامُ الْأَعْظَمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الظُّلُمَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَافِعَ الْمُعْضَلَاتِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِفْتَاحَ الْخَيْرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ

۱. مختصری از زندگانی امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام که ششمین امام معصوم است و مذهب شیعه با نام او به عنوان مذهب جعفری شناخته می‌شود، در سال ۸۰ یا ۸۳ هجری در مدینه به دنیا آمد و پس از رحلت پدر، رهبری فکری و سیاسی شیعیان اصیل پیرو مذهب امامیه را بر عهده گرفت، آن حضرت تا سال ۱۴۸ هجری در قید حیات بود، در این مدت نزدیک به چهار هزار نفر شاگرد در محفل درسش حاضر شدند و از دانش آن حضرت بهره بردند. امام صادق علیه السلام مورد ستایش تمامی عالمان عصر خویش بود. در متون دینی شیعه، چندین هزار روایت از آن حضرت در تفسیر، اخلاق و به ویژه فقه، رسیده که باعث عظمت حدیث شیعه و موجب تقویت بنیه علمی آن است. امام صادق علیه السلام کوشید تا شیعیان را در برابر دیگران مسلح به دانش حدیث و فقه کند و با انحرافات که ممکن بود در میان شیعه به وجود آید به مبارزه برخیزد. در دوره این امام نیز جز در چند سال نخست دولت عباسی، فشاری سخت بر شیعیان وجود داشت، منصور، دومین خلیفه عباسی، نسبت به امام صادق علیه السلام سخت کینه داشت و عاقبت نیز به نوشته مورخان در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری، آن حضرت، به تحریک وی مسموم شد و به شهادت رسید. امام صادق علیه السلام در کنار جد و پدرش در بقیع به خاک سپرده شد.

الْبَرَكَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَاحِبَ الْحُجَجِ وَالذَّلَالَاتِ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا ضَاحِبَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ  
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاشِرَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ  
الْخِطَابَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
عَمِيدَ الصَّادِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ النَّاطِقِينَ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا خَلْفَ الْخَائِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَعِيمَ الصَّادِقِينَ  
الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
هَادِيَ الْمُضِلِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكَنَ الطَّائِعِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ  
أَنَّكَ عَلَى الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَشَمْسُ الضُّحَى، وَبَحْرُ الْمَدَى،  
وَكَهْفُ الْوَرَى، وَالْمَثَلُ الْأَعْلَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ،  
وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْعَبَّاسِ عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
وَسَلَّمَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

سپس برای هر امامی دو رکعت نماز زیارت می خوانی.

#### زیارت عباس بن عبدالمطلب

عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم ﷺ مقامی والا  
دارد، و در راه اسلام و پیامبر فداکاری های بسیار کرد. در زیارت  
او چنین می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَبَّاسُ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ الْحَسَنُ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ الْبَاقِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوِيكُمْ وَمَسْكَنَكُمْ وَمَحَلَّكُمْ وَمَأْوِيكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و در مفتاح الجنات این زیارت را نقل کرده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبِ السَّقَايَةِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

#### زیارت فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علیه السلام

فاطمه بنت اسد، از زنان عالی مقام و مورد احترام خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و فرزندی همچون علی بن ابی طالب علیه السلام به دنیا آورد. قبر ایشان نزدیک قبور ائمه بقیع علیهم السلام است، لیکن بعضی

گفته اند قبر آن مخدّره نزدیک قبر حلیمه سعدیه می باشد.

می ایستی نزد قبر آن بانوی مجلله و می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَخْرَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيَّتُهَا الصَّادِقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيَّتُهَا النَّفِيَّةُ النَّفِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مَنْ تَرْبِيَّتُهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ وَعَلَى زَوْجِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيَّكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالَهَ، وَادَّيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالَغْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَيَّ نَفْسِي، وَاقِفَةً عَلَيَّ خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ، مُؤَثِّرَةً هَوَاهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَيَّ الْإِيمَانَ وَالتَّمَسُّكَ بِأَشْرَفِ الْأَذْيَانِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً،

تَقِيَّةَ نَفِيَّةً، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوِيكَ،  
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبِّئْنِي عَلَى  
 مَحَبَّتِهَا، وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا،  
 وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَأَحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اللَّهُمَّ  
 لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَأَرْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا  
 أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَأَدْخِلْنِي فِي  
 شَفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَ  
 مَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،  
 وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ  
 النَّارِ».

### زیارت دختران حضرت رسول ﷺ

رسول خدا ﷺ غیر از فاطمه زهرا علیها السلام دختران دیگری هم به  
 نامهای «زینب»، «ام کلثوم» و «رقیه» داشته است که قبرشان در  
 بقیع می باشد.

برای زیارت آنان، نزدیک قبورشان می ایستی و به قصد  
 رجاء و امید ثواب، چنین می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ

جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ عَلَى  
 الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتَهُ، أَسْلَامٌ عَلَى بَنَاتِ السَّيِّدِ  
 الْمُصْطَفَى، أَسْلَامٌ عَلَى بَنَاتِ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، أَسْلَامٌ عَلَى بَنَاتِ  
 مَنْ اضْطَفِيَهُ اللَّهُ فِي السَّمَاءِ، وَفَضَّلَهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَالْوَرَى،  
 أَسْلَامٌ عَلَى ذُرِّيَّةِ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ، مِنْ نَسْلِ إِسْمَاعِيلَ، وَسَالَةِ  
 إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ، أَسْلَامٌ عَلَى بَنَاتِ النَّبِيِّ الرَّسُولِ، أَسْلَامٌ عَلَى  
 أَخَوَاتِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الْبَتُولِ، أَسْلَامٌ عَلَى الذَّرِّيَّةِ الطَّيِّبَةِ  
 الطَّاهِرَةِ، وَالْعِتْرَةِ الزَّكِيَّةِ الزَّاهِرَةِ، بَنَاتِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ  
 وَالْمُرْسَلِينَ، وَخَيْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ، أَسْلَامٌ عَلَى الذَّرِّيَّةِ  
 الطَّاهِرَةِ الزَّكِيَّةِ، وَالْعِتْرَةِ الْمُصْطَفَوِيَّةِ، أَسْلَامٌ عَلَى زَيْنَبَ وَأُمَّ  
 كَلْثُومَ وَرُقَيَّةَ، أَسْلَامٌ عَلَى الشَّرِيفَاتِ الْأَحْسَابِ، وَالطَّاهِرَاتِ  
 الْأَنْسَابِ، أَسْلَامٌ عَلَى بَنَاتِ الْأَبَاءِ الْأَعْظَمِ، وَسَالَةِ الْأَجْدَادِ  
 الْأَكْرَامِ الْأَفَاخِمِ، عَبْدِ الْمُطَلِّبِ وَعَبْدِ مَنَافٍ وَهَاشِمِ، وَرَحْمَةً اللَّهُ  
 وَبَرَكَاتَهُ».

#### زیارت همسران رسول خدا ﷺ

زنان پاکدامن و والامقام پیامبر اکرم ﷺ در بقیع دفن شده‌اند،<sup>۱</sup>

۱. لازم به ذکر است که قبر شریف حضرت خدیجه رضی الله عنها در مکه در قبرستان ابوطالب می‌باشد.

قرآن همسران آن حضرت را «مادر مؤمنین» لقب نهاده و حُرمتشان را لازم شمرده است.

برای زیارت آن زنان گرانقدر محترمه، چنین می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْنَكَ يَا زَوْجَاتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْنَكَ يَا زَوْجَاتِ نَبِيِّ اللَّهِ، أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ ارْضِ عَنْهُنَّ، وَاذْفَعْ دَرَجَاتِهِنَّ، وَأَكْرِمِ مَقَامَهُنَّ، وَأَجْزِلْ ثَوَابَهُنَّ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

### زیارت جناب عقیل و جناب عبدالله فرزند جعفر طیار علیه السلام

عقیل و جعفر طیار هر دو برادران علی بن ابی طالب علیه السلام هستند و عبدالله پسر جعفر طیار، همسر حضرت زینب علیها السلام است. قبر عقیل و عبدالله بن جعفر در بقیع قرار دارد در زیارت این دو بزرگوار چنین می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَقِيلَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَخَا عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَانِ، وَعَلَى مَنْ حَوْلَكُمَا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ، رَضِيَ اللَّهُ

تَعَالَى عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ  
وَمَسْكَنَكُمْ وَمَحَلَّكُمْ وَمَأْوِيَكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ  
وَبَرَكَاتُهُ.»

### زیارت ابراهیم، فرزند رسول اکرم ﷺ

تنها فرزندی که در مدینه نصیب رسول خدا ﷺ شد، ابراهیم بود که از مادری به نام ماریه قبطیه به دنیا آمد. این زن همراه خواهرش سیرین، توسط حاکم مصر به رسم هدیه برای رسول خدا ﷺ فرستاده شد.

ابراهیم در ذی حجه سال هشتم هجرت چشم به دنیا گشود و با تولد او موجی از شادی و سرور مدینه را فرا گرفت، محل تولد وی مکانی بود به نام مشربه ام ابراهیم، پسر رسول الله در کودکی از دنیا رفت و پیامبر خدا را داغدار کرد. درگذشت ابراهیم، پیامبر را به شدت غمگین ساخت و آن حضرت در سوگ فرزند، اشک می ریخت و می فرمود: دل برای او می سوزد، ولی سخنی نمی گویم که موجب ناخشنودی خدا گردد. این فرزند، که مورد علاقه شدید پیامبر بود، در بقیع به خاک سپرده شد.

برای زیارت فرزند رسول خدا ﷺ، در قبرستان بقیع، نزدیک قبر او می ایستی و چنین می گویی:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالسُّعَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السَّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوُزَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرِّايَةِ وَالْعَلَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ، أَوْ

يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ، فَتَقَلِّكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًّا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ  
كُلِّ نَجَسٍ، مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ، وَ بَوَّأَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَ رَفَعَكَ  
إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُوْلِهِ،  
وَ تُبَلِّغُهُ أَكْبَرَ مَأْمُوْلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَ أَرْكَأَهَا،  
وَ أَنْمِي بَرَكَاتِكَ وَ أَوْفَاها، عَلَى رَسُوْلِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،  
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَ عَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ، وَ عَلَى  
مَنْ خَلَفَ مِنْ عَثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ، وَ إِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ  
سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا، وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَ حَيَوْتِي بِهِمْ سَعِيدَةً،  
وَ عَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً، وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً، وَ أَعْمَالِي بِهِمْ  
مَرْضِيَّةً، وَ أُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً، وَ شَأْنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً، اللَّهُمَّ  
وَ أَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ، وَ نَقِّسْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ ضِيقٍ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي  
عِقَابَكَ، وَ امْنَحْنِي ثَوَابَكَ، وَ أَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ، وَ ارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ  
وَ أَمَانَكَ، وَ أَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَ الْيَدِي وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ  
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ  
الصَّالِحَاتِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».

پس حاجتهای خود را می خواهی، و دو رکعت نماز برای او

هدیه کن.

### زیارت شهدای واقعه حرّه و شهدای اُحد در بقیع

بقیع، تاریخچه‌ای مفصل دارد، و قبور بسیاری از پاکان و مجاهدان در آن است. از آن جمله، مجروحان جنگ اُحد که پس از انتقال به مدینه، به شهادت رسیدند و در بقیع دفن شدند، و نیز شهدای واقعه حرّه در بقیع مدفون‌اند. پس از حادثه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، مردم مدینه بر ضدّ امویان قیام کرده و والی اموی را برکنار کردند. یزید هزاران نفر از سربازان خود را به مدینه فرستاد، و به مدت سه روز، مال و جان و نوامیس مسلمانان را بر آنان مباح نمود. در این جنایت و قتل عام، هزاران مسلمان به شهادت رسیدند که در میان آنان، هشتاد نفر از صحابه و ۷۰۰ نفر از فرزندان مهاجرین و انصار بودند. این حادثه به «واقعه حرّه» معروف است، و شهدای آن در خاک بقیع آرمیده‌اند.

در زیارت قبور شهدای واقعه حرّه و شهدای اُحد می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا شُهَدَاءَ يَا سَعْدَاءَ يَا نُجَبَاءَ يَا نُقَبَاءَ يَا أَهْلَ  
الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ يَا مَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ  
جِهَادِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، السَّلَامُ  
عَلَیْكُمْ يَا شُهَدَاءَ كَافَّةً عَامَةً وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

زیارت اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام

اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام بود، و عده‌ای از شیعیان پس از امام صادق به امامت او اعتقاد پیدا کردند و به «اسماعیلیه» معروف شدند، اگرچه خود به امامت برادرش امام موسی کاظم علیه السلام عقیده داشت و مورد احترام آن حضرت بود. در زیارت اسماعیل می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيَّ جَدِّكَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيَّ أَبِيكَ  
 الْمُرْتَضَى الرَّضَا، السَّلَامُ عَلَيَّ السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ  
 عَلَيَّ حَدِيحَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أُمَّ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ  
 فَاطِمَةَ أُمَّ الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ النَّفُوسِ الْفَاخِرَةِ، بُحُورِ  
 الْعُلُومِ الزَّاهِرَةِ، شَفَاعِي فِي الْآخِرَةِ، وَأَوْلِيَاءِي عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ  
 إِلَى الْعِظَامِ النَّجْوَةِ، أَيْمَةَ الْخَلْقِ وَوَلَاةَ الْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَيَّ عَلَيْكَ  
 أَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ، إِسْمَاعِيلُ بْنُ مَوْلَانَا جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ  
 الطَّاهِرِ الْكَرِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
 وَمُصْطَفِيُّهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَمُجْتَبِيَّهُ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَوَلَدِهِ إِلَى  
 يَوْمِ الدِّينِ، نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ، وَنَحْنُ لَذَلِكَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِي  
 نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ».

### زیارت حلیمه سعدیه

حلیمه سعدیه، دایه و مادر رضاعی رسول خدا ﷺ بود که آن حضرت را در کودکی از عبدالمطلب (جد پیامبر) تحویل گرفت و میان قبیله خود در بیرون مکه برد، و به او شیر داد و بزرگش کرد. زنی با عاطفه و مهربان بود که افتخار دایگی پیامبر را داشت، و مورد احترام و علاقه حضرت بود.

در زیارت آن بانوی عظیم الشان چنین می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ صَفِيٍّ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْمُصْطَفَى،  
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُرْضِعَةَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَلِيمَةَ  
السَّعْدِيَّةَ، فَرَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مِمَّنْزَلِكَ  
وَمَا وَآلِكَ، وَرَحِمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

### زیارت عمه‌های رسول اکرم ﷺ

قبر این دو بانوی بزرگوار «صفیه و عاتکه»، دختران عبدالمطلب و أم البنین مادر حضرت ابوالفضل در بقیع پهلوی هم می‌باشد. صفیه، زنی شجاع، با کمال و ادیب و شاعر بود، و در آغاز ظهور اسلام مسلمان شد، و با پیامبر اسلام بیعت کرد، و به

مدینه هجرت نمود. در جنگ اُحُد و خندق هم حاضر بود، و در سال ۲۰ هجری در هفتاد و سه سالگی از دنیا رفت. عاتکه نیز زنی با ایمان بود، و در ردیف صحابه پیامبر قرار داشت، و همراه مسلمانان مهاجر به مدینه هجرت کرد. در زیارت دو عمّه حضرت رسول صلی الله علیه و آله صفیه و عاتکه می‌گویی:

«الْسَّلَامُ عَلَيْنِکُمَا يَا عَمَّتِي رَسُولِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْنِکُمَا يَا عَمَّتِي نَبِيِّ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْنِکُمَا يَا عَمَّتِي حَبِيبِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْنِکُمَا يَا عَمَّتِي الْمُصْطَفَى، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْکُمَا وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَکُمَا وَرَحْمَةً لِلَّهِ وَبَرَکَاتُهُ».

#### زیارت امّ البنین مادر حضرت ابوالفضل علیه السلام

امّ البنین، که نامش «فاطمه» دختر حِزَام است، زنی رشید، شجاع و عارف و فاضل و نجیب و با اخلاص بود که پس از وفات حضرت زهرا علیها السلام، به همسری امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در آمد، و صاحب چهار فرزند رشید به نامهای عباس، عبدالله، جعفر و عثمان شد که هر چهار نفر در کربلا، در رکاب امام حسین علیه السلام جنگیدند و شربت شهادت نوشیدند. امّ البنین،

برای شهدای کربلا و چهار شهید خود در مدینه عزاداری می‌کرد، و در رثایشان شعر می‌سرود، و از احیاگران کربلا و شهدا بود.

در زیارت امّ البنین علیها السلام می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْبَنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْعَبَّاسِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوِيكَ، وَرَحِمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ».

### زیارت اهل قبور

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ أَهْلِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ، يَا أَهْلَ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، يَا لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، إِغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ مَنْ قَالَ لِأَلِ اللَّهِ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيِّ وَوَلِيِّ اللَّهِ».

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده هر کس به قبرستان وارد شود و زیارت بخواند، خداوند متعال ثواب پنجاه سال عبادت به او عطا فرماید، و گناه پنجاه ساله او و والدینش را ببخشد. از پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله نقل است هر کس هفت مرتبه سوره ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را نزد قبر مؤمنی بخواند، خداوند متعال فرشته‌ای را نزد قبر او می‌فرستد که پرستش خدا کند، و ثوابش را به نام آن میّت می‌نویسد. پس چون روز قیامت شود به هر هولی از احوال قیامت برسد، خداوند آن هول را از او برطرف کند، تا اینکه داخل بهشت شود.

### زیارت حضرت عبدالله بن عبدالمطلب علیه السلام پدر گرامی

#### حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پدر آن حضرت پس از مراجعت از سفر شام و قبل از ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، قبر آن بزرگوار در حال حاضر تقریباً روبروی باب‌السلام مسجدالنبی واقع گردیده است. در زیارت آن حضرت بگو:

«أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا مُسْتَوْدَعَ نُورِ رَسُولِ اللَّهِ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ خَاتِمِ الْأَنْبِيَاءِ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَنْتَهَى إِلَيْهِ الْوَدِيعَةُ وَالْأَمَانَةُ الْمَنْبِغَةُ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَوْدَعَ اللَّهُ فِي صَلْبِهِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْمَكِينِ نُورَ رَسُولِ اللَّهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، أَسْأَلُكَ عَلَيْكَ يَا

وَالدَّ سَيِّدِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ حَفِظْتَ الْوَصِيَّةَ،  
 وَاَدَّيْتَ الْاَمَانَةَ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ فِي رِسُوْلِهِ، وَكُنْتَ فِي دِيْنِكَ عَلٰى  
 يَتِيْنٍ، وَاَشْهَدُ اَنَّكَ اَتَّبَعْتَ دِيْنَ اللّٰهِ عَلٰى مِنْهَاجِ جَدِّكَ اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِ  
 اللّٰهِ فِي حَيَاتِكَ وَبَعْدَ وَاْتَاكَ، عَلٰى مَرْضَاتِ اللّٰهِ فِي رِسُوْلِهِ، وَاَقْرَزْتَ  
 وَصَدَّقْتَ بِتَنْبُوَّةِ رِسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَوَلَايَةِ  
 اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَاَلِئْمَةِ الطَّاهِرِيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،  
 فَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتًا، وَرَحْمَةً اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ».

### زيارت دوم حضرت عبدالله بن عبدالمطلب

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَجْدِ الْاَيْتِيْلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ  
 فَرْعٍ مِنْ دَوْحَةِ الْخَلِيْلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الدَّبِيْحِ اِسْمَاعِيْلَ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَلَالَةَ الْاَبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ،  
 وَعَمَّ الْوَصِيِّ الْكُرَارِ، وَوَالِدِ الْاَيْمَةِ الْاَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ  
 اَضَاءَتْ بِنُوْرِ جَبِيْنِهِ عِنْدَ وَاَدَّيْتِهِ اَطْرَافَ السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 يُوْسُفَ آلِ عَبْدِ مَنَاْفٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَكَ مَسَلَكَ جَدِّهِ  
 اِسْمَاعِيْلَ، فَاسْلَمَ لِاَبِيْهِ لِيَذْبَحَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ فَدَاَهُ اللّٰهُ بِمَا  
 فَدَاَهُ، فَتَقَبَّلَهُ فَاَعْطَاهُ اللّٰهُ وَاَبَاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَامِلَ نُوْرِ النَّبُوَّةِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَشْرَفَ النَّاسِ فِي الْاَبُوَّةِ وَالْبُنُوَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

وَالِدَ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الطَّاهِرِينَ بَعْدَ الطَّاهِرِينَ،  
وَأَبْنَ الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

### فضیلت زیارت حضرت حمزه و سایر شهدای اُحد

فخر المحققین در رساله فخریه نوشته: «مستحب است زیارت حضرت حمزه علیه السلام و دیگر شهدای اُحد در منطقه اُحد». از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مروی است هر کس مرا زیارت کند و عموم حمزه را زیارت نماید، به من جفا کرده است. شیخ مفید رحمته الله فرموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر حمزه امر می فرمود و به زیارت ایشان و شهدا اهتمام می داد. حضرت فاطمه علیها السلام نیز پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر زیارت قبر آن بزرگوار اهتمام داشت، و از زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله سنت شده مسلمانان به زیارت عموی گرامی آن حضرت بیایند، و در کنار قبرش بمانند. در حدیث است که حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پدر مدت هفتاد و پنج روز زندگانی نموده، و هیچ وقت خندان یا متبسم مشاهده نشده، و روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته به زیارت قبور شهدا تشریف می آورد، و می فرمود: در اینجا رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و در این مکان مشرکین، و به نقلی دیگر

در آنجا نماز می‌گزارد و دعا می‌کرد. شهدای اُحُد (رضوان الله علیهم) حدود هفتاد شهید می‌باشند که حضرت حمزه رضی الله عنه و عبدالله بن جَحْش و مصعب بن عمیر و عماره بن زیاد و شماس بن عثمان جزو آنان هستند، و چون به زیارت آن حضرت رفتی نزد قبرش می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ، وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، وَمُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزَعَا إِلَيْكَ رَجَاءً رَحْمَةٍ رَبِّي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا أَسَخَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَفْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بِاِكْبِيَاءَ، وَصِرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا، وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي

اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَحَنَنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ،  
وَرَعَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ  
بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ آتَاهُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ  
يَهْوِيَهُمْ، وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ».

پس رو به قبله بایست و دو رکعت نماز برای او هدیه کن، و  
می‌گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ  
لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِيُجِيرَنِي مِنْ  
نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ وَمَقْتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَتَشْغَلُ كُلُّ  
نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ  
عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ، وَإِنْ تَعَايَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَلَا  
تُحَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَلَا تُصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ  
نَبِيِّكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ  
مِنِّي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةَ نَفْسِي، فَقَدْ  
عَظُمَ جُرْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ،  
فَأَنْظِرْ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، فَبِهِمَا فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا  
تُحَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهْوُتَنَّ عَلَيَّ ابْتِهَالِي، وَلَا تُحَجِّبَنَّ عَنكَ صَوْتِي،  
وَلَا تُقَلِّبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ، يَا مُفَرِّجاً

عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانِ الْغَرِيقِ الْمُسْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ لِأَشْفَى بَعْدَهَا أَبَدًا، وَأَرْحَمَ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي، اللَّهُمَّ إِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَجَزَاءِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ، فَلَا أَخِيَنَّ الْيَوْمَ، وَلَا تَضُرْ فَنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبَنَّ شُخُوصِي وَوَفَادَتِي، فَقَدْ أَنْقَدْتُ نَفْسِي، وَأَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا حَوَّلْتَنِي، وَأَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَيَّ نَفْسِي، وَلَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِجَلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي، فَقَدْ عَظَمَ جُرْمِي، بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ».

#### زیارت شهدای اُحد

در سال سوم هجری در شمال مدینه، در دامنه کوه اُحد جنگی میان مسلمانان و کفار اتفاق افتاد که ابتدا مسلمانان پیروز شدند، ولی در ادامه جنگ، عده‌ای از سپاهیان از فرمان پیامبر تخلف کردند که منجر به شکست سپاه اسلام شد، و بیش از هفتاد نفر از مسلمانان شهید شدند، که حمزه سیدالشهدا یکی از آنان

بود. در زیارت شهدای جنگِ اُحد که در همان جا دفن هستند، چنین می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ، وَ اصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَ دَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنِ نَبِيِّهِ، وَ جُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِ نَبِيِّهِ وَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَ عَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ، وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ، وَ حَسَنَ أَوْلِيَّتِكَ رَفِيقاً، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَ أَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَ أَنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَنْتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِراً وَ بِحَقِّكُمْ غَارِفاً، وَ بِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّباً، وَ بِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ، وَ مَرْضَى الْأَفْعَالِ عَالِماً، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ

بَرَكَاتُهُ، وَ عَلِيٌّ مَنْ قَتَلَكُمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ عَصَبُهُ وَ سَخَطُهُ، اَللَّهُمَّ اَنْفَعْنِي  
بِزِيَارَتِهِمْ، وَ ثَبِّتْنِي عَلَيَّ قَصْدِهِمْ، وَ تَوَقَّفْنِي عَلَيَّ مَا تَوَقَّفْتَهُمْ عَلَيَّ،  
وَ اَجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، اَشْهَدُ اَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ،  
وَ نَحْنُ بِكُمْ لِاحِقُونَ».

و می خوانی سوره ﴿اَنَا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را آنچه  
می توانی، و بعضی گفته اند که نزد هر مزاری دو رکعت نماز  
زیارت می خوانی. بنابراین، مناسب است به نزدیک ترین مسجد  
بروی، و دو رکعت نماز به قصد رجاء مطلوبیت و ثواب به جا  
آوری.

### زیارت وداع رسول اکرم ﷺ

هرگاه خواستی از مدینه بیرون آیی غُسل کن، و نزد قبر  
پیامبر ﷺ برو، و عمل کن آنچه را قبلاً انجام می دادی، پس وداع  
کن آن حضرت را، و بگو:

«اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، اَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَ اَسْتَرْعِيكَ وَ اَقْرَأُ  
عَلَيْكَ السَّلَامَ، اَمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِمَا جِئْتُ بِهِ وَ دَلَلْتُ عَلَيْهِ، اَللَّهُمَّ لَا  
تَجْعَلْهُ اَحْرَجَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَاِنْ تَوَقَّفْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ  
فَاِنِّي اَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَيَّ مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، اَنْ لَا اِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

و حضرت صادق علیه السلام در وداع قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به یونس بن یعقوب فرموده که بگو:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

و به صورتی دیگر گفته‌اند: هرگاه خواستی از مدینه منوره خارج شوی، پس از اتمام کلیه اعمال غسل کن، و پاک‌ترین لباسهات را بپوش، و به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شو، و به آنچه قبلاً گفته شد زیارت کن، سپس در وداع آن حضرت بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَضْلَافِ الشَّامِخَةِ وَالْأَزْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تَنْجَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تَلْبَسْكَ مِنْ مَذَلِّمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، أَعْلَامِ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْجَحَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَيَّ مَا أَشْهَدُ عَلَيْكَ فِي حَيَاتِي، إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ

مُحَمَّدَ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ، وَأَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، أَوْلِيَاؤُكَ وَأَنْصَارَكَ  
وَحُجَجَكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ وَأَعْلَامَكَ فِي بِلَادِكَ،  
وَحَزَانُ عِلْمِكَ، وَحَفْظَةُ سِرِّكَ، وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَأَلِهِ، فِي سَاعَتِي هَذِهِ  
وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحْيِيَّةً مِنِّي وَسَلَاماً، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ  
وَرَحْمَةً مِنَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و بگو: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ  
تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي  
حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ قَدْ  
اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، ثُمَّ اخْتَرْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ،  
الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، فَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ،  
وَفِي زَمَرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِيَاؤِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ، يَا اِرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ  
تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

#### زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام

مرحوم شیخ طوسی و سید بن طاوس گفته اند که چون  
خواستی ائمه بقیع را وداع کنی، بگو:

«الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ اَیْمَةً اَلْهُدَى وَ رَحْمَةً اَللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ، اَسْتَوْدِعُكُمْ  
 اَللّٰهَ وَ اَقْرَءَ عَلَیْكُمْ السَّلَامَ، اَمَنَّا بِاللّٰهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَ  
 دَلَلْتُمْ عَلَیْهِ، اَللّٰهُمَّ فَاکْتُبْنَا مَعَ الشّٰهِدِیْنَ».

پس دعا بسیارکن، و از خدا سؤال کن که بار دیگر تو را به  
 زیارت ایشان برگرداند، و این آخرین عهد و زیارت تو نباشد.

### زیارت حضرت خدیجه علیها السلام <sup>۱</sup>

«الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُمَّ الْمُؤْمِنِیْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ سَیِّدِ  
 الْمُرْسَلِیْنَ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ،  
 اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا اَوَّلَ الْمُؤْمِنَاتِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ اَنْفَقَتْ مَالَهَا  
 فِی نَصْرَةِ سَیِّدِ الْاَنْبِیَاءِ، وَ نَصْرَتُهُ مَا اسْتَطَاعَتْ وَ دَافَعَتْ عَنْهُ الْاَعْدَاءَ،  
 اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَیْهَا جَبْرَئِیْلٌ وَ بَلَّغَهَا، السَّلَامُ مِنَ اللّٰهِ

۱. یکی از چهره‌هایی که در قبرستان ابوطالب مدفون است، حضرت خدیجه (سلام  
 الله علیها) است، او زنی فداکار و ایثارگر و نخستین زن مؤمن به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.  
 وی تمامی اموال خود را وقف پیشبرد اسلام کرد و در برابر فشاری که قریش بر  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌کردند، بهترین یار صمیمی او در خانه محسوب می‌شد.  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه از او به نیکی یاد می‌کرد تا جایی که حسادت برخی از  
 همسران وی برانگیخته می‌شد، اما آن حضرت از تحسین خدیجه علیها السلام خودداری  
 نمی‌کرد.

الْجَلِيلِ، فَهَيِّئْ لِي بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ  
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

### زیارت حضرت ابوطالب علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ وَابْنَ رَيْسِيهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
وَارِثَ الْكَعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِيسِهَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَ الرَّسُولِ وَنَاصِرَهُ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ الْمُصْطَفَى وَأَبَا الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَيْضَةَ  
الْبَلَدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الذَّابُّ عَنِ الدِّينِ، وَالْبَاذِلُ نَفْسَهُ فِي نَصْرَةِ  
سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ  
اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

۱. چهره شاخص بنی‌هاشم، ابوطالب فرزند عبدالمطلب و عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است. وی در پرده تقیه توانست حمایتی قابل ستایش از رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر فشار مشرکان به عمل آورد. او در برابر تهدیدهای قریش، حاضر نشد رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آنان تسلیم کند و حمایت آشکار خود را از آن حضرت در همه مراحل اعلام کرد. اشعار زیادی از ابوطالب برجای مانده که علاوه بر ایمان عمیق او نشان دهنده چهره ادبی این بزرگمرد هاشمی است. وی بزرگ‌ترین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله در سالهای خفقان در مکه بود، ابوطالب در همان آغاز بعثت، فرزندانش علی علیه السلام و جعفر را به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و خود نیز تا سال دهم بعثت که زنده بود، هرگز در دفاع از آن حضرت کوتاهی نکرد.

## زيارت حضرت عبدمناف جدّ پیامبر اکرم ﷺ

«السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ النَّبِيلُ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ أَيُّهَا الْغُصْنُ  
الْمُثْمِرُ مِنْ شَجَرَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا جَدَّ خَيْرِ الْوَرَى،  
السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ الْأَنْبِيَاءِ الْأَضْفِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ الْأَوْصِيَاءِ  
الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا سَيِّدَ الْحَرَمِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا وَارِثَ مَقَامِ  
إِبْرَاهِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا صَاحِبَ بَيْتِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ  
وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ».

## زيارت حضرت عبدالمطلب ﷺ، جدّ پیامبر اکرم ﷺ

«السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا مَنْ نَادَاهُ  
هَاتِفُ الْغَيْبِ بِأَكْرَمِ نِدَاءٍ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا بَنَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ،  
السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا وَارِثَ الذَّبِيحِ إِسْمَاعِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا مَنْ أَهْلَكَ  
اللَّهُ بِدُعَاةِ أَصْحَابِ الْفِيلِ، وَجَعَلَ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ، وَأَرْسَلَ  
عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ، تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ، فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ  
مَا كُوِلٍ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا مَنْ تَضَرَّعَ فِي حَاجَاتِهِ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلَ فِي  
دُعَاةِ بَنُورِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا  
مَنِ اسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَاةَهُ، وَتُوْدِيَ فِي الْكَعْبَةِ، وَبَشَّرَ بِالْإِجَابَةِ فِي  
دُعَاةِهِ، وَأَسَجَدَ اللَّهُ الْفِيلَ إِكْرَامًا وَإِعْظَامًا لَهُ، السَّلَامُ عَلَيْنِكَ يَا مَنْ

أَنْبَعَ اللَّهُ لَهُ الْمَاءَ حَتَّى شَرِبَ وَازْتَوَى فِي الْأَرْضِ الْفَقْرَاءِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الدَّبِيحِ وَأَبَا الدَّبِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَاقِيَّ  
 الْحَجِيحِ وَخَافِرَ زَمْرَمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ نَسْلِهِ سَيِّدَ  
 الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَ أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ  
 طَافَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ وَجَعَلَهُ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَأَى  
 فِي الْمَنَامِ سِلْسِلَةَ النُّورِ وَعَلِمَ أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 شَيْبَةَ الْحَمْدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ وَأَجْدَادِكَ وَأُبْنَائِكَ جَمِيعاً  
 وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

زیارت حضرت آمنه بنت وهب، مادر پیامبر اکرم ﷺ<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 مَنْ خَصَّهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ  
 جَبِينِهَا نُورَ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، فَأَضَاءَتْ بِهِ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ، السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِأَجْلِهَا الْمَلَائِكَةُ، وَضَرِبَتْ لَهَا حُجُبَ الْجَنَّةِ،  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِخِدْمَتِهَا الْحُورُ الْعِينُ، وَسَقَيْنَهَا مِنْ  
 شَرَابِ الْجَنَّةِ، وَبَشَّرْنَهَا بِوِلَادَةِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ

۱. قبر والده ماجده رسول گرامی اسلام، بنا بر نقلی در قبرستان ابوطالب و بنا بر نقل  
 مشهور در محلی بنام «أبواء» بین راه مکه و مدینه واقع شده است.

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَيْكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

#### زیارت حضرت قاسم، فرزند رسول خدا ﷺ

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا قَاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى مَنْ حَوْلَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ وَمَسْكَنَكُمْ وَمَأْوِيَكُمْ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

#### زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه<sup>۱</sup> و عیون اخبار الرضا، از موسی بن عبدالله نخعی روایت کرده که گفت به خدمت حضرت امام علی النقی<sup>علیه السلام</sup> عرض کردم که یابن رسول الله مرا زیارتی بلیغ

۱. الفقیه ۲: ۳۷۰.

تعلیم فرما، که کامل باشد و هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بخوانم. فرمود که چون به درگاه رسیدی بایست و شهادتین را بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».

و با حال غسل باش و چون داخل حرم شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، پس اندکی با آرامش دل و تن راه برو و گامها را نزدیک یکدیگر بگذار، سپس بایست و سی مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو. آن‌گاه نزدیک قبر مطهر برو و چهل مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو تا صد تکبیر تمام شده باشد، و شاید چنان که مجلسی اول گفته، وجه تکبیر این باشد که چون اکثر طباع به غُلُو مایلند، از عبارات امثال این زیارت به غُلُو نیفتند یا از بزرگی حق - سبحانه و تعالی - غافل شوند یا غیر اینها. پس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُرَّانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأَصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ، وَسَاسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابِ الْأَيْمَانِ، وَأَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرَةِ

رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَسْلَامٌ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَ  
مُصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ التَّقَى، وَذَوَى النَّهْيِ، وَأُولَى الْحِجَى، وَكَهْفِ  
الْوَرَى، وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ  
اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَسْلَامٌ  
عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَ  
حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ  
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَسْلَامٌ عَلَى  
السُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِبِينَ فِي أَمْرِ  
اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ،  
وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا يُسْبِقُونَهُ  
بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَسْلَامٌ عَلَى الْأَيْمَةِ  
الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ، وَالذَّادَةِ الْحَمَاةِ، وَأَهْلِ الذِّكْرِ  
وَأُولَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، وَحِزْبِهِ وَعَيْبَتِهِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَ  
صِرَاطِهِ وَتَوْرِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ  
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا  
الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ  
عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ

الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ  
 الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِزَادَتِهِ،  
 الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ  
 لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَيْكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاةٍ وَحَصَّنَكُمْ بِبِرِّهَا،  
 وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ، وَأَيْدَكُمْ بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَ  
 حُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ، وَ  
 مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِيُوحِيهِ، وَآرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ  
 عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ،  
 عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَآمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ، وَ  
 أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ، وَأكْبَرْتُمْ  
 شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدْمُتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ مِيقَاتَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ  
 عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ  
 بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ، وَ  
 صَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنِّهِ، وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَ  
 أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ  
 جِهَادِهِ، حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ، وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ،  
 وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ، وَسَنَّتُمْ سُنَّتَهُ، وَصِرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى  
 الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى، فَالرَّاعِبُ

عَنْكُمْ مَارِقٌ، وَاللَّازِمَ لَكُمْ لِأَحِقِّ، وَالْمُقَصَّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ،  
 وَالْحَقُّ مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَالْيَكْمُ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ، وَمَعْدِنُهُ،  
 وَمِيزَاتُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَ  
 فَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ  
 وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ  
 عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ  
 أَبْغَضَ اللَّهَ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ  
 وَ] الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ  
 الْمَوْصُولَةُ، وَالْأَيَّةُ الْمَخْرُوجَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ  
 النَّاسُ، مَنْ آتَيْكُمْ نَجَى، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَإِلَى  
 عَلَيْهِ تَدْلُونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى  
 سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ  
 عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَارَ مَنْ تَمَسَّكَ  
 بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ  
 بِكُمْ، مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوِيَهُ، وَمَنِ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ، وَمَنْ  
 جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ  
 مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا  
 بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطِبْنَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ

بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا، فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ مُحَدِّقِينَ، حَتَّى  
مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا  
اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا حَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَائِيَّتِكُمْ طَيِّبًا  
لِخَلْقِنَا، وَطَهَارَةً لِنَفْسِنَا، وَتَرْكِيَةً لَنَا، وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ  
مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ  
بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمَكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ  
دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا  
يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِذْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ  
مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ،  
وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ  
عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيهَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ  
جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعَظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكَبَّرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصَدَقَ  
مَقَاعِدِكُمْ، وَتَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَ  
كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَ  
أُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأَسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ  
بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ  
بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ  
وَمُعَادٍ لَهُمْ، سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا

حَقَّقْتُمْ، مَبْطَلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ  
بِفَضْلِكُمْ، مَحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ، مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ  
بِأَيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعِيَّتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، أَخَذُ  
بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيبٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَا يَذُّ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ،  
مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ، وَتَقَرَّبَ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمَقَدَّمَكُمْ أَمَامَ  
طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ  
وَعَلَائِيَّتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَأَوْلِيكُمْ وَأَحْرِكُمْ، وَمَقْوُضٌ  
فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَرَأْيِي  
لَكُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَ  
يَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ  
مَعَكُمْ لَامَعَ غَيْرِكُمْ، أَمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ  
أَوْلِيكُمْ، وَبَرَّئْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ  
وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، وَالْجَاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ،  
وَالْمَارِقِينَ مِنْ وِلَايَتِكُمْ، وَالْغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ، وَالشَّاكِينَ فِيكُمْ،  
وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَلِيَّةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ،  
وَمِنَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى  
مُؤَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَقَّفَنِي لِطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي  
شَفَاعَتَكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِبِكُمْ، التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَ

جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ، وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي بِهُدْيِكُمْ،  
وَيُخْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرُرُ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ،  
وَيُسْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيَمْكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقِرُّ عَيْنُهُ عَدَا  
بِرُؤُوسِكُمْ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ  
بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنُكُمُ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَسْأَلِي لَأَ  
أُحْصِيَ ثَنَاتِكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ، وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَ  
أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَحَجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ  
يَخْتِمُ، وَبِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ، وَبِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى  
الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبِكُمْ يَنْفُسُ الْهَمُّ وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا  
نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَإِلَى جَدُّكُمْ».

و اگر زیارت امیر المؤمنین علی علیه السلام باشد به جای: «و إلى

جدُّكم» بگو:

«وَالِى أَخِيكَ، بَعِثَ الرُّوحَ الْأَمِينُ، آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا  
مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ  
لِطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ، وَ  
أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسْلَكُ  
إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ غَضَبُ الرَّحْمَنِ، يَا بِي أَنْتُمْ  
وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذَكَّرَكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ، وَأَسْمَأُوكُمْ فِي

الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَزْوَاحُكُمْ فِي الْأَزْوَاحِ، وَ  
 أَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا  
 أَحْلَى أَسْمَاءَتِكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسِكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ حَطَرَكُمْ،  
 وَأَوْفَى عَهْدِكُمْ، وَأَصْدَقَ وَعْدِكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَ  
 وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ  
 الْكِرَامُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ، وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ،  
 وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَجِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلَهُ وَفِرْعَهُ وَ  
 مَعْدِنَهُ وَمَأْوِيَهُ وَمُنْتَهَاهُ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ أَصِفُ  
 حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بِلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ،  
 وَفَرَّجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَانْقَدْنَا مِنْ شِفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنْ  
 النَّارِ، يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَ  
 أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ  
 النُّعْمَةُ، وَانْتَلَفَتِ الْفِرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ،  
 وَلَكُمْ الْمَوْدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ،  
 وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالنَّجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ،  
 وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاصْتَبْنَا مَعَ  
 الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ  
 لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا

لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي  
عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ  
خَلْفِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ  
شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ  
عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ  
فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ، اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ  
أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي  
أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْئَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ  
وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زَمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ،  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا،  
وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ».

### زیارت امین الله

زیارت امین الله، در نهایت اعتبار است و در تمام کتب مراریه و  
مصابیح نقل شده است و علامه مجلسی رحمته آورده که آن بهترین  
زیارات است، از جهت متن و سند، و باید در همه روضات  
مقدسه بر خواندن آن اهتمام شود.  
کیفیت زیارت امین الله چنان است که به سندهای معتبر از جابر

از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیر المؤمنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و فرمود:

«الَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ،  
الَسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،<sup>۱</sup> أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ  
جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،  
حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلْزَمَ أَعْدَائِكَ  
الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْفِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ  
نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ،  
مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَاوَاتِكَ، صَابِرَةً عَلَى  
نُزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ، ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آيَاتِكَ،  
مُسْتَأْنِقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ، مُتَرَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَتَنَّةً  
بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ  
وَتَنَائِكَ».

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَيَّةَ، وَسُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ

۱. اگر این زیارت برای غیر حضرت علی علیه السلام خوانده شود، «السلام عليك يا امير المؤمنين» در آن گفته نمی شود.

شَارِعَةً، وَأَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً، وَأَفْتِدَةَ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةً، وَأَصْوَاتَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ ضَاعِدَةً، وَأَبْوَابَ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مَفْتَحَةً، وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةً، وَتَوْبَةَ مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً، وَعَسْبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً، وَالْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً، وَالْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُودَةً، وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةً، وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَفَالَكَ مُفَالَةً، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً، وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَفْضِيَةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُنْزَعَةً، اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مَنَائِ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ».

و در كامل الزيارات، بعد از اين زيارت، اين فقرات نيز آمده

است:

«أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، إِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفَّ عَنَّا أَعْدَائِنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: هر کس از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر حضرت علی علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، البته حق تعالی این زیارت و دعا را در نامه‌ای از نور بالا می‌برد و مهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن می‌زند، و چنین محفوظ می‌ماند تا به قائم آل محمد (عج) تسلیم نمایند، پس صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت استقبال می‌نماید، ان شاء الله تعالی.

### دعای عالیة المضامین

بعد از زیارت هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام از فرزندان امیر المؤمنین علیه السلام خوانده می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقِرّاً بِإِمَامَتِهِ مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِدُنُوبِي وَعُيُوبِي وَمُوبِقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيدًا بِحِلْمِكَ رَاجِيًا رَحْمَتَكَ لِاجْتِئَاؤِي إِلَى رُكْنِكَ عَائِداً بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيَّتِكَ وَأَبْنِ أَوْلِيَائِكَ وَصَفِيَّتِكَ وَأَبْنِ أَصْفِيَائِكَ وَأَمِينِكَ وَأَبْنِ أَمَنَائِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَأَبْنِ خُلَفَائِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَالذَّرْبَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَعُفْرَانِكَ اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي

مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثْرَتِهَا وَأَنْ تَعِصِمَنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي  
 وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمَّا يَدْنُسُهُ وَيَشْبِيهُهُ وَيُزْرِي بِهِ وَتَحْمِيَهُ مِنَ الرَّيْبِ  
 وَالشُّكِّ وَالْفَسَادِ وَالشَّرِّكَ وَتُبَيِّنَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ  
 وَدُرِّيَّتِهِ النَّجْبَاءِ السُّعْدَاءِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامَتِكَ  
 وَبَرَكَاتِكَ وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَّتَنِي  
 عَلَى طَاعَتِهِمْ وَأَنْ لَا تَمُحُو مِنْ قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ  
 أَعْدَائِهِمْ وَمَرَأَقَةَ أَوْلِيَائِهِمْ وَبِرَّهُمْ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي  
 وَتُحِبَّ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُواظَبَةَ عَلَيْهَا وَتُنَشِّطَنِي لَهَا وَتُبْغِضَ إِلَيَّ  
 مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا وَتُجَنِّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَوَاتِي  
 وَالْإِسْتِهَانَةَ بِهَا وَالتَّرَاجِي عَنْهَا وَتُوفِّقَنِي لِتَادِيَتِهَا كَمَا فَرَضْتَ  
 وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ  
 خُضُوعاً وَخُشُوعاً وَتَشْرَحَ صَدْرِي لِإِبْتَاءِ الزَّكَاةِ وَإِعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ  
 وَبَدْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شِيَعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَمَوَاسَاتِهِمْ وَلَا  
 تَتَوَفَّأَنِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرُزِّقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ  
 وَقُبُورِ الْأَئِمَّةِ ﷺ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَوْبَةَ نَصُوحاً تَرْضَاهَا وَيَتَّعَمِدُهَا  
 وَعَمَلًا ضَالِحاً تَقْبَلُهُ وَأَنْ تُغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَتُسَهِّوَنَ  
 عَلَيَّ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ  
 عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيراً فِي

طَاعَتِكَ وَعَبَّرْتِي جَارِيَةً فِيمَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَقَلْبِي عَطُوفًا عَلَى  
أَوْلِيَائِكَ وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْأَفَاتِ وَالْأَمْرَاضِ  
السَّدِيدَةِ وَالْأَسْفَامِ الْمُرْمَنَةِ وَجَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْحَوَادِثِ وَتَصْرِفَ  
قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ وَتَبْعُضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ وَتَفْتَحَ  
لِي أَبْوَابَهُ وَتَثَبِّتَ نَيْتِي وَفِعْلِي عَلَيْهِ وَتَمُدَّ فِي عَمْرِي وَتُعَلِّقَ أَبْوَابَ  
الْمَحَنِ عَنِّي وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَلَا تَسْتَرِدَّ شَيْئًا مِمَّا  
أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ وَلَا تَنْزِعَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَتَزِيدَ  
فِيمَا حَوَّلْتَنِي وَتَضَاعَفَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَتَرْزُقْنِي مَا لَا كَثِيرًا وَأَسْعَا  
سَائِعًا هَنِيئًا نَاطِقًا وَأَفِيًا وَعِزًّا بَاقِيًا كَافِيًا وَجَاهًا عَرِيضًا مَنِيحًا وَنِعْمَةً  
سَائِغَةً عَامَّةً وَتُعِينَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَةِ وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ  
وَتُخَلِّصَنِي مِنْهَا مُعَافَاً فِي دِينِي وَنَفْسِي وَوَلَدِي وَمَا أَعْطَيْتَنِي  
وَمَنَحْتَنِي وَتَحْفَظَ عَلَيَّ مَالِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلْتَنِي وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِي  
الْجَبَابِرَةِ وَتَرُدَّنِي إِلَى وَطَنِي وَتُبَلِّغَنِي نَهَايَةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ  
وَإِخْرَاجِي وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي مَحْمُودَةً حَسَنَةً سَلِيمَةً وَتَجْعَلَنِي  
رَجِيْبَ الصَّدْرِ وَاسِعِ الْحَالِ حَسَنَ الْخُلُقِ بَعِيدًا مِنَ الْبُخْلِ وَالْمَنْعِ  
وَالنِّفَاقِ وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ وَتُرْسِخَ فِي قَلْبِي مَحَبَّةَ  
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِيَعَتِهِمْ وَتَحْرَسَنِي يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي  
وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلِ حُرَانَتِي وَإِخْوَانِي وَأَهْلِ مَوَدَّتِي وَذُرِّيَّتِي

بِرَحْمَتِكَ وَجُودِكَ اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي عِنْدَكَ وَقَدْ اسْتَكْتَرْتُهَا لِلْوَمَى  
 وَشَحِيٍّ وَهِيَ عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ فَأَسْأَلُكَ  
 بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ  
 وَبِمَا أَوْجَبْتَ لَهُمْ وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيائِكَ وَأَوْلِيائِكَ  
 الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ لَمَّا قَضَيْتَهَا كُلِّهَا  
 وَأَسْعَفْتَنِي بِهَا وَلَمْ تُخَيِّبْ أَمَلِي وَرَجَائِي اللَّهُمَّ وَسَفِّعْ صَاحِبَ هَذَا  
 الْقَبْرِ فِيَّ يَا سَيِّدِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى  
 اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا بِحَقِّي أَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَبِحَقِّ  
 أَوْلَادِكَ الْمُنتَجِبِينَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَائُهُ الْمَنْزِلَةَ  
 الشَّرِيفَةَ وَالْمَرْتَبَةَ الْجَلِيلَةَ وَالْجَاهَ الْعَرِيضَ اللَّهُمَّ لَوْ عَرَفْتُ مَنْ هُوَ  
 أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ وَمِنْ أَبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ  
 الطَّاهِرِينَ عليهم السلام وَالصَّلَاةُ لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَاءِي وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي  
 وَطَلِبَاتِي هَذِهِ فَاسْمَعْ مِنِّي وَاسْتَجِبْ لِي وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا  
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَمَا قَصَّرْتُ عَنْهُ مَسْئَلَتِي وَعَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي  
 وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَخْرَجْتَنِي بِهَ عِلِّيٍّ  
 وَأَحْفَظْنِي وَأَحْرُسْنِي وَهَبْ لِي وَأَغْفِرْ لِي وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ  
 مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَوْ مُخَالَفٍ فِي دِينٍ أَوْ  
 مُنَازِعٍ فِي دُنْيَا أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ فَاقْبِضْ عَنِّي بَدَهُ

وَأَصْرَفَ عَنِّي كَيْدَهُ وَأَشْغَلَهُ عَنِّي بِنَفْسِهِ وَأَكْفَنِي شَرَّهُ وَشَرَّ  
 أَتْبَاعِهِ وَشَيْاطِينِهِ وَأَجْزَنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَيُجْحِفُ بِي وَأَعْطِنِي  
 جَمِيعَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ وَأَغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِيَّ وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي  
 وَأَخْوَالِي وَخَالَاتِي وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي وَأَوْلَادِهِمْ وَذُرَّارِيهِمْ  
 وَأَزْوَاجِي وَذُرِّيَّاتِي وَأَقْرَبَائِي وَأَصْدِقَائِي وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فَيْكَ مِنْ  
 أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ وَلِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ  
 الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَلِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمَ مِنِّي عِلْمًا  
 اللَّهُمَّ أَشْرِكْهُمْ فِي ضَالِحِ دُعَائِي وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حُجَّتِكَ وَوَلِيَّتِكَ  
 وَأَشْرِكْنِي فِي ضَالِحِ أَدْعِيَّتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبَلِّغْ  
 وَوَلِيَّتِكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا سَيِّدِي يَا  
 مَوْلَايَ يَا «فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ» صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ  
 أَنْتَ وَسَيِّلتِي إِلَى اللَّهِ وَذَرِّبْ عَنِّي إِلَيْهِ وَبِي حَقَّ سُؤَالَاتِي وَتَأْمِيلِي  
 فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي السُّؤُوفِ عَلَيَّ قِصَّتِي هَذِهِ  
 وَصِرْفِي عَنْ مَوْفِقِي هَذَا بِالنُّجْحِ بِمَا سَأَلْتُهُ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ  
 اللَّهُمَّ أَرْزُقْنِي عَقْلًا كَامِلًا وَلُبًّا رَاجِحًا وَعِزًّا بَاقِيًا وَقَلْبًا زَكِيًّا وَعَمَلًا

۱. به جای فلان بن فلان، نام امام و پدر بزرگوارش علیه السلام را می آوریم.

كَثِيرًا وَأَدَبًا بَارِعًا وَأَجْعَلْ ذَلِكَ كَلَّةً لِي وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

### دعای کمیل

دعای کمیل از ادعیه معروف است و علامه مجلسی می‌گوید که از بهترین دعاهاست و آن دعای خضر علیه السلام است و حضرت علی علیه السلام آن را به کمیل، که از خواص اصحاب آن حضرت بوده است، تعلیم فرموده است. این دعا در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می‌شود و برای دوری شر اعدا و فتح باب رزق و آمرزش گناهان نافع است؛ و آن دعای شریف این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَتْ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَجَبَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَالَ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورَ يَا قُدُّوسَ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ

الَّتِي تُنَزِّلُ النَّعْمَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ، اللَّهُمَّ  
اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي  
تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ حَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا،  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ  
بِحُودِكَ أَنْ تُدَيِّنَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي  
ذِكْرَكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَامِحَنِي  
وَتُرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ  
مُتَوَاضِعًا، اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ  
السُّدُودِ حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ، اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ،  
وَعَلِّمْ مَكَانَكَ، وَخَفِي مَكْرَكَ، وَظَهِّرْ أَمْرَكَ، وَعَلِّبْ قَهْرَكَ، وَجَرِّتْ  
قُدْرَتَكَ، وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ، اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا،  
وَلَا لِقْبَائِحِي سَاتِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا  
غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّأْتُ  
بِجَهْلِي، وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنْكَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ  
مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَنْتَهُ، وَكَمْ مِنْ عَثَارٍ  
وَقَبِيئَةٍ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمَلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ  
نَشَرْتَهُ، اللَّهُمَّ عَظِّمْ بِلَائِي، وَأَفْرِطْ بِي سُوءَ حَالِي، وَقَصِّرْ بِي  
أَعْمَالِي، وَقَعِدْ بِي أَعْلَالِي، وَحَبِّسْ بِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي،  
وَخَدِّعْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَائِيَّتِهَا، وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي،

فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضُخْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي، وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي عَيْزُكَ أَسْتَلُّهُ كَشَفِ ضُرِّي، وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَعَزَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قِضَاؤُكَ، وَالرِّمَنِي حُكْمُكَ وَبِلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَحَدَ مَفْرَأَ مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي، غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَإِذْ خَالِكَ إِنِّي فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَأَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكِّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرَبَّيْتِي وَبَرَّي وَتَغَذَّيْتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرَكَتِي، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهْجَ بِهِ

لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي  
 وَدُعَائِي، خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ، أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ  
 رَبَّيْتَهُ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ  
 كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي، وَاللَّهِ وَمَوْلَايَ أَنْتَسَلِّطُ  
 النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ  
 بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهَيْبَتِكَ  
 مُحَقِّقَةً، وَعَلَى صَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً،  
 وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ  
 مُدْعِيَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ، يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ،  
 وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي  
 فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ  
 مَكْنُتُهُ، يَسِيرٌ بَقَائُهُ، قَصِيرٌ مَدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ،  
 وَحَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا  
 يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ،  
 وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا  
 عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ، يَا  
 إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا  
 أَضِجُّ وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ، أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَيْتَ  
 صَبَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ،

وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي  
وَمَوْلَايَ وَرَبِّي، صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ،  
وَهَبْنِي يَا إِلَهِي، صَبَرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى  
كَرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوُكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي  
وَمَوْلَايَ، أَفْسِمُ صَادِقًا، لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لِأَصِحَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا  
صَاحِبِجَ الْأَمَلِينَ، وَأَلْصُرُ حَنَّ إِلَيْكَ صِرَاحَ الْمُسْتَضْرِّ خِينٍ، وَلَا بَكِيْنٍ  
عَلَيْكَ بِكَاءِ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ  
أَمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ،  
وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا  
صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِّنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا  
بِمَعْصِيَتِهِ، وَحَسِبَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ، وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ  
صَاحِبِجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ  
إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا  
سَلَفَ مِنْ جِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ  
كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ  
يَسْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ  
أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا  
رَبِّهَ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتَرَكُهُ فِيهَا، هَيْهَاتَ، مَا  
ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشْبِهُهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ

الْمُوَحَّدِينَ مِنْ بَرَكَ وَأِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ  
 تَعَذُّبٍ جَاحِدٍ بِكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا  
 بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ  
 أَسْمَاؤُكَ، أَقْسَمْتَ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ  
 أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلُّ تَنَاوُكَ قُلْتِ مُبْتَدِيًّا،  
 وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا  
 يَسْتَوُونَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ  
 الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَعَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي  
 هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ، كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ، وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ،  
 وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَزْتَهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ، أَخْفَيْتَهُ أَوْ  
 أَظْهَرْتَهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ  
 بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتُ  
 أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَّ حَمِيَّتِكَ  
 أَخْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ  
 إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بَرٍّ نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ حَظًّا  
 تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكَ رِقِّي،  
 يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي، يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكِنَتِي، يَا حَبِيرًا بِفَقْرِي  
 وَفَاقَتِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ  
 صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْفَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ

مَعْمُورَةً، وَيَخْدُمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ  
 أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَرِزْقًا وَاحِدًا، وَخَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا  
 سَيِّدِي، يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكُوتُ أَحْوَالِي، يَا رَبَّ يَا رَبَّ  
 يَا رَبَّ، قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي، وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي،  
 وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى  
 أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ،  
 وَأَشْتَأِقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُسْتَأَقِينَ، وَأَذْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ،  
 وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ، اللَّهُمَّ  
 وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ  
 عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَأَقْرِبْهُمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ،  
 فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَأَعْطِفْ عَلَيَّ  
 بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا، وَقَلْبِي  
 بِحُبِّكَ مُتَيِّمًا، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَأَغْفِرْ  
 زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ  
 وَصَمِئْتَ لَهُمْ بِالْإِجَابَةِ، فَإِلَيْكَ يَا رَبَّ نَصَبْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ يَا رَبَّ  
 مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي مَنَائِي، وَلَا تَقْطَعْ  
 مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي، يَا  
 سَرِيحَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ يَا  
 مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، إِزْحَمْ مَنْ رَأْسِ مَسَالِهِ

الرَّجَاءَ وَسِلَاحَهُ الْبُكَاءَ، يَا سَابِغَ النَّعْمِ، يَا دَافِعَ النَّقَمِ، يَا نُورَ  
 الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْأَيُّمَةَ  
 الْمَيَامِينَ مِنْ آلِهِ، وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا».

\* \* \*

زائران خانه خدا در مکه معظمه بعد از انجام اعمال عمره از  
 برخی اماکن مقدس این شهر بازدید می‌کنند، یکی از این اماکن،  
 قبرستان ابوطالب است که مزار شریف بزرگانی همچون خدیجه  
 کبری (همسرگرامی پیامبر اکرم)، حضرت ابوطالب، حضرت  
 عبدالمطلب و حضرت عبد مناف... در آنجاست. این قبرستان  
 در شمال شرقی مکه معظمه واقع شده و قبرستان قریش، قبرستان  
 بنی هاشم و حجون نیز خوانده می‌شود.

سفید